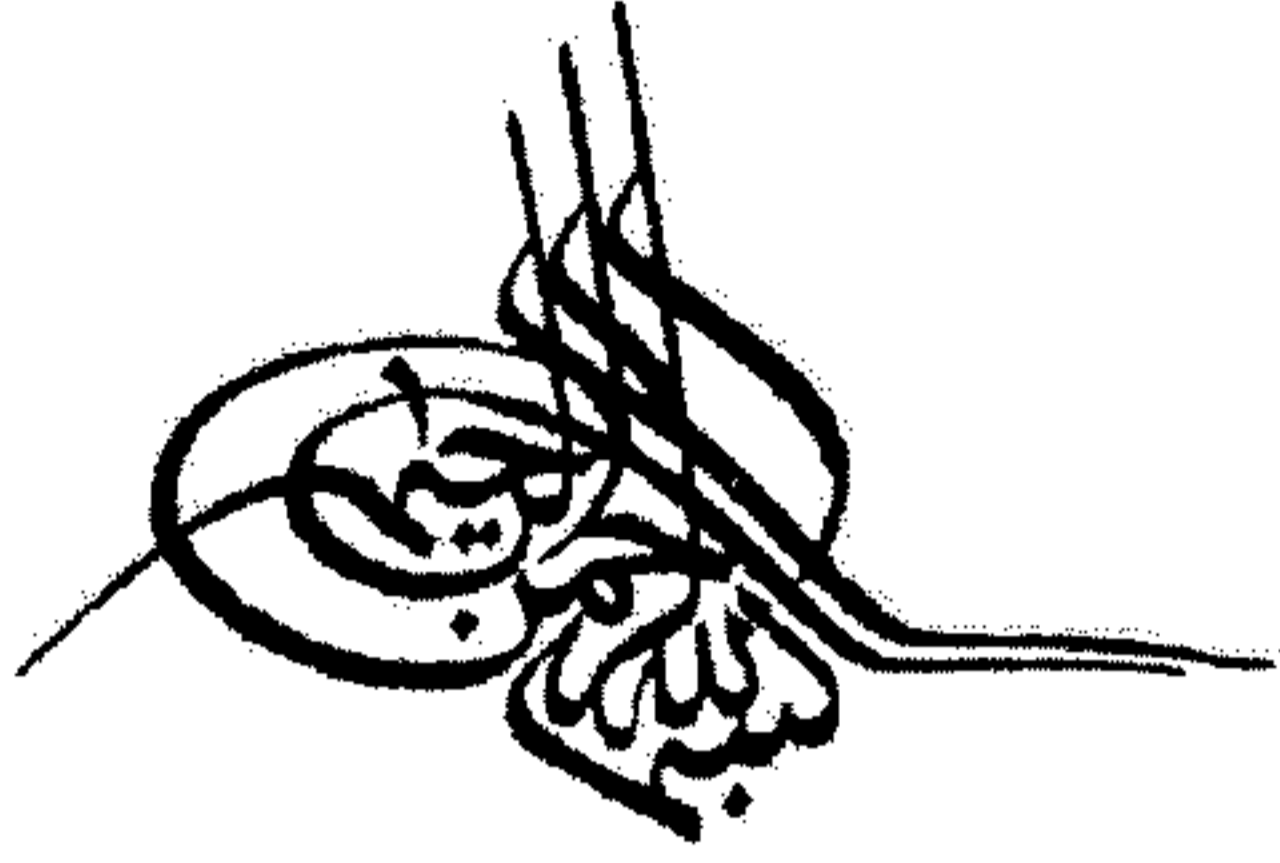




مجموعه
روایات
مهدوی

فصلنامه علمی و تخصصی مجموعه روایات مهدوی

علیه السلام



تقدیر بہ ساحت مقدس
حضرت مولانا صاحب الزمان، ارواحنا لہ الفداء

امامت حضرت مهدی (عج)

سرشناسه	: مؤسسه فرهنگی موعود عصر (عج)
عنوان و نام پدیدآور	: امامت حضرت مهدی (عج) / نویسنده
مشخصات نشر	: گروه پژوهش مؤسسه فرهنگی موعود تهران: موعود عصر (عج)، ۱۳۸۷
مشخصات ظاهری	: ۲۴۰ ص: ۱۱×۲۲ س.م.
شابک	: ۹-۱۱-۲۹۱۸-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیر نویس
موضوع	: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. -
موضوع	: مهدویت.
موضوع	: امامت
شناسه افزوده	: مؤسسه فرهنگی موعود عصر (عج)
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۷ ۷۶ الف / ۳۵ / ۵۱ / BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷ / ۹۵۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۲۳۴۶۷۳

امامت حضرت مهدی (عج)

مؤلف: گروه پژوهش مؤسسه فرهنگی موعود

ناشر: موعود عصر (عج)

سال و محل نشر: تهران، ۱۳۸۷

شابک: ۹-۱۱-۲۹۱۸-۹۶۴-۹۷۸

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۵۰۰۰

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، ص.پ: ۸۳۴۷-۱۴۱۵۵

شماره تلفن: ۸-۶۶۹۵۶۱۶۷

سخن ناشر

کتاب حاضر، سیزدهمین جلد از مجموعه‌ی روایی موعود حول موضوع کلی «معارف مهدوی» است که به مناسبت نیمه‌ی شعبان ۱۴۲۹ (شهریور ۱۳۸۷)، سالروز میلاد آن امام همام و رحمة للعالمین منتشر می‌شود.

بی‌شک آنچه که از مشرب زلال کلام حضرات معصومین (ع) درباره «امامت و ولایت حضرت صاحب‌الزمان (ع)» صادر شده، قلب را آرام می‌گرداند، جان را سیراب می‌سازد و پرده‌های شبهات را از جلوی دیدگان برمی‌دارد.

روایات، مأخذ خالصی هستند که پیراسته از تردید، لبّ حقایق را به جویندگان تقدیم می‌دارند.

امید می‌رود، این اثر طبع لطیف حضرت صاحب‌الأمر (ع) را بیاراید و توفیق الهی را در خدمت به اهل‌البیت رفیق‌را همان نماید. ان‌شاءالله

فهرست مطالب

۹	طلیعه
۱۱	مقدمه
۱۳	بخش اول: نظام امامت
۳۱	بخش دوم: ضرورت وجود امام
۴۹	بخش سوم: امامان دوازده گانه
۹۹	بخش چهارم: ویژگی های امام
۱۰۲	عصمت
۱۰۹	علم امام
۱۲۷	نسبت ائمه و اهل بیت با قرآن کریم
۱۳۶	حجت خدا بر خلق
۱۵۳	ولی خدا، وصی و جانشین پیامبر (ص)
۱۷۵	بخش پنجم: ضرورت شناخت امام
۱۸۵	بخش ششم: نهی از انکار امام
۲۰۷	بخش هفتم: غیبت امام و تأثیرات آن

طلیعه:

«سلیمان بن مهران از امام صادق (ع) نقل کرد که ده
خصلت از صفات امام است:

۱. عصمت دارد؛ ۲. تا زمان وفاتش محدث باشد. [فرشته
به او خبر دهد]؛ ۳. اعلم مردم باشد؛ ۴. پرهیزکارترین
مردمان است؛ ۵. داناترین ایشان به کتاب خداست؛
۶. وصی معروف امام پیش است؛ ۷. دارای اعجاز و
دلیل باشد؛ ۸. چشمش می خوابد ولی دلش بیدار است؛
۹. سایه ندارد؛ ۱۰. از پشت سر چنان می بیند که از
رو به رو مشاهده می کند»^۱.

مقدمه:

برای ورود به بحث امامت، خلافت، حجیت و وصایت حضرت مولانا صاحب الزمان، ارواحنا له الفداء، در ابتدا نیازمند بیان روایت‌های گرانقدر ائمه دین (ع) درباره نظام بی نظیر امامت در عرصه هستی هستیم. نظام امامت را پروردگار عالمیان در ادامه نظام نبوت، مقدر فرمودند تا به وسیله آن جمله اهل عالمیان راهبری و هدایت به صراطش گردند.

زیبایی، نظم و قاعده‌مندی حاکم بر کل نظام آفرینش و خلقت خداوند تعالی، مفسر هدفمند بودن و جهت‌دار بودن این نظام عظیم خارج از ادراک بشری است. او که پروردگار رب الارباب است، در خلقت عالمیان بی‌هدف نبوده است که حال پس از خلقش بی‌راهبر و بی‌هدف و بی‌سمت و جهت رهایش نماید.

او خالق مدبری است که در خلقتش رب و پرورش

چهل حدیث

دهنده است؛ او می آفریند و تکوین می کند؛ سپس برایش
نبی رحمت می فرستد؛ کلام خود را نازل می نماید و بعد
برای او امامی برمی گزیند که هدایت به خیرش نماید،
دستش را بگیرد و به خانه دوست راهنمایش گردد؛ راه و
رسم بندگی و نجوای عاشقانه با معبود را هم، او به بنده
می آموزد. خداوند تعالی حجت خود را بین مخلوقاتش قرار
می دهد تا ثقل مکانشان باشد، امانشان باشد و مایه برکت
و رحمت حضرتش برای مخلوقات گردد. در حقیقت او
واسطه فیض پروردگار است.

به درستی که نظام آفرینش حضرت خداوندی به جمال
و جلال، رحمت و شفقت، دوستی و مهر، مغفرت و سایر
صفات پروردگارش آراسته گردیده و امام گردشند زیور
این نظام زیبا و بی نقص است.

توصیف «نظام امامت» از زبان ائمه دین (ع) به شایستگی
و به تمام معنا گویای رحمت پروردگار بر بندگان به واسطه
این نظام است.

از همین رو شما خواننده عزیز را به تأمل و اندیشه در
این روایت‌های گرانقدر دعوت می‌نمایم.

بخش اول

نظام امامت

ابتدای مطلب را با روایتی از حضرت نبی اکرم (ص) آغاز می‌کنیم که در آن پرده از راز خلقت انسان، نظام نبوت، نظام امامت و ولایت مطلقه آنان بر خلق عالم برمی‌دارند:

«عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا (ع)، عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِي طَالِبٍ (ع) قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا أَفْضَلَ مِنِّي وَلَا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنِّي، قَالَ عَلِيُّ (ع): فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَأَنْتَ أَفْضَلُ أَمْ جَبْرَائِيلُ؟ فَقَالَ (ع): ... ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ آدَمَ (ع) وَأَوْدَعَنَا صُلْبَهُ وَأَمَرَ الْمَلَائِكَةَ بِالسُّجُودِ لَهُ تَعْظِيمًا لَنَا وَإِكْرَامًا، وَكَانَ سُجُودَهُمْ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ عُبودِيَّةً وَ لِآدَمَ إِكْرَامًا وَ طَاعَةً لِكُونِنَا فِي صُلْبِهِ فَكَيْفَ لَانَكُونَ أَفْضَلَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ قَدْ سَجَدُوا لِآدَمَ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ!»

امام رضا (ع) از پدران بزرگوارشان از امیرالمؤمنین (ع)

۱. صندوق، محمد، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، صص ۴۸۲-۴۷۷.

و ایشان از رسول اکرم (ص) روایت کند که فرمودند: خداوند خلقی که بهتر از من باشد و نزد او گرامی تر از من باشد نیافریده است، علی (ع) گوید به پیامبر اکرم (ص) گفتم: ای رسول خدا تو بهتری یا جبرئیل؟ فرمود: ای علی! خدای تعالی انبیاء مرسلین را بر ملائکه مقربین برتری داد و مرا بر جمیع انبیاء و رسولان فضیلت بخشید و پس از من ای علی! برتری از آن تو و امامان پس از توست و فرشتگان خادمان ما و دوستداران ما هستند. ای علی! کسانی که عرش را حمل می کنند و کسانی که اطراف آنند به واسطه ولایت ما حمد پروردگارشان را به جا می آورند و برای مؤمنان استغفار می کنند. ای علی! اگر ما نبودیم خداوند آدم و حوا و جنت و نار و آسمان و زمین را نمی آفرید و چگونه افضل از ملائکه نباشیم؛ در حالی که در توحید و معرفت پروردگاران و تسبیح و تقدیس و تهلیل او بر آنها سبقت گرفته ایم، زیرا ارواح ما نخستین مخلوقات خدای تعالی است و او ما را به توحید و تمجید خود گویا ساخت، سپس ملائکه را آفرید و چون ارواح ما را در حالی که نور واحدی بود، مشاهده نمودند، امور ما را بزرگ شمردند، ما تسبیح او را گفتیم تا ملائکه بدانند که ما خلقی هستیم، آفریده

امامت حضرت مهدی (عج)

شده و او از صفات ما منزّه است، بعد از آن ملائکه نیز تسبیح او را گفتند و او را از صفات ما تنزیه کردند و چون بزرگی شأن ما را مشاهده کردند، تهلیل گفتیم تا ملائکه بدانند که هیچ معبودی جز «الله» نیست و بدانند که ما بندگانی هستیم و نه خدایانی که با او یا در کنار او پرستیده شویم و گفتند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و چون بزرگی و منزلت ما را مشاهده کردند خدا را تکبیر گفتیم تا ملائکه بدانند که خدا بزرگتر از آن است که بدو رسند و منزلت او عظیم است و چون عزّت و قوتی را که خداوند برای ما قرار داده است، مشاهده کردند، گفتیم: «لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» تا ملائکه بدانند که هیچ قدرت و قوتی جز به واسطه خدا نیست و ملائکه گفتند: «لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» و چون مشاهده کردند آن نعمتی را که خدا بر ما ارزانی داشته و طاعت ما را واجب شمرده است، گفتیم: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» تا ملائکه بدانند خداوند به واسطه نعماتی که بر ما ارزانی داشته است، حقوقی دارد و ملائکه گفتند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ»؛ پس به واسطه ما به معرفت خدای تعالی و تسبیح و تهلیل و تحمید او رهنمون شدند.

سپس خدای تعالی آدم (ع) را آفرید و ما را در صلب او

نهاد و به ملائکه فرمان داد که به خاطر تعظیم و اکرام ما بدو سجده کنند، سجده آنها برای خدای تعالی عبودیت و بندگی و برای آدم اکرام و طاعت بود، زیرا ما در صلب او بودیم، پس چگونه ما افضل از ملائکه نباشیم؛ در حالی که همه آنها به آدم سجده کردند.

در روایت دیگری از پیامبر اکرم (ص) درباره واقعه شب معراج حضرت با تأکید بر آنچه در روایت پیش گذشت خاتم اولیاء و امامان را معرفی و در شأن و جایگاه آنان مطالب ارزشمندی را ذکر فرمودند:

«أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أَوْحَى إِلَيَّ رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَطَّلَعْتُ عَلَى الْأَرْضِ إِطْلَاعَةً فَأَخْتَرْتُكَ مِنْهَا فَجَعَلْتُكَ نَبِيًّا، وَ شَقَقْتُ لَكَ مِنْ اسْمِي إِسْمًا... وَ هُوَ الَّذِي يَشْفِي قُلُوبَ شِيعَتِكَ مِنَ الظَّالِمِينَ وَ الْجَاهِدِينَ وَ الْكَافِرِينَ، فَيُخْرِجُ اللَّاتَ وَ الْعُزَّى طَرِيقَيْنِ فَيَحْرِقُهُمَا، فَلَفِئْتَهُ النَّاسَ يَوْمَئِذٍ بِهِمَا أَشَدُّ مِنْ فِتْنَةِ الْعِجْلِ وَ السَّامِرِيِّ؛»

امیرالمؤمنین علی (ع) از رسول خدا (ص) روایت کند که فرمود: چون مرا به آسمانها بردند، خدایم به من وحی کرد که ای محمد! من بر زمین نظری افکندم و تو را از

امامت حضرت مهدی (عج)

آن میان برگزیدم و تو را پیامبر ساختم و از اسم خود برای تو اسمی برگرفتم که من محمود و تو محمدی! سپس دوم بار بر زمین نظری افکندم و از آن میان علی را برگزیدم و او را وصی و خلیفه تو قرار دادم و همسر دختر و پدر فرزندان ساختم و برای او اسمی از اسماء خود برگرفتم که من علی اعلی هستم و او علی است و فاطمه و حسن و حسین را از نور شما دو تن آفریدم، سپس ولایت ایشان را بر ملائکه عرضه داشتم و کسی که آن را پذیرفت، نزد من از مقربین است. ای محمد! اگر بنده‌ای مرا عبادت کند تا آنکه منقطع شود و مانند مشک کهنه پوسیده گردد؛ در حالی که منکر ولایت ایشان است به نزد من آید، او را در بهشت خود جای نمی‌دهم و تحت سایه عرشم در نیاورم، ای محمد! آیا دوست می‌داری که ایشان را ببینی؟ گفتم: «آری ای پروردگار من»، گفت: سرت را بلند کن. سرم را بلند کردم و به ناگاه انوار علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و محمد بن الحسن را دیدم و قائم در وسط آنان مانند ستاره‌ای درخشان بود. گفتم: «پروردگارا آنان چه کسانی

هستند؟» فرمود: آنان ائمه هستند و این قائم، کسی است که حلال مرا حلال و حرام مرا حرام می کند و توسط او از دشمنانم انتقام خواهم گرفت. او راحت دوستان من است و او کسی است که دل شیعیان را از ظالمان و منکران و کافران شفا می دهد. لات و عزری را با طراوت [زنده از زیر خاک] بیرون می آورد و آنها را آتش می زند و فتنه مردم به آن دو در آن روز از فتنه عجل و سامری سخت تر است».



سومین روایت را هم در تأیید روایت پیشین از

نبی اکرم (ص) نقل می کنیم:

«عبدالله بن عباس قال: قال رسول الله (ص): «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ إِطْلَاعَةً فَاخْتَارَنِي مِنْهَا فَجَعَلَنِي نَبِيًّا، ثُمَّ أَطَّلَعَ الثَّانِيَةَ فَاخْتَارَ مِنْهَا عَلِيًّا فَجَعَلَهُ إِمَامًا، ثُمَّ أَمَرَنِي أَنْ أَتَّخِذَهُ أَخًا وَوَلِيًّا وَوَصِيًّا وَخَلِيفَةً وَوَزِيرًا، فَعَلِيٌّ مِنِّي وَأَنَا مِنْ عَلِيٍّ وَهُوَ زَوْجُ ابْنَتِي وَأَبُو سِبْطِيِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ أَلَا وَأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَنِي وَإِيَّاهُمْ حُجَجًا عَلَى عِبَادِهِ، وَجَعَلَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ أُمَّةً يَقُومُونَ بِأَمْرِي، وَيَحْفَظُونَ وَصِيَّتِي، النَّاسِخُ مِنْهُمْ قَائِمٌ أَهْلِ بَيْتِي، وَمَهْدِيٌّ أُمَّتِي، أَشْبَهُ النَّاسِ بِي فِي شِمَائِلِهِ وَأَقْوَالِهِ وَأَفْعَالِهِ يَظْهَرُ بَعْدَ غَيْبِهِ طَوِيلَةً وَحَيْرَةً مُضِلَّةً، فَيُعْلِنُ أَمْرَ اللَّهِ، وَيُظْهِرُ دِينَ اللَّهِ

جَلَّ وَعَزَّ، يُؤَيِّدُ بِنَصْرِ اللَّهِ وَ يُنْصِرُ بِمَلَائِكَةِ اللَّهِ، فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ
عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا؛^۱

عبدالله بن عباس از رسول خدا (ص) روایت کند که
فرمودند: خدای تعالی بر زمین نگاهی افکند و مرا از آن
میان برگزید و پیامبر گردانید، سپس دوم بار نظری افکند
و علی را برگزید و او را امام گردانید، سپس به من فرمان
داد که او را برادر و ولی و وصی و خلیفه خود سازم،
پس علی از من است و من از علی و او شوهر دخترم
فاطمه و پدر دو سبطم حسن و حسین است، بدانید که
خدای تعالی مرا و ایشان را حجت‌های بر بندگانش قرار
داده است و از فرزندان حسین امامانی را قرار داده است
که به امر من قیام کنند و وصیت مرا نگه می‌دارند و
نهمین آنها قائم اهل بیت و مهدی امّت است که در شمایل
و اقوال و افعال شبیه‌ترین مردم به من است، او پس از
غیبتی طولانی و حیرتی گمراه‌کننده، ظهور کند و دین
خدای تعالی را چیره گرداند و به یاری خدا و نصرت
ملائکه خدا مؤید باشد، زمین را از عدل و داد آکنده
سازد، همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد».

همچنین روایتی به نقل از امام رضا (ع) می آوریم که در آن نبی اکرم (ص) جایگاه و شأن مقام ولایت خود و حضرت علی (ع) را بیان می دارند:

«عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ (ع) قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَنَا سَيِّدٌ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَأَنَا خَيْرٌ مِنْ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَحَمَلَةَ الْعَرْشِ وَجَمِيعِ مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَاءِ اللَّهِ الْمُرْسَلِينَ، وَأَنَا صَاحِبُ الشَّفَاعَةِ وَالْحَوْضِ الشَّرِيفِ، وَأَنَا وَعَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ، مَنْ عَرَفَنَا فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ، وَمَنْ أَنْكَرَنَا فَقَدْ أَنْكَرَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ، وَمَنْ عَلِيٌّ سِبْطُ أُمَّتِي، وَسَيِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ: الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، وَمِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تِسْعَةُ أُمَّةٍ، طَاعَتُهُمْ طَاعَتِي، وَمَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَتِي، تَابِعْتُهُمْ قَائِمُهُمْ وَمُهْدِيَتُهُمْ!»

امام رضا (ع) از پدران بزرگوارشان از رسول خدا (ص) روایت کند که فرمود: من سید مخلوقات خدای تعالی هستم و من از جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و حاملان عرش و همه ملائکه مقربین و انبیاء و رسولان الهی برترم و من صاحب شفاعت و حوض شریفم و من و علی دو پدر این امت هستیم، کسی که ما را بشناسد خدای تعالی را شناخته است و کسی که ما را انکار کند، خدای تعالی

امامت حضرت مهدی (عج)

را انکار کرده است و دو سبط این امت و سید جوانان بهشت یعنی حسن و حسین از فرزندان علی است و از فرزندان حسین نه امام خواهد بود که طاعت ایشان طاعت من و معصیت آنها معصیت من است، نهمین آنان قائم و مهدی ایشان است».

و نیز نبی اکرم (ص) فرمودند:

«أبي عبد الله (ع) عن أبيه - صلوات الله عليهم - قال: قال رسول الله (ص): «إن عز وجل اختار من الأيام الجمعة، و من الشهور شهر رمضان، و من الليالي ليلة القدر، و اختارني على جميع الأنبياء، و اختار مني علياً و فضله على جميع الأوصياء، و اختار من علي الحسن و الحسين، و اختار من الحسين الأوصياء من ولده، ينفون عن التنزيل تحريف الغالين و انتحال المبطلين و تأويل المضلين، تاسعهم قائمهم و هو ظاهرهم و هو باطنهم»^۱

امام صادق (ع) از پدران بزرگوارش (ع)، از رسول خدا (ص) روایت کند که فرمود: خدای تعالی از روزها روز جمعه و از ماهها ماه رمضان و از شبها شب قدر را اختیار کرد و از میان همه انبیاء مرا اختیار نمود و از میان خاندان من علی را برگزید و او را بر همه اوصیاء برتری

۱. همان، ج ۱، ص ۵۲۶.

داد و از خاندان علی، حسن و حسین را برگزید و از خاندان حسین، اوصیای از فرزندان او را انتخاب کرد و آنان از قرآن کریم تحریف غالین و نسبت ناروای مبطلین و تأویل مضلین را دفع می کنند و نهمین آنان قائم ایشان است و او ظاهر و باطن ایشان است».

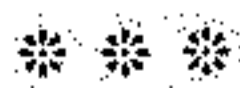
امام باقر (ع) نیز در روایتی بر مقام و جایگاه ائمه (ع) تأکید و آن را این گونه بیان می کنند:

«خَيْشَمَةُ الْجَعْفِيُّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: «نَحْنُ جَنْبُ اللَّهِ، وَ نَحْنُ صَفْوَتُهُ، وَ نَحْنُ حَوْزَتُهُ، وَ نَحْنُ مُسْتَوْدَعُ مَوَارِيثِ الْأَنْبِيَاءِ، وَ نَحْنُ أَمْنَاءُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، ... وَ بِنَا يُسْقَوْنَ الْغَيْثَ، وَ نَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُصْرَفُ عَنْكُمْ الْعَذَابُ، فَمَنْ عَرَفَنَا وَ أَبْصَرَنَا وَ عَرَفَ حَقَّنَا وَ أَخَذَ بِأَمْرِنَا فَهُوَ مِنَّا وَ إِلَيْنَا!»

خیشمه جعفری گوید: از امام باقر (ع) شنیدم که می فرمود: ما جنب الله و برگزیدگان خدا و حوزة اویسیم، موارث انبیاء به ودیعه نزد ماست، ما امناء و حجت های خداییم، ارکان ایمان و ستون های اسلامیم، ما رحمت خداوند بر خلایقیم، ما کسانی هستیم که به ما جهان آغاز شد و به ما ختم خواهد گردید، ما پیشوایان هدایت و چراغ های

امامت حضرت مهدی (عج)

تاریکی و روشنی بخش هدایتیم، ما اولین و آخرینیم، ما پرچم برافراشته شده هدایت برای خلائقیم. هر که به ما تمسک جوید به حق ملحق می شود و هر که از ما دور شود، غرق خواهد شد، ما پیشوایان سپید جبینانیم، ما برگزیدگان خدا و راه روشن و صراط مستقیم به خدای تعالی هستیم، ما نعمت خدا بر خلائقیم، ما راه خدا و معدن نبوت و موضع رسالتیم، ما کسانی هستیم که آمد و شد ملائکه به نزد ماست، ما چراغ کسانی هستیم که از ما روشنایی طلب کنند، ما راه حقیق برای کسانی که از ما پیروی کنند، ما هادیان به بهشتیم و ما ریسمان و حلقه های اسلامیم و ما پل ها و واسطه های وصول به حقیق، کسی که بر آن بگذرد بر او سبقت نجویند و هر که از آن تخلف ورزد نابود شود، ما ستار اعظم هستیم، ما کسانی هستیم که خداوند به سبب ما رحمت را فرو می فرستد و با بارانش خلائق را سیراب می کند و ماییم کسانی که به واسطه ما [خداوند] عذاب را از شما برمی گرداند، پس کسی که ما را شناخت و به ما بصیرت پیدا کرد و حق ما را دانست و دستورات ما را گرفت، او از ما و به سوی ماست».



در روایتی از امام صادق (ع) پرده دیگری از اسرار نظام امامت بالا زده می‌شود و آن وجود منحصر به فرد امام در هر زمان است، ایشان فرمودند:

«الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قُلْتُ لَهُ: تَكُونُ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ؟ قَالَ: لَا، قُلْتُ: أَفَيَكُونُ إِمَامَانِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ؟ قَالَ: لَا إِلَّا وَ أَحَدُهُمَا صَامِتٌ، قُلْتُ: فَالْإِمَامُ يَعْرِفُ الْإِمَامَ الَّذِي مِنْ بَعْدِهِ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: قُلْتُ: الْقَائِمُ إِمَامٌ؟ قَالَ: نَعَمْ إِمَامٌ بِنِ إِمَامٍ قَدْ أُوتِيَ بِهِ قَبْلَ ذَلِكَ!»

حسن بن ابی العلاء گوید به امام صادق (ع) گفتم: آیا زمین بدون امام خواهد بود؟ فرمود: «خیر» گفتم: آیا ممکن است در زمانی واحد دو امام باشند؟ فرمود: «خیر مگر آنکه یکی از آنها خاموش باشد». گفتم: آیا امام، امام پس از خود را می‌شناسد؟ فرمود: «آری» گفتم: آیا قائم امام است؟ فرمود: «آری او امام است و فرزند امام است و قبل از ظهور به او اقتدا شده است».

امام صادق (ع) در روایت دیگری فرمودند:

«عَبْدُ الْحَمِيدِ بْنِ أَبِي الدَّيْلَمِ الطَّائِيُّ قَالَ: «قَالَ [لِي] أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): يَا عَبْدَ الْحَمِيدِ بْنِ أَبِي الدَّيْلَمِ إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى رُسُلًا مُسْتَعْلِنِينَ

امامت حضرت مهدی (عج)

وَرُسُلًا مُسْتَخْفِينَ، فَإِذَا سَأَلْتَهُ بِحَقِّ الْمُسْتَعْلِينَ فَسَلَّهُ بِحَقِّ
الْمُسْتَخْفِينَ؛

عبدالحمید بن ابی الدیلیم طائی گوید: امام صادق (ع) به
من فرمود: ای عبدالحمید بن ابی الدیلیم! برای خدای
تعالی رسولانی آشکار و رسولانی نهان است و چون
از خدا به حق رسولان آشکار درخواست کردی به حق
رسولان نهان نیز درخواست کن.

و باز هم درباره مقام و جایگاه امامت، امام باقر (ع)
فرمودند:

«إِنَّكُمْ أَهْلُ بَيْتِ رَحْمَةِ، اخْتَصَّكُمْ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِهَا. فَقَالَ:
كَذَلِكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، لَا تُدْخِلُ أَحَدًا فِي ضَلَالَةٍ، وَلَا تُخْرِجُهُ مِنْ
هُدًى. إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَذْهَبُ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ،
يَعْمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ، لَا يَرَى مُنْكَرًا إِلَّا أَنْكَرَهُ؛

به محضر امام باقر (ع) عرض شد: شما اهل بیت رحمت
هستید، خداوند این مقام را به شما اختصاص داده است.
فرمودند: «آری، چنین است. خدا را شکر، ما هرگز
احدی را به گمراهی سوق نمی دهیم و کسی را از هدایت
باز نمی داریم. دنیا سپری نمی شود مگر اینکه خداوند

مردی را از ما خاندان برانگیزد، که به کتاب خدا عمل کند و هر کجا منکری را ببیند، آن را انکار نماید.^۱

و در جای دیگر باز هم امام باقر(ع) فرمودند:
«وَمَنْ أَبْغَضَنَا وَرَدَّنَا أَوْ رَدَّ وَاحِدًا مِنَّا فَهُوَ كَافِرٌ بِاللَّهِ وَبِآيَاتِهِ»
هر کس ما را دشمن بدارد، ما را رد کند، یا یکی از ما را رد کند، او به خدا و آیات خدا کافر شده است.

حضرت بقیة الله(عج) هم درباره شأن و جایگاه امام در نظام هستی می فرمایند:
«... وَ لِيَعْلَمُوا أَنَّ الْحَقَّ مَعَنَا وَ فِينَا، لَا يَقُولُ ذَلِكَ سِوَانَا إِلَّا كَذَابٌ مُفْتَرٍ، وَ لَا يَدَّعِيهِ غَيْرُنَا إِلَّا ضَالٌّ غَوِيٌّ. فَلْيَقْتَصِرُوا مِنَّا عَلَى هَذِهِ الْجُمْلَةِ دُونَ تَفْسِيرٍ، وَ يَقْنَعُوا مِنْ ذَلِكَ بِالتَّعْرِيفِ دُونَ التَّصْرِيحِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ»

شیعیان ما باید بدانند که حق با ماست و حق در میان ماست. به جز ما هر کس این ادعا را بکند دروغگوست و جز ما هر کس این دعوی را بکند ضال و گمراه است. شیعیان ما باید این جمله را از ما بپذیرند و تفسیر

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، صص ۱۴۱ و ۳۷۸.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۶۳، ح ۲۹.

امامت حضرت مهدی (عج)

آن را نخواهند. از ما اشاره را قبول کنند و تصریح را نخواهند.^۱

امام صادق (ع) هم در روایت زیبایی جایگاه امام در نظام خلقت را به باب خانه تشبیه و فرمودند:

«إِنَّهُ مَنْ أَتَى الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا اهْتَدَى، وَمَنْ أَخَذَ غَيْرَهَا سَلَكَ طَرِيقَ الرَّدَى. وَقَدْ وَصَلَ اللَّهُ طَاعَةَ وَلِيِّ أَمْرِهِ بِطَاعَةِ رَسُولِهِ (ص) وَطَاعَةَ رَسُولِهِ بِطَاعَتِهِ، فَمَنْ تَرَكَ طَاعَةَ وَلاةِ الْأَمْرِ لَمْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ؛

کسی که از در خانه، وارد خانه شود هدایت یافته است و کسی که راه دیگری پیش گیرد و از غیر در، وارد خانه شود به سوی هلاکت رفته است. خداوند «اطاعت ولی امر» را به اطاعت رسول اکرم (ص) مقرون ساخته و اطاعت پیامبرش را به اطاعت خود مقرون ساخته است. هر کس اطاعت «اولیای امر» را ترک کند، از خدا و پیامبر اکرم (ص) نیز اطاعت ننموده است.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۹۱.

۲. اصول کافی، ج ۲، صص ۴۷ و ۱۸۲.

در روایتی امام حسن عسکری (ع) در تشریح نظام امامت برای شکاکان می‌فرمایند که امامت امری موقتی نیست، بنابراین جایی برای شک در آن وجود ندارد.

«أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ قَالَ: خَرَجَ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ (ع) إِلَى بَعْضِ رِجَالِهِ فَمِنْ عَرَضِ كَلَامٍ لَهُ: «مَا مَنَى أَحَدٌ مِنْ آبَائِنَا (ع) بِمَا مَنَيْتُ بِهِ مِنْ شَكِّ هَذِهِ الْعِصَابَةِ فَيَوْمَ، فَإِنْ كَانَ هَذَا الْأَمْرُ أَمْرًا اعْتَقَدْتُمُوهُ وَدِثْتُمْ بِهِ إِلَى وَقْتٍ ثُمَّ يَنْقَطِعُ فَلِلشَّكِّ مَوْضِعٌ، وَإِنْ كَانَ مُتَّصِلًا مَا اتَّصَلَتْ أُمُورُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَمَا مَعْنَى هَذَا الشَّكِّ؟!»^۱

احمد بن اسحاق گوید: از امام عسکری (ع) نامه‌ای به یکی از رجالش صادر شد و در ضمن آن آمده بود: «هیچ یک از پدرانم مانند من مورد شک و تردید این گروه واقع نشده است، اگر این امر امامت امری موقت بود و شما بدان معتقد و متدین شده بودید، شک محلی داشت، اما اگر آن متصل باشد، مادامی که امور خدای تعالی متصل است، پس معنای شک در آن چیست؟»

۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۴۲۲

بخش دوم

ضرورت وجود امام

پس از اثبات نظام امامت به عنوان یکی از پایه‌های اصلی خلقت، نیازمند گفت‌وگو از ضرورت وجودی امام (ع) هستیم. در این باره روایت‌های فراوانی از پیشوایان دین که درود خدا بر آنها باد، نقل شده است، که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع): اَكْتُبْ مَا أَمَلَى عَلَيْكَ، قَالَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَتَخَافُ عَلَيَّ النَّسِيَانَ؟ فَقَالَ: لَسْتُ أَخَافُ عَلَيْكَ النَّسِيَانَ، وَقَدْ دَعَوْتُ اللَّهَ لَكَ أَنْ يَحْفَظَكَ وَلَا يُنْسِيَكَ، وَلَكِنْ أَكْتُبُ لِشُرَكَائِكَ، قَالَ: قُلْتُ: وَمَنْ شُرَكَائِي يَا نَبِيَّ اللَّهِ؟ قَالَ: الْأَيْمَّةُ مِنْ وَدَدِكَ، بِهِمْ تُسْقَى أُمَّتِي الْغَيْثُ، وَبِهِمْ يُسْتَجَابُ دُعَاؤُهُمْ، وَبِهِمْ يَصْرِفُ اللَّهُ عَنْهُمْ الْبَلَاءَ، وَبِهِمْ تَنْزِلُ الرَّحْمَةُ مِنَ السَّمَاءِ وَهَذَا أَوْلُهُمْ وَأَوْمًا بِيَدِهِ إِلَى الْحَسَنِ (ع)، ثُمَّ أَوْمًا بِيَدِهِ إِلَى الْحُسَيْنِ (ع)، ثُمَّ قَالَ (ع): الْأَيْمَّةُ مِنْ وَدَدِهِ!»

۱. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۹۲.

امام باقر (ع) گوید که رسول خدا (ص) به علی (ع) فرمود: آنچه بر تو املا می‌کنم، بنویس، [علی (ع)] گفت: «ای پیامبر خدا آیا می‌ترسی فراموش کنم؟» فرمود: بر تو از فراموشی نمی‌ترسم که از خدا خواسته‌ام تو را حفظ کرده و از نسیان نگاه دارد، ولی برای شریکانت بنویس، گوید: «گفتم ای پیامبر خدا شریکان من چه کسانی هستند؟» فرمود: ائمه فرزندان تو که به واسطه آنها امت از باران سیراب شوند و دعایشان مستجاب شود و به خاطر آنها خداوند بلا را بگرداند و رحمت از آسمان فرو بارد و با دست به امام حسن (ع) اشاره فرمود و گفت: این اولین آنهاست سپس به امام حسین (ع) اشاره فرمود و گفت: ائمه فرزند اویند».

در این روایت شریف دیدیم که یکی از ضرورت‌های وجود امام (ع)، واسطه فیض و باب رحمت بودن آنان است.



در روایت دیگری امام صادق (ع) تأکید بر خارسان و نگهبانان دین می‌کند و می‌فرماید که این نقش را امام (ع) بر عهده دارند:

«جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: «إِنَّ النَّبِيَّ (ص) قَالَ:

امامت حضرت مهدی (عج)

إِنَّ فِي كُلِّ خَلْفٍ مِنْ أُمَّتِي عَدْلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَنْفِي عَنْ هَذَا
الدِّينِ تَحْرِيفَ الْغَالِبِينَ وَانْتِحَالَ الْمُبْطِلِينَ وَتَأْوِيلَ الْجَاهِلِينَ، وَإِنَّ
أُمَّتَكُمْ قَادَتُكُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَاَنْظُرُوا بِمَنْ تَقْتَدُونَ فِي دِينِكُمْ
وَصَلَاتِكُمْ؛^۱

امام صادق (ع) از پدران ایشان (ع) روایت کند که پیامبر
اکرم (ص) فرمودند: در هر نسلی از امت من عادل از اهل
بیت من وجود دارد که از این دین، تحریف غلو کنندگان
و نسبت ناروای باطلان و تأویل نادانان را نفی نماید و
ائمه شما رهبران شما به خدای تعالی هستند بنگرید که
در دین و نمازتان از چه کسی پیروی می کنید؟»

«الْحَارِثُ بْنُ نَوْفَلٍ قَالَ: «قَالَ عَلِيُّ (ع) لِرَسُولِ اللَّهِ (ص): يَا
رَسُولَ اللَّهِ أَمِنَّا الْهُدَاةُ أَمْ مِنْ غَيْرِنَا؟ قَالَ: بَلْ مِمَّنَا الْهُدَاةُ إِلَى اللَّهِ
إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، بِنَا اسْتَنْقَذَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ ضَلَالَةِ الشُّرْكِ، وَ
بِنَا يَسْتَنْقِذُهُمْ مِنْ ضَلَالَةِ الْفِتْنَةِ، وَبِنَا يُصْبِحُونَ إِخْوَانًا بَعْدَ ضَلَالَةِ
الْفِتْنَةِ، كَمَا بِنَا أَصْبَحُوا إِخْوَانًا بَعْدَ ضَلَالَةِ الشُّرْكِ، وَبِنَا يَخْتِمُ اللَّهُ
كَمَا بِنَا فَتَحَ اللَّهُ؛^۲

حارث بن نوفل گوید: علی (ع) به رسول خدا (ص) گفت:

۱. همان، ج ۱، ص ۴۲۰.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۲۷.

ای رسول خدا! آیا هادیان از ما هستند یا از غیر ما؟
فرمود: هادیان به خدای تعالی تا روز قیامت از ما هستند،
خدای تعالی به واسطه ما آنها را از گمراهی شرک نجات
می‌دهد، مردم به واسطه ما پس از گمراهی فتنه بیدار
شدند، همچنان که به واسطه ما پس از گمراهی فتنه برادر
گشتند، همچنان که برادر شدند بعد از ضلالت شرک
خداوند به ما ختم کند، همچنان که به ما آغاز کرد.

در این روایت دیدیم که امام «هادی» است و تخلق به
واسطه او از گمراهی نجات می‌یابد.

در روایت دیگری از رسول اکرم (ص) می‌بینیم که
حضرت، ائمه (ع) را به کشتی نوح تشبیه و آنان را مایه
نجات از بلا برای امت می‌دانند:

«ابن عباس قال: قال رسول الله (ص) لعلی بن ابی طالب (ع): «یا
علی! انا مدینة الحکمة و انت بایها، و لن توتی المدینة الا من
قبل الباب، فکذب من زعم انه یحبنى و یبغضک، لانک منى و انا
منسک، لحمک من لحمی، و دمک من دمی؛ و روحک من روحی، و
سریرتک من سریرتی، و علانیتک من علانیتی، و انت امام امتی،
و خلیفتی علیها بعدی، سعید من أطاعک، و شقی من عصاک، و
ریح من تولاک، و خسیر من عاداک، و فاز من لزمک، و هلك من

امامت حضرت مهدی (عج)

فَارَقَكَ، مَثَلُكَ وَ مَثَلُ الْاِثْمَةِ مِنْ وُلْدِكَ [بَعْدِي] مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ
رَكِبَهَا نَجَا، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ، وَ مَثَلُكُمْ كَمَثَلِ النُّجُومِ كُلَّمَا
غَابَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛^۱

این عباس گوید که رسول خدا (ص) به علی (ع) فرمود:
ای علی! من شهر حکمتم و تو دروازه آنی و به مدینه
داخل نتوان شد، مگر از جانب دروازه آن، دروغ می گوید
کسی که می پندارد مرا دوست دارد؛ در حالی که تو را
دشمن می دارد، زیرا تو از منی و من از توأم، گوشت تو
از گوشت من و خون تو از خون من و روح تو از روح
من و نهان تو از نهان من و آشکار تو از آشکار من است
و تو امام امت من هستی و پس از من جانشین من بر
آنهایی، نیکبخت کسی که از تو اطاعت کرد و بدبخت
کسی که نافرمانی تو را نمود، کسی که دوستی تو را
داشته باشد سود برده است و کسی که دشمن تو باشد
در خسران است و کسی که همراهی تو را داشته باشد
رستگار و کسی که از تو جدایی گزیند، هلاک است،
مَثَلُ تُو وَ مَثَلُ اِثْمَةٍ اِزْ فَرَزْنِدَانِ تُو كِهْ پَسْ اِزْ مَن بِيَايِنْدَ،
مَثَلُ كَشْتِي نُوحٍ اِسْتِ كِهْ هَرْ كِهْ بَرِ اَن سَوَارِ شُوْدَ، نَجَاتِ
يَاْبِدْ وَ هَرْ كِهْ اِزْ اَن تَخَلَّفَ وَرَزْدَ، غَرَقِ خَوَاهَدِ شَسْدْ وَ

۱. همان، ج ۱، ص ۴۵۴.

مثل شما مانند مثل ستارگان است و هر گاه ستاره‌ای پنهان شود، ستاره‌ای دیگر بدرخشد و این تا روز قیامت ادامه دارد».

«مَعْرُوفُ بْنُ خَرَبُودٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مَثَلُ نَجُومِ السَّمَاءِ كُلَّمَا غَابَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ»^۱

معروف خربوذ گوید: از امام باقر (ع) شنیدم که می‌گفت: رسول خدا (ص) فرمود: مثل اهل بیت من در این امت مثل ستارگان آسمان است، هر گاه ستاره‌ای غایب شود ستاره‌ای دیگر ظاهر گردد».

امام هادی (ع) در زیارت جامعه کبیره، در بیانی کوتاه می‌فرماید:

«بِكُمْ أَنْقَدْنَا اللَّهُ مِنَ الذُّلِّ وَفَرَّجَ عَنَّا عَمْرَاتِ الْكُرُوبِ، وَأَنْقَدْنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَمِنَ النَّارِ»^۲

اینک، در این زمان، نجات بخش امت، آخرین امام از

۱. همان، ج ۱، ص ۵۲۵.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره؛ خداوند ما را به [سبب] شما [اهل بیت (ع)] می‌رهاند و ما را به [سبب] شما از شدت سختی‌ها گشایش می‌دهد و از لبه پرتگاه هلاکت و از آتش [دوزخ] دورمان می‌کند.

امامت حضرت مهدی (عج)

خاندان پیامبر است که آخرین حلقه زنجیره نور است؛
در دنیایی که پرده‌های تو در توی ظلمت، آن را
پوشانیده‌اند.

انسانی که گرفتار ظلمت شده، جز توجه به کانون نور
الهی، چه راهی پیش رو دارد؟ رهروی که در میان همه
ظلمت‌ها راه به جایی نمی‌برد، اگر به تنها نقطه نور، دیده
ندوزد، کفران نعمت الهی را چگونه پاسخ می‌گوید؟
طوفان حوادث گوناگون، ما را فرا گرفته و در این میان،
تنها راه نجات، پیوستن به کشتی نجات امت است. این
نخوان احسان الهی است؛ هر که می‌خواهد پیش آید، وگرنه
هلاکت را برگزیند.



در روایت دیگری نیز امام سجّاد (ع) در چند بند ضرورت
وجود و برکات ناشی از وجود امام (ع) را به زیبایی بیان
می‌دارند و می‌فرمایند:

«الصّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنِ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنِ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ
الْحُسَيْنِ (ع) قَالَ: «نَحْنُ أَيْمَةُ الْمُسْلِمِينَ، وَحُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ،
وَ سَادَةُ الْمُؤْمِنِينَ، وَقَادَةُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَمَوَالِي الْمُؤْمِنِينَ، وَنَحْنُ
أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ، وَنَحْنُ الَّذِينَ
بِنَا يُمْسِكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَبِنَا يُمْسِكُ

الأرض أن تميد بأهلها و بنا يُنزل الغيث و ينشر الرحمة، و يخرج
 بركات الأرض، و لو لا ما في الأرض منا لساخت بأهلها، ثم
 قال: و لم تخل الأرض منذ خلق الله آدم من حجة الله فيها ظاهر
 مشهور أو غائب مستور، و لا تخلو إلى أن تقوم الساعة من حجة
 الله فيها، و لو لا ذلك لم يعبد الله. قال سليمان: فقلت للصادق (ع):
 فكيف ينتفع الناس بالحجة الغائب المستور؟ قال: كما ينتفعون
 بالشمس إذا سترها السحاب؛

امام صادق از امام باقر و او از امام سجاد (ع) چنین
 روایت کند که فرمود: ما ائمة مسلمانان و حجّت های
 خداوند بر جهانیان و سرور مؤمنان و رهبر سپید جبینان
 و مولای اهل ایمانیم. ما امان اهل زمینیم، همچنان که
 ستارگان امان اهل آسمانند. ما کسانی هستیم که خداوند
 به واسطه ما آسمان را نگاه داشته تا بر زمین نیفتد مگر
 به اذن او و به خاطر ما زمین را نگاه داشته که اهلش را
 نلرزاند، به سبب ما باران را فرو فرستد و رحمت را منتشر
 کند و بركات زمین را خارج سازد و اگر نبود که ما بر
 روی زمینیم، زمین اهلش را فرو می برد، سپس فرمود: از
 روزی که خداوند آدم را آفرید، زمین خالی از حجّت

۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص

امامت حضرت مهدی (عج)

نیست که ظاهر و مشهور است یا غایب و نهان و تا روز
قیامت از حجت خدا خالی نخواهد بود و اگر چنین نبود
خداوند پرستیده نمی شد، سلیمان راوی حدیث گوید: به
امام صادق (ع) گفتم: مردم چگونه از حجت غایب نهان
منتفع می شوند؟ فرمود: همچنان که از خورشید پشت ابر
منتفع می شوند.»

امام باقر (ع) فرمودند:

«لَوْ أَنَّ إِمَامًا رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً لَمَاجَتِ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمُوجُ
الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ؛^۱

اگر امام را ساعتی از زمین بردارند، زمین و
ساکنانش مضطرب شوند همچنان که دریا و اهلیش
مضطرب شوند.»

«أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ، عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَتَبْقَى الْأَرْضُ
بِغَيْرِ إِمَامٍ؟ قَالَ: «لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ سَاعَةً لَسَاخَتْ؛^۲
ابو حمزه ثمالی گوید: به امام صادق (ع) گفتم: آیا زمین
بدون امام باقی می ماند؟ فرمود: اگر زمین ساعتی بدون

۱. همان، ج ۱، ص ۲۸۵

۲. همان، ج ۱، ص ۲۸۴

امام باشد فرو خواهد رفت.»

«زُرَّارَةَ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): يَمْضَى الْإِمَامُ وَلَيْسَ لَهُ عَقِبٌ؟
قَالَ: لَا يَكُونُ ذَلِكَ، قُلْتُ: فَيَكُونُ مَاذَا؟ قَالَ: لَا يَكُونُ ذَلِكَ إِلَّا أَنْ
يَغْضِبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى خَلْقِهِ فَيُعَا لِحُجْمٍ»^۱

زراره گوید: به امام صادق (ع) گفتم: آیا ممکن است
امامی در گذرد و امامی پس از وی نباشد؟ فرمود: چنین
چیزی امکان ندارد، گفتم: پس چگونه است؟ فرمود:
چنین چیزی امکان ندارد مگر آنکه خداوند بر آفریدگانش
غضب کرده و برای آنها چاره‌ای بیندیشد.»

از این روایت می‌توان به خوبی فهمید که امام (ع)
همان رحمت پروردگار بر بندگان است. اگر روزی او
در میان بندگان نباشد، باید دانست که خداوند بر بندگان
غضب کرده است.

«أَبِي بَصِيرٍ، عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ أَجَلٌ وَ أَعْظَمُ مِنْ أَنْ
يَتْرُكَ الْأَرْضَ بِغَيْرِ إِمَامٍ عَدْلٍ»^۲

ابوبصیر از امام صادق (ع) روایت کند که فرمود: خداوند

۱. همان، ج ۱، ص ۳۸۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۳۵.

امامت حضرت مهدی (عج)

جلیل تر و بزرگ تر از آن است که زمین را بدون امام
عادلی وا گذارد».

«أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنْ سَأَلِمَ بَيْنَ
أَبِي حَفْصَةَ يَلْقَانِي وَ يَقُولُ لِي: أَلَسْتُمْ تَرَوُونَ أَنَّ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ
لَهُ إِمَامٌ فَمَوْتُهُ مَوْتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ؟ فَأَقُولُ لَهُ: بَلَى، فَيَقُولُ لِي: قَدْ أُنْعَمْتُ
أَلِ مُحَمَّدٍ، فَيَقُولُ لِي: مَا أَرَاكَ صَنَعْتَ شَيْئًا، فَقَالَ (ع): وَيْحَ سَأَلِمَ
بَيْنَ أَبِي حَفْصَةَ - لَعْنَةُ اللَّهِ - وَ هَلْ يَدْرِي سَأَلِمَ مَا مَنَزَلَةَ الْإِمَامِ، إِنْ
مَنَزَلَةَ الْإِمَامِ أَعْظَمُ مِمَّا يَذْهَبُ إِلَيْهِ سَأَلِمَ وَ النَّاسُ أَجْمَعُونَ، وَ إِنَّهُ
لَنْ يَهْلِكَ مِنَّا إِمَامٌ قَطُّ إِلَّا تَرَكَ مِنْ بَعْدِهِ مَنْ يَعْلَمُ مِثْلَ عِلْمِهِ، وَ يَسِيرُ
مِثْلَ سِيرَتِهِ، وَ يَدْعُو إِلَى مِثْلِ الَّذِي دَعَا إِلَيْهِ، وَ إِنَّهُ لَمْ يَمْنَعْ اللَّهُ عَزَّ
وَ جَلَّ مَا أَعْطَى دَاوُدَ أَنْ أَعْطَى سَلِيمَانَ أَفْضَلَ مِنْهُ!»

ابوعبیده گوید به امام صادق (ع) گفتم: فدای شما شوم!
سالم بن ابی حفصه مرا دید و گفت: «آیا شما روایت
نمی کنید که، کسی که بمیرد و امامی نداشته باشد مرگش
مرگ جاهلیت است؟» گفتم: آری، گفت: «ابوجعفر محمد
باقر در گذشت، امروزه امام شما کیست؟» فدای شما شوم!
نخواستیم به او بگوییم: امام زمان ما جعفر است، گفتم:
امامان ما آل محمدند، گفت: «جواب درستی ندادی».

۱. همان، ج ۱، صص ۴۳۶ - ۴۳۵.

امام صادق (ع) فرمود: «وای بر سالم بن ابی حفصہ - لعنة الله - آیا سالم می داند منزلت امام چیست؟ منزلت امام از آنچه سالم و مردم پنداشته اند بزرگتر است، هرگز امامی از ما نمی میرد جز آنکه کسی را که چون او بداند بر جای گذارد، کسی را که به روش او حرکت کند و به هر آنچه او فرا خوانده فرا خواند و آنچه که خداوند به داود داده است مانع خدای تعالی نمی شود که بهتر از آن را به سلیمان عطا فرماید».

«ابن ابی یعفور قال: قال أبو عبد الله (ع): لا تبقى الأرض يوماً واحداً بغير إمامٍ منا تفرع إليه الأمة؛^۱
ابن ابی یعفور از امام صادق (ع) روایت کند که فرمود:
زمین حتی یک روز بی امامی از ما که مردم بدو پناه برند باقی نمی ماند».

«خداش البصری، عن أبي عبد الله (ع) قال: سأله رجل فقال: تخلو الأرض ساعة لا يكون فيها إمام؟ قال: «لا تخلو الأرض من الحق»^۲

۱. همان، ج ۱، ص ۲۳۶.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۴۱.

امامت حضرت مهدی (عج)

خداش بصری گوید: شخصی از امام صادق (ع) پرسش کرد که آیا زمین ساعتی از امام خالی می ماند؟ فرمود: زمین خالی از حق نمی ماند.

«مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ، عَنِ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا (ع) قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَتَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ؟ فَقَالَ: لَا، قُلْتُ: فَأَنَا نُرَوَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهَا لَا تَبْقَى بِغَيْرِ إِمَامٍ إِلَّا أَنْ يَسْخَطَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ أَوْ عَلَى الْعِبَادِ، فَقَالَ: لَا تَبْقَى؛ إِذَا لَسَاخَتْ؛»

محمد بن فضل گوید: به امام رضا (ع) گفتم: آیا زمین بدون امام باقی خواهد ماند؟ فرمود: «خیر». گفتم: از امام صادق (ع) به ما روایتی رسیده که زمین بدون امام باقی نخواهد ماند جز آنکه خداوند بر اهل زمین یا بر بندگانش خشم گیرد، فرمود: اگر بدون امام باقی بماند فرو خواهد رفت.

در تأیید و تأکید روایت پیش روایتی به مضمون زیر از امام رضا (ع) نقل شده است که:

«حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عُمَرَ الْحَلَّالِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا (ع): إِنَّا زُوِّينَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ قَالَ: «إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَبْقَى بِغَيْرِ إِمَامٍ أَوْ

تَبْقَى وَلَا إِمَامَ فِيهَا؟ فَقَالَ: مَعَاذَ اللَّهِ! لَا تَبْقَى سَاعَةً إِذَا لَسَاخَتْ»^۱
احمد بن عمر گوید: به امام رضا(ع) گفتم: از امام
صادق(ع) به ما روایت رسیده است که زمین بدون امام
باقی نمی ماند. آیا بدون امام باقی می ماند؟ فرمود: معاذالله!
ساعتی هم باقی نخواهد ماند، اگر بدون امام باشد فرو
خواهد رفت».

در جای دیگری باز هم از امام رضا(ع) نقل شده است که:
«صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى قَالَ: سَمِعْتُ الرَّضَا(ع) يَقُولُ: إِنَّ الْأَرْضَ لَا
تَخْلُو مِنْ أَنْ يَكُونَ فِيهَا إِمَامٌ مِنَّا»^۲
صفوان بن یحیی گوید: از امام رضا(ع) شنیدم که
می فرمود: زمین خالی از آن نیست که امامی از ما در
آن باشد».

در دو روایت دیگر امام باقر(ع) نیز بر امامان و حجت
بودن امام(ع) تأکید می نمایند. ایشان فرمودند:
«لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا! وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ
تَعَالَى جَعَلْنَا حُجَّةً فِي أَرْضِهِ وَأَمَانًا فِي الْأَرْضِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ»

۱. همان، ج ۱، ص ۳۸۵.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۲۴.

امامت حضرت مهدی (عج)

اگر زمین خالی از امام بماند، ساکنانش را در کام خود
فرو می برد. خدای تبارک و تعالی ما را حجّت خود در
روی زمین قرار داده و ما را وسیله امان برای مردم روی
زمین گردانیده است»^۱.

«لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ قَائِمًا إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ مِنْ قُرَيْشٍ. فَإِذَا مَضَوْا
سَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا؛

تا دوازده تن از قریش هستند، این دین پابرجاست،
هنگامی که زمین از آنها خالی شود، زمین ساکنان خود
را در کامش فرو می برد»^۲.

۱. الزام الناصب، صص ۴ و ۲۵۴.

۲. همان، ص ۷۸.

بخش سوم

امامان دوازده گانه

در بخش سوم می‌پردازیم به بحث درباره تعداد ائمه (ع) و اثبات اینکه امام مهدی (ع) آخرین این سلسله جلیل القدر و انتخاب شده پروردگار عظیم الشان هستند.

در بررسی روایت‌های دلالت‌کننده بر ائمه دوازده‌گانه، نکته‌ای که یقیناً توجه خواننده محترم ما را به خود جلب خواهد کرد، این است که اکثریت این روایت‌ها از قول حضرت ختمی مرتبت (ص) نقل شده‌اند. همین امر گویا و اثبات‌کننده این مسئله است که: سلسله امامتی که پیش از خلقت آدم (ع) تعیین شده توسط ایشان اعلام می‌گردد تا حجت بر مسلمانان تمام شود، وصایت حضرت امیرمؤمنان (ع) چیزی نبوده است که پس از رحلت نبی اکرم (ص) منقول مانده باشد. او و فرزندان بزرگوارش نور واحد امامت و وصایت نبی اکرم (ص) بوده‌اند که تا ظهور آخرینشان نیز ادامه خواهد داشت. امید که نام همه ما در زمره شیعیان ایشان ثبت گردد. ان شاء الله.

از آنجا که روایت‌های گرانقدر، نقل شده در این باره بسیار گویا و روان بیان شده‌اند و نیازی به توضیحات اضافی ندارند. از همین رو آنان را به ترتیب پیش روی شما خواننده عزیز قرار می‌دهیم.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الْأَئِمَّةُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ، أَوْلَهُمْ أَنْتَ يَا عَلِيُّ وَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرُهُ عَلَيَّ يَدِيهِ مَشَارِقُ الْأَرْضِ وَمَغَارِبُهَا!»

ائمه بعد از من ۱۲ نفر هستند و تو ای علی، اولین آنان هستی و قائم آخرین آنهاست. آن قائم که خدای تعالی شرق و غرب جهان را به دست او فتح خواهد کرد.»

«عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): يَا ابْنَ سَمُرَةَ إِنَّ عَلِيًّا مِنِّي، رُوحُهُ مِن رُوحِي، وَ طِينَتُهُ مِن طِينَتِي، وَ هُوَ أَخِي وَ أَنَا أَخُوهُ، وَ هُوَ زَوْجُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوْلِينَ وَ الْآخِرِينَ، وَ إِنَّ مِنْهُ إِمَامِي أُمَّتِي وَ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ، وَ تِسْعَةَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تَاسِعُهُمْ قَائِمُ أُمَّتِي، يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتَ جَوْرًا وَ ظُلْمًا!»

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۸.

۲. صدوق، محمد، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، صص ۴۸۲-۴۸۳.

امامت حضرت مهدی (عج)

عبدالرحمن بن سمره گوید: رسول خدا (ص) فرمود: ای پسر سمره! علی از من است و روح او از روح من و طینت او از طینت من است و او برادر من است و من برادر اویم و او شوهر دخترم فاطمه سیده بانوان عالم از اولین و آخرین است و دو امام امّت و دو سید جوانان بهشت حسن و حسین و نه تن از ائمه از فرزندان حسین هستند و نهمین آنها قائم امت من است که زمین را پر از عدل و داد نماید، همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد».

«جعفر بن محمد الصادق، عن أبيه، عن جده (ع) قال: «قال رسول الله (ص): الأئمة بعدى اثنا عشر أولهم علي بن أبي طالب و آخرهم القائم، هم خلفائي و أوصيائي و أوليائي، و حجج الله على امتي بعدى، المقرّ بهم مؤمن، و المنكر لهم كافر»»

امام صادق (ع) از پدرانش از رسول خدا (ص) روایت کند که فرمود: پس از من دوازده امامند که اول آنها علی بن ابی طالب و آخر ایشان قائم است. آنان جانشینان و اوصیاء و اولیای من و حجّت‌های الهی بر امتم پس از من هستند. کسی که مقرّ به ایشان باشد، مؤمن است و کسی

۱. همان، ج ۱، ص ۴۸۷.

که منکر ایشان باشد، کافر است».

«علی بن موسی الرضا، عن أبیه، عن آياته (ع) قال: «قال رسول الله (ص): مَنْ فارق علياً بعدى لم يرني ولم أراه يوم القيامة، ومن خالف علياً حرم الله عليه الجنة، وجعل مأواه النار [و] بثس المصير، ومن خذل علياً خذله الله يوم يعرض عليه، ومن نصر علياً نصره الله يوم يلقاه، ولقنه حجته عند المسألة، ثم قال (ع): الحسن والحسين إماما أمتي بعد أبيهما، وسيدا شباب أهل الجنة، وأمهما سيده نساء العالمين، وأبوهما سيد الوصيين، ومن ولد الحسين تسعة أئمة، تاسعهم القائم من وُلدي، طاعتهم طاعتي ومغصبتهم مغصبتی، إلى الله أشكو المنكرين لفضلهم، والمضيعين لحرمتهم بعدی، وكفى بالله ولياً وناصراً لِعترتي و أئمة أمتي، ومنتقماً من الجاحدين لحقهم، وسيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون!»

امام رضا (ع) از پدران بزرگوارشان از رسول خدا (ص) روایت کند که فرمودند: هر که پس از من با علی مفارقت کند، مرا نخواهد دید و من نیز روز قیامت او را نخواهم دید. هر که با علی مخالفت کند خداوند بهشت را بر او حرام کرده و جایگاه او را آتش قرار داده است و آن بد

امامت حضرت مهدی (عج)

جایگاهی است. کسی که علی را فرو گزارد، خداوند او را در روزی که بر وی درآید فرو خواهد گذاشت. هر که علی را نصرت کند خداوند او را در روز قیامت نصرت نماید و حجّتش را هنگام بازخواست تلقین وی فرماید. سپس فرمود: حسین و حسین دو امام امت من پس از پدرشان و سید جوانان اهل بهشت هستند و مادرشان سرور زنان عالم و پدرشان سرور اوصیاء هستند و از فرزندان حسین نه تن امامند که نهمین آنها قائم از فرزندان من است؛ طاعت آنان طاعت من و معصیت ایشان معصیت من است. من از منکران فضل و ضایع کنندگان حرمت او به خدا شکایت می‌کنم و خداوند بهترین ولی و ناصر برای عترتم و ائمه امتم است و بهترین منتقم از منکران ایشان است و سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ».

«سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ (ره) قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ (ص) فَإِذَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَى فَخِذِهِ، وَهُوَ يَقْبَلُ عَيْنَيْهِ وَيَلْتَمُ فَاهُ وَيَقُولُ: أَنْتَ سَيِّدُ ابْنِ سَيِّدٍ أَنْتَ إِمَامٌ ابْنُ إِمَامٍ، [أَخُو إِمَامٍ] أَبُو أُمَّةٍ، أَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ بِنِ حُجَّتِهِ وَ أَبُو حُجَجٍ تِسْعَةٍ مِنْ صُلْبِكَ، تَأْسِعُهُمْ قَاتِمُهُمْ!»

سَلْمَانَ فَارِسِيَّ گويد: بر پيامبر اکرم (ص) وارد شدم

و حسین بن علی بر دامنش بود و او دو چشمش را
می بوسید و دهانش را می مکید و می فرمود: تو سروری و
پسر سرور! تو امامی و فرزند امام! تو برادر امامی و پدر
امامان! تو حجت الهی و پدر حجت های نه گانه ای که از
صلب توست و نهمین آنها قائم ایشان است».

«أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي، عَنِ أَبِيهِ، عَنِ آبَائِهِ (ع): إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ
اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: «آمِنُوا بِبَلِيَّةِ
الْقَدْرِ إِنَّهَا تَكُونُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَوَلَدِهِ الْأَخْدَعِ عَشْرَ مِنْ بَعْدِهِ»^۱
امام جواد (ع) از پدرش از پدران بزرگوارشان از
امیرالمؤمنین (ع) روایت کند که گفت: از رسول خدا (ص)
شنیدم که به اصحابشان می فرمود: «به شب قدر ایمان
بیاورید که آن شب برای علی بن ابی طالب و فرزندان
یازده گانه پس از اوست».

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«مِنْ وُلْدِي اثْنَا عَشَرَ نَقِيْبًا: نُجَبَاءُ مُحَدِّثُونَ مُفَهِّمُونَ، آخِرُهُمُ الْقَائِمُ
بِالْحَقِّ»^۲

۱. همان، ج ۱، ص ۵۲۵.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۵۲۴.

امامت حضرت مهدی (عج)

دوازده نقیب از اولاد من، همه شان نجیب، محدث و آموزش یافته و صاحب فهم هستند، که آخر شان قائم بالحق است».

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«الْأئِمَّةُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ، تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ وَالتَّاسِعُ قَائِمُهُمْ، وَهُمْ أَهْلُ بَيْتِي وَ عِترَتِي مِنْ لَحْمِي وَ دَمِي»^۱

امامان بعد از من دوازده نفرند که نه نفر شان از صلب حسین است و نهمی آنها قائم آنهاست. آنها اهل بیت و عترت من هستند. گوشت آنها گوشت من و خون آنها خون من است».

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«نَحْنُ سَبْعَةٌ مِنْ وُلْدِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ سَادَةُ الْجَنَّةِ، أَنَا وَ حَمْزَةُ، وَ عَلِيُّ، وَ جَعْفَرُ، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ، وَ الْمَهْدِيُّ»^۲

ما هفت نفر از اولاد عبدالمطلب سروران اهل بهشت هستیم: من، حمزه، علی، جعفر، حسن، حسین و مهدی».

۱. المهدی، ص ۱۰۴.

۲. البیان، ص ۶۶.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«إِنَّ لِدَلِكَ الْأَمْرِ وِلَاةً مِّنْ بَعْدِي: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ أَحَدَ عَشَرَ
مِنْ وُلْدِهِ»^۱

برای این امر (زعامت مسلمانان) بعد از من فرمانروایان
است، که علی بن ابی طالب و یازده تن از فرزندان
او هستند».

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«الْمُقَرَّبِينَ مُؤْمِنًا، وَ الْمُنْكَرُ لَهُمْ كَافِرًا»^۲

معتبرفان به حق آنها (دوازده امام) مؤمن و منکران حق
آنها کافرند».

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«الْأَيْمَةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ بَعْدَدِ نَقْبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ، وَ بَعْدَدِ الْأَسْبَاطِ،
وَ بَعْدَدِ حَوَارِيِّ عِيسَى. مَنْ خَالَفَهُمْ فَقَدْ خَالَفَنِي، وَ مَنْ رَدَّهُمْ وَ
أَنْكَرَهُمْ فَقَدْ رَدَّنِي، وَ مَنْ أَحَبَّهُمْ وَ اقْتَدَى بِهِمْ فَازَوْتَجَا، وَ مَنْ
تَخَلَّفَ عَنْهُمْ ضَلَّ وَ هَوَى. فَطُوبَى أَحَبَّهُمْ، وَ الْوَيْلُ لِمَنْ أَبْغَضَهُمْ»^۳

۱. ارشاد مفید، ص ۳۲۸.

۲. کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۹۷.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۸.

امامت حضرت مهدی (عج)

امامان بعد از من، به تعداد نقبای بنی اسرائیل و اسباط و خواریون حضرت عیسی (ع)، دوازده نفرند. هر کس با آنها مخالفت کند با من مخالفت ورزیده و هر کس آنها را رد کند، مرا رد کرده است. هر کس آنها را دوست بدارد و از آنها پیروی کند، نجات یافته و رستگار شده و هر کس از آنها تخلف کند، گمراه شده و سقوط کرده است. خوشا به حال کسانی که آنها را دوست بدارند و وای به حال کسانی که آنها را دشمن بدارند.»

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«إِنَّا عَشْرٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، أَعْطَاهُمْ اللَّهُ فَهْمِي وَ عِلْمِي وَ حِكْمَتِي، وَ خَلَقَهُمْ مِنْ طِينَتِي. فَوَيْلٌ لِلْمُتَكَبِّرِينَ عَلَيْهِمْ بَعْدِي، الْقَاطِعِينَ فِيهِمْ صِلَتِي! مَا لَهُمْ؟! لَا أَنَا لَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِي! هُوَ لَاءَهُمْ خُلَفَائِي وَ أَوْصِيَائِي، وَ أَوْلَادِي وَ عِتْرَتِي. مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَنِي، وَ مَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَانِي، وَ مَنْ أَنْكَرَهُمْ أَوْ أَنْكَرَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ أَنْكَرَنِي. بِهِمْ يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَ بِهِمْ يَحْفَظُ اللَّهُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا!»

دوازده تن از اهل بیت من، خداوند علم و فهم و حکمت مرا به آنها عطا فرموده است و آنها را از خاک و گل من

آفریده است. وای به حال کسانی که بعد از من بر آنها فخر فروشند و در برابرشان تکبر نمایند و صله رحم مرا در حق آنها قطع نمایند. آنها را چه رسد؟! خداوند آنها را از شفاعت من محروم سازد. اینها خلفا و اوصیای من، اولاد و عترت من هستند. هر کس از آنها اطاعت کند، از من اطاعت کرده و هر کس آنها را انکار کند یا یکی از آنها را انکار نماید مرا انکار کرده است. خداوند به وسیله آنها، آسمان را برافراشته نگاه می‌دارد که جز به اذن او فرو نریزد و به وسیله آنها زمین را نگه می‌دارد که ساکنان خود را در کام خود فرو نبرد».

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ رَكَّبَ فِي صُلْبِ الْحَسَنِ (أَيِ الْعَسْكَرِيِّ) نُطْفَةَ مُبَارَكَةٍ زَكِيَّةٍ طَيِّبَةٍ طَاهِرَةٍ مُطَهَّرَةٍ، يَرْضَى بِهَا كُلُّ مُؤْمِنٍ أَخَذَ اللَّهَ مِيثَاقَهُ بِالْوِلَايَةِ، وَ يَكْفُرُ بِهَا كُلُّ جَاحِدٍ. فَهُوَ إِمَامٌ تَقِيٌّ تَقِيٌّ هَادٍ مَهْدِيٌّ. أَوَّلُ الْعَدْلِ وَ آخِرُهُ، يُصَدِّقُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَ يُصَدِّقُهُ اللَّهُ فِي قَوْلِهِ، يَكُونُ مَعَهُ صَحِيفَةٌ مَخْتُومَةٌ فِيهَا عَدَدُ أَصْحَابِهِ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَنْسَابِهِمْ وَ بُلْدَانِهِمْ وَ صَنَائِعِهِمْ وَ كَلَامِهِمْ وَ كُنَاهُمْ؛

خداوند تبارک و تعالی در صلب حسن (عسکری) نطفه‌ای

امامت حضرت مهدی (عج)

مبارک، میمون، پاک و پاکیزه تعبیه نمود که هر مؤمنی که خداوند از او پیمان ولایت گرفته، از او خوشنود می شود و هر منکری به او کفر می ورزد. او پیشوای پارسا، پاکیزه، هادی و مهدی است، آغاز و انجامش عدالت است. او خدا را تصدیق می کند و خدا او را در کلام خود تصدیق می نماید، همراه او صحیفه مهر شده ای هست که شماره و ویژگی های یارانش با اسم، نسب، شهر، شغل، زبان و القاب در آن منعکس است».

جابر می گویند:

«قَالَ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: وَأَعْطَيْتُكَ - يَا مُحَمَّدٌ - مَنْ أُخْرِجَ مِنْ صُلْبِهِ (يعني علياً) أَحَدَ عَشَرَ مَهْدِيًّا كُلَّهُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ، مِنْ الْبِكْرِ الْبَتُولِ. آخِرُ رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْجَى بِهِ مِنَ الْهَلَكَةِ، وَأَهْدَى بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ، وَأَبْرَأُ بِهِ مِنَ الْعَمَى، وَأَشْفَى بِهِ الْمَرِيضَ، وَلَأُطَهِّرَنَّ الْأَرْضَ بِآخِرِهِمْ مِنْ أَعْدَائِي، وَلَأَمْلِكَنَّ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا، وَلَأَسْخُرَنَّ لَهُ الرِّيَّاحَ، وَلَأَرْكُضَنَّ لَهُ السَّحَابَ، وَلَأَرْقِيَنَّهُ فِي الْأَسْبَابِ، وَلَأَنْصُرَنَّهُ بِجُنْدِي، وَلَأَمِدَّنَّهُ بِمَلَائِكَتِي، حَتَّى يُعْلِنَ دَعْوَتِي، وَيَجْمَعَ الْخَلْقَ عَلَيَّ تَوْحِيدِي؛

خدای تبارک و تعالی فرمود: ای محمد! به تو عطا

۱. بخارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۷.

کردم کسی را (علی) که یازده راهنما از نسل او خارج
خواهم کرد که همگی از نسل تو، از زهرای بتول است.
آخرین آنها مردی است که به دست او از هلاکت نجات
می‌بخشیم و به وسیله او از گمراهی هدایت می‌نمایم
و به دست او کور را بینا و بیمار را شفا می‌دهم و
زمین را به وسیله او از دشمنانم پاک می‌سازم. شرق
و غرب جهان را به تملک او و بادهای او را به تسخیر او
درآورده و ابرها را زیر پای او قرار می‌دهم. برترین
ابزارها را در اختیار او گذاشته، با سپاه خود او را یاری
نموده، با فرشتگانم او را تأیید می‌نمایم. تا دعوت
مرا آشکار سازد و همه مخلوقات را بر توحید من
گرد آورد.»

و یازدهم جابر می‌گوید:

«دَخَلْتُ عَلَيَّ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبَيْنَ
يَدَيْهَا الْوَاحِ فِيهَا أَسْمَاءٌ مِنْ وُلْدِهَا. فَعَدَدْتُ أَحَدَ عَشَرَ اسْمًا، آخِرُهُمْ
الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛^۱

محضر فاطمه (س)، دختری پیامبر (ص)، شرفیاب شدم، در
برابر او الواحی بود که در آن اسمی فرزندانش بود، آنها

۱. الامام المهدي، ص ۲۳۳.

امامت حضرت مهدی (عج)

را شمردم، یازده تن بودند که آخرین آنها قائم (ع) بود.»

یک روز رسول اکرم (ص) با علمی که از پیشگاه حضرت
احدیث به او داده شده، اوضاع مردمان را در نسل‌های
مختلف مورد توجه قرار می‌دادند، آنگاه آهی از اعماق دل
کشیدند و فرمودند:

«إِلَى اللَّهِ أَشْكُو الْمُكْذِبِينَ لِي فِي أَمْرِهِ، وَ الْجَاهِدِينَ لِقَوْلِي فِي
شَأْنِهِ، وَ الْمُضِلِّينَ لِأُمَّتِي عَنْ طَرِيقِهِ! يُبَايِعُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ
وَ يَفْتَحُ فُتُوحاً فَلَا يَبْقَى عَلَيَّ وَجْهٌ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ يَقُولُ:
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ!»

به خدا شکایت می‌کنم از کسانی که مرا در موضوع او
[حضرت مهدی (عج)] تکذیب کنند و گفتار مرا در حق
او انکار نمایند و امت مرا از راه او منحرف سازند. [در
کنار خانه خدا] در میان رکن و مقام با او بیعت می‌شود
و فتوحات فراوانی به دست او انجام می‌یابد، که در روی
زمین کسی نمی‌ماند جز اینکه به یکتایی خدا اعتراف
کرده، لا اله الا الله بگوید.»

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا. تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ. أَمَنَاءُ مَعْصُومُونَ.
وَمِنَّا مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةِ. إِنَّ أَهْلَ بَيْتِي وَعِترَتِي مِنْ لَحْمِي وَدَمِي.
مَا بَالُ قَوْمٍ يُؤذُونَنِي فِيهِمْ؟ لَا أَنَالَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِي!»^۱

بعد از من دوازده امام هست که نه تن از آنها از صلب حسین است، که همگی امین و معصوم هستند. مهدی این امت نیز از ماست. آگاه باشید که اهل بیت و عترت من از گوشت و خون من هستند. از من چه می خواهند آنها که مرا در حق عترتم آزار می کنند؟! خدا آنها را از شفاعت من محروم بسازد».

امیر مؤمنان (ع) فرمودند:

«هُوَ فِي الدُّرُورِ مِنْ قُرَيْشٍ. وَالشَّرَفِ مِنْ هَاشِمٍ، وَالبَقِيَّةِ مِنْ
إِبْرَاهِيمَ»^۲

او والاترین قریش و گرامی ترین بنی هاشم و تنها بازمانده ابراهیم خلیل است».

«الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ قَالَ: «خَرَجَ عَلَيْنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي

۱. صحیح بخاری، ج ۹، ص ۶۲.

۲. منتخب الاثر، ص ۲۹۲.

امامت حضرت مهدی (عج)

طَالِبِ (ع) ذَاتِ يَوْمٍ وَ يَدُهُ فِي يَدِ ابْنِهِ الْحَسَنِ (ع) وَ هُوَ يَقُولُ: ...
وَ بِهِمْ نَزَلَ الْقَطْرُ مِنَ السَّمَاءِ، وَ بِهِمْ يُخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ، هَوْلَاءِ
أَصْفِيَائِي وَ خُلَفَائِي وَ أئِمَّةُ الْمُسْلِمِينَ وَ مَوَالِي الْمُؤْمِنِينَ؛^۱

اصبغ بن نباته گوید: روزی علی (ع) دست حسین (ع) را گرفته بود و بر ما وارد شد و می گفت: روزی رسول خدا (ص) دست مرا بدین گونه گرفته بود و بر جمعیت ما درآمد و می گفت: بهترین خلائق و سرور ایشان پس از من این برادرم است و او امام هر مسلمانی و مولای هر مؤمن پس از وفات من است، من می گویم: بهترین خلائق و سرور ایشان پس از من این فرزندم است و او امام و مولای هر مؤمن پس از وفات من است، بدانید که به او ستم می شود همچنان که پس از رسول خدا (ص) به من ستم شد و پس از فرزندم حسن، بهترین خلائق و سرور ایشان برادرش حسین مظلوم است که در سرزمین کربلا کشته می شود، بدانید که او و اصحابش از سروران شهداء در روز قیامت هستند و پس از حسین نه تن از صلب او خلفای خدا در زمین و حجت های او بر بندگانش و امنای او بر وحیش هستند که امامت مسلمین و رهبری مؤمنین

۱. صندوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، صص

و سروری متّین با ایشان است و نهمین آنان قائم است که خدای تعالی به واسطه او زمین را نورانی می‌کند پس از آنکه از ظلمت آکنده باشد و قسم به خدایی که برادرم محمد را به نبوت برانگیخت و مرا به امامت اختصاص داد این مطلب وحی آسمانی است که بر زبان جبرئیل روح الامین جاری شده است و من نزد رسول خدا (ص) بودم که از آن حضرت از امامان پس از او پرسش شد و به سؤال کننده فرمودند: سوگند به آسمانی که صاحب بروج است عدد ائمه به تعداد بروج است و قسم به پروردگار شب‌ها و روزها و ماه‌ها که عدد ائمه به تعداد ماه‌هاست. سؤال کننده گفت: ای رسول خدا! آنان چه کسانی هستند؟ رسول خدا (ص) دستشان را بر سرم نهادند و فرمودند: اولین آنها این است و آخرین ایشان مهدی است هر که آنان را به ولایت برگزیند مرا ولی ساخته است و هر که آنان را دشمن بدارد مرا دشمن داشته است و هر که ایشان را دوست بدارد مرا دوست داشته است و هر که کینه ایشان را داشته باشد کینه مرا به دل گرفته است و هر که آنان را انکار کند مرا انکار کرده است و هر که آنان را بشناسد مرا شناخته است، به واسطه ایشان است که خدای تعالی دینش را حفظ کرده

امامت حضرت مهدی (عج)

و بلادش را آباد نموده و بندگانش را روزی می دهد و
به سبب ایشان است که باران از آسمان فرو می بارد و
برکات زمین را بیرون می آورد، آنان برگزیدگان و خلفای
من و ائمه مسلمانان و موالی مؤمنانند».

امام باقر (ع) فرمودند:

«مِنَّا إِثْنَا عَشَرَ مُحَدَّثًا، السَّابِعُ مِنْ وُلْدِي الْقَائِمُ؛^۱

دوازده تن محدث از ماست که هفتمین فرزند من همان
قائم است».

و باز هم امام باقر (ع) فرمودند:

«يَكُونُ تِسْعَةَ أَتْعَةٍ بَعْدَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ؛^۲

بعد از حسین بن علی (ع) نه امام خواهد بود که نهمی
آنها قائم آنهاست».

امام صادق (ع) فرمودند:

«الْخَلْفُ الصَّالِحُ مِنْ وُلْدِي هُوَ الْمَهْدِيُّ؛^۳

۱. کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۹۷.

۲. غیبت نعمانی، حصص ۷ و ۴۶.

۳. منتخب الاثر، ص ۲۱۴.

خلف صالح از فرزندان من، همان مهدی است.»

در جای دیگر امام صادق (ع) فرمودند:

«مَنْ أَنْكَرَ وَاحِدًا مِنَ الْأَحْيَاءِ فَقَدْ أَنْكَرَ الْأَمْوَاتِ!»^۱

هر کس یکی از امام‌های زنده را انکار کند، امامان قبلی را نیز انکار نموده است.»

امام رضا (ع) فرمودند:

«الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي، ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ، يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ، وَ يُقَدِّسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ. وَ هُوَ الَّذِي يَشْكُ النَّاسُ فِي وِلَادَتِهِ، وَ هُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ. فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا، وَ وُضِعَ الْمِيزَانُ بِالْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا. وَ هُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ، وَ لَا يَكُونُ لَهُ ظِلٌّ!»^۲

چهارمین فرزند من، پسر بانوی کنیزان است، که خداوند به وسیله او روی زمین را از هر گونه ظلم و ستم پاک و پاکیزه گرداند. در مورد ولادت او دچار شک و تردید می‌شوند. او پیش از ظهور، از دیده‌ها غایب می‌شود و به هنگام ظهورش، جهان با نور پروردگارش می‌درخشد. او

۱. غیبت نعمانی، ص ۶۳.

۲. اعلام الوری، ص ۴۰۸.

امامت حضرت مهدی (عج)

میزان را به عدل در میان مردم قرار دهد. دیگر کسی در حق کسی ستم نمی کند. او کسی است که زمین برای او «طی» می شود و سایه اش بر زمین نیفتد.

و باز هم امام رضا (ع) فرمودند:

«الْإِمَامُ بَعْدِي مُحَمَّدٌ ابْنِي، وَبَعْدَهُ عَلِيُّ ابْنُهُ، وَبَعْدَ عَلِيٍّ ابْنُهُ الْحَسَنُ، وَبَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْقَائِمُ، الْمُنْتَظَرُ فِي غَيْبَتِهِ، الْمَطَاعُ فِي ظُهُورِهِ وَآمَّا مَتَى يَقُومُ فَاخْبَارًا بِالْوَقْتِ. لَا يُرَى جِسْمُهُ وَلَا يُسْمَى بِاسْمِهِ؛

امام بعد از من پسر محمد و بعد از او پسرش علی و بعد از او پسرش حسن و بعد از او پسرش «قائم» است که در زمان غیبتش در انتظار مقدم او می نشینند و به هنگام ظهورش از او فرمان می برند. اما اینکه چه وقت ظهور می کند؟ آن اخبار به وقت است (که جز خدا کسی آن را نمی داند). شخص او دیده نمی شود و نام او برده نمی شود.

«عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص):
الْإِمَامَةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْلَاهُمْ أَنْتَ يَا عَلِيُّ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي
يَفْتَحُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيَّ يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا؛

۱. الامام المهدی، صص ۹۲ - ۲۹۷.

۲. صدوق، محمد، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۵۲۷.

از علی (ع) روایت است که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: ائمه پس از من دوازده تن هستند که اول ایشان تویی ای علی! و آخر آنها قائمی است که خدای تعالی بر دست‌های او مشارق و مغارب زمین را فتح کند».

«جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ قَالَ: «دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ (س) وَ بَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ فِيهِ أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهَا، فَعَدَدْتُ اثْنَيْ عَشَرَ آخِرَهُمُ الْقَائِمُ، ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ، وَ أَرْبَعَةٌ مِنْهُمْ عَلِيٌّ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ!»

جابر بن عبدالله انصاری گوید: بر فاطمه زهرا (س)، وارد شدم و در مقابل او لوحی بود که اسماء اوصیای از فرزندانش در آن بود، آنها را بر شمردم، دوازده تن بودند و آخرین آنها قائم بود، سه تن از آنان محمد و چهار تن از ایشان علی نام داشتند، صلوات خداوند بر همگی آنان باشد».

«الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) قَالَ: «دَخَلْتُ أَنَا وَ أَخِي عَلِيٌّ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَأَجْلَسَنِي عَلِيٌّ فَخِذَهُ، وَ أَجْلَسَ أَخِي الْحَسَنَ عَلِيٌّ فَخِذَهُ الْآخَرِي، ثُمَّ قَبَّلَنَا وَ قَالَ: يَا أَيُّهَا مِنْ إِمَامَيْنِ صَالِحَيْنِ اخْتَارَكُمَا اللَّهُ مِنِّي، وَ مِنْ أَيْبِكُمَا وَ أَمُّكُمَا، وَ اخْتَارَ مِنْ صُلْبِكَ يَا

امامت حضرت مهدی (عج)

حَسْبُنْ تِسْعَةَ أَئِمَّةٍ تَسْبِعُهُمْ قَائِمُهُمْ وَكُلُّهُمْ فِي الْفَضْلِ وَالْمَنْزِلَةِ
عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى سَوَاءٌ؛^۱

از حسین بن علی (ع) روایت است که فرمود: من و برادرم
بر جدم رسول خدا (ص) وارد شدیم و آن حضرت مرا بر
یک زانو و برادرم را بر زانوی دیگرش نشانید، سپس ما
را بوسید و گفت: پدرم به قربان شما دو امام شایسته باد!
خدای تعالی شما را از وجود من و پدرتان اختیار کرد و
ای حسین! خداوند از صلب تو نه امام برگزید که نهمین
آنها قائم ایشان است و همه آنها در فضیلت و منزلت نزد
خدای تعالی برابرند».

«أَبِي بَصِيرٍ، عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»، قَالَ: «الْأئِمَّةُ
مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ»؛^۲

ابوبصیر از امام باقر (ع) در تفسیر این قول خدای تعالی «یا
ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم»
روایت کرده است که فرمود: اولی الامر امامان از فرزندان
علی و فاطمه (س) هستند تا آنکه قیامت برپا شود».

۱. همان، ج ۱، ص ۵۰۶.

۲. همان، ج ۱، صص ۴۲۱ - ۴۲۰.

«عَمْرُو بْنُ الْأَشْعَثِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: «أَتَرُونَ الْأَمْرَ إِلَيْنَا نَضَعُهُ حَيْثُ نَشَاءُ؟! كَلَّا وَ اللَّهُ إِنَّهُ لَعَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) إِلَى رَجُلٍ فَرَجُلٍ حَتَّى يَنْتَهَى إِلَى صَاحِبِهِ!»

عمرو بن اشعث گوید که از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: آیا می پندارید کار به دست ما است و آن را هر کجا که بخواهیم می نهیم؟ چنین نیست، به خدا سوگند که امر امامت عهدی از جانب رسول خدا (ص) است به شخصی و بعد از او به شخصی دیگر تا آنکه به صاحبش برسد».

«إِبْرَاهِيمَ الْكَرْخِيُّ قَالَ: «دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ (ع) وَإِنِّي لَجَالِسٌ عِنْدَهُ إِذْ دَخَلَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرِ (ع) وَهُوَ غُلَامٌ، فَقَمْتُ إِلَيْهِ فَقَبَّلْتُهُ وَجَلَسْتُ، ... جَالِسٌ فَقَالَ: يَا إِبْرَاهِيمُ هُوَ الْمَفْرُجُ لِلْكَرْبِ عَنِ شَيْعَتِهِ بَعْدَ ضَنْكِ شَدِيدٍ، وَ بَلَاءٍ طَوِيلٍ، وَ جَزَعٍ وَ خَوْفٍ، فَطُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ. حَسْبُكَ يَا إِبْرَاهِيمُ. قَالَ إِبْرَاهِيمُ: فَمَا رَجَعْتُ بِشَيْءٍ أَسْرًا مِنْ هَذَا لِقَلْبِي، وَ لَا أَقْرًا لِعَيْنِي!»

ابراهیم کرخی گوید: بر امام صادق (ع) وارد شدم و

۱. همان ج ۱، ص ۴۲۴.

۲. همان ج ۲، صص ۵-۶.

امامت حضرت مهدی (عج)

نزد او نشسته بودم که ابوالحسن موسی بن جعفر (ع) که نوجوانی بود درآمد و من برخاستم و او را بوسیدم و نشستم، آنگاه امام صادق (ع) فرمود: «ای ابراهیم! آیا می‌دانی که پس از من او امام توست، بدان که اقوامی درباره او به هلاکت افتاده و اقوام دیگری به سعادت رسند، لعنت خدا بر قاتل او باد و خدا عذاب روحش را دوچندان کند، بدان که خدای تعالی از صلب او بهترین اهل زمین در عصر خود را خارج سازد که هم‌نام جدش و وارث علم و احکام و فضایل اوست و معدن امامت و رأس حکمت است و پس از شگفتی‌ها و کرامات مُسْتَحْسَنی که از وی به ظهور رسد، جبار بنی فلان از روی حسادت وی را خواهد کشت، ولکن خدای تعالی امرش را می‌رساند؛ گرچه مشرکان را ناخوش آید و از صلب او امام مهدی (ع) را که تکملة ائمة دوازده‌گانه است، خارج سازد و آنان را به کرامت خود مخصوص گرداند و در دارالقدس خود فرود آورد. کسی که منتظر دوازدهمین آنان باشد، مانند کسی است که شمشیرش را از غلاف بیرون کشیده و پیشاروی رسول خدا (ص) از آن حضرت دفاع نماید».

راوی گوید: در این هنگام مردی از دوستان بنی امیه

داخل شد و سخن منقطع گردید و من یازده بار دیگر به نزد امام صادق (ع) رفتم تا از آن حضرت درخواست کنم که کلامشان را کامل کنند و بدان توفیق نیافتم تا آنکه در سال بعد بر امام وارد شدم و او نشسته بود، فرمود: ای ابراهیم! او کسی است که پس از سختی شدید و بلاى طویل و جزع و خوف ظاهر شده و حزن و مشقت را از شیعیانش برطرف سازد و خوشا به حال کسی که آن زمان را ادراک کند، ای ابراهیم! ترا بس است. ابراهیم گوید: من هیچ گاه مسرورتر از آن زمان نبودم که پس از شنیدن این مژده از نزد امام صادق (ع) برمی گشتم».

«عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقُ (ع): مَنْ أَقْرَبَ بِالْأَيْمَةِ مِنْ آبَائِي وَوُلْدِي وَجَحَدَ الْمَهْدِيِّ مِنْ وُلْدِي كَانَ كَمَنْ أَقْرَبَ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَجَحَدَ مُحَمَّدًا (ص) نَبُوْتَهُ. فَقُلْتُ: يَا سَيِّدِي وَ مَنْ الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِكَ؟ قَالَ: الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ يَغِيبُ عَنْكُمْ شَخْصُهُ، وَ لَا يَحِلُّ لَكُمْ تَسْمِيَتُهُ!»

عبدالله بن ابی یعفر گوید امام صادق (ع) فرمود: کسی که به امامان از آباء و اینایم معتقد باشد، اما مهدی از فرزندان مرا انکار کند، مانند کسی است که به جمیع پیامبران اقرار

امامت حضرت مهدی (عج)

کنند اما منکر نبوت محمد (ص) باشد، گفتیم: «ای آقای من مهدی از فرزندان شما کیست؟» فرمود: پنجمین از فرزندان هفتمین. شخص او از شما نهان می شود و بردن نام او بر شما روا نباشد.»

«أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: إِنَّ سُنَنَ الْأَنْبِيَاءِ (ع) بِمَا وَقَعَ بِهِمْ مِنَ الْغِيَابِ حَادِثَةٌ فِي الْقَائِمِ مِمَّا أَهْلَ الْبَيْتِ حَدُّوا النَّعْلَ بِالنَّعْلِ وَالْقُدَّةَ بِالْقُدَّةِ؛

قال أبو بصير: يا ابن رسول الله و من القائم منكم أهل البيت؟ فقال: يا أبا بصير هو الخامس من ولد ابني موسى، ذلك ابن سيده الإمام، يغيب غيبة يرتاب فيها المبطلون، ثم يظهره الله عز وجل فيفتح الله على يده مشارق الأرض ومغاربها، وينزل روح الله عيسى بن مريم (ع)، فيصلى خلفه وتشرق الأرض بنور ربها، ولا تبقى في الأرض بقعة عبد غير الله عز وجل إلا عبد الله فيها، ويكون الدين كله لله ولو كره المشركون؛

ابوبصیر گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: سنت های انبیاء با غیبت هایی که بر آنان واقع شده است، همه در قائم ما اهل بیت مو به مو و مطابق النعل بالنعل پدیدار می گردد.

۱. همان، ج ۲، صص ۲۱ و ۲۲.

ابوبصیر گوید: گفتم: «یا ابن رسول الله! قائم شما اهل بیت کیست؟» فرمود: ای ابوبصیر! او پنجمین از فرزندان پسر موسی است. او فرزند سیده کنیزان است و غیبی کند که باطل جویان در آن شک کنند، سپس خدای تعالی او را آشکار کند و به دست او شرق و غرب عالم را بگشاید و روح الله، عیسی بن مریم (ع)، فرود آید و پشت سر او نماز گزارد و زمین به نور پروردگارش روشن گردد و در زمین بقعه‌ای نباشد که غیر خدای تعالی در آن پرستش شود. پس همه دین از آن خدای تعالی گردد، گرچه مشرکان را ناخوش آید».

«أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: يَكُونُ بَعْدَ الْحُسَيْنِ تِسْعَةٌ أُمَّةٍ، تَأْسِفُهُمْ قَائِمُهُمْ!»

ابوبصیر از امام صادق (ع) روایت کند که فرمود: پس از حسین (ع) نه امام خواهد بود که نهمین آنان قائم ایشان است».

«أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): إِنَّ فِي صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ سُنَّةً مِنَ الْأَنْبِيَاءِ (ع)، سُنَّةً مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ، وَ سُنَّةً مِنْ عِيسَى، وَ

سُنَّةٌ مِنْ يُوسُفَ، وَ سُنَّةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.
فَأَمَّا سُنَّةٌ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فَخَائِفٌ يَتَرَقَّبُ، وَأَمَّا سُنَّةٌ مِنْ
عِيسَى فَيُقَالُ فِيهِ مَا قِيلَ فِي عِيسَى، وَأَمَّا سُنَّةٌ مِنْ يُوسُفَ فَالسُّتْرُ
يَجْعَلُ اللَّهُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْخَلْقِ حِجَابًا، يَرُونَهُ وَلَا يَعْرِفُونَهُ، وَأَمَّا سُنَّةٌ
مِنْ مُحَمَّدٍ (ص) فَيَهْتَدِي بِهُدَاهُ وَ يَسِيرُ بِسِيرَتِهِ؛^۱

ابوبصیر گویند: امام صادق (ع) فرمود: در صاحب این
امر سنت‌هایی از انبیاء وجود دارد، سنتی از موسی بن
عمران و سنتی از عیسی و سنتی از یوسف و سنتی از
محمد (ص).

اما سنت او از موسی بن عمران آن است که او نیز خائف
و منتظر است، اما سنت او از عیسی آن است که در حق
او نیز همان می‌گویند که درباره عیسی گفتند، اما سنت
او از یوسف مستور بودن است، خداوند بین او و خلق
حجابی قرار می‌دهد، مردم او را می‌بینند اما نمی‌شناسند
و اما سنت او از محمد (ص) آن است که به هدایت او
مهتدی می‌شود و به سیره او حرکت می‌کند.

«سَدِيرِ الصِّرْفِيِّ قَالَ: «دَخَلْتُ أَنَا وَ الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ، وَ أَبُو بَصِيرٍ،
وَ أَبَانُ بْنُ تَغْلِبَ عَلَى مَوْلَانَا أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ (ع) فَرَأَيْنَاهُ جَالِسًا

۱. همان، ج ۲، ص ۲۹.

عَلَى التُّرَابِ وَ عَلَيْهِ مِسْحٌ خَيْرِي مُطَوَّقٌ بِلا جَنِبٍ، مُقَصِّرُ الكُمَيْنِ،
 وَ هُوَ يَبْكِي بُكَاءَ الوَالِدِ التُّكْلِيِّ، ... طَوَّلَ عُمَرَ العَبْدِ الصَّالِحِ فِي غَيْرِ
 سَبَبٍ يُوجِبُ ذَلِكَ إِلَّا لِعِلَّةِ الاسْتِدْلَالِ بِهِ عَلَى عُمَرِ القَائِمِ (ع) وَ
 لِيَقْطَعَ بِذَلِكَ حُجْباً المُعَانِدِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ!

سدیر صیرفی گوید: من، مفضل بن عمر، ابوبصیر و ابان
 بن تغلب بر مولایمان امام صادق (ع) وارد شدیم و دیدیم
 که بر خاک نشسته و جبهه خیرری طوقدار بی گریبان آستین
 کوتاهی در بر او بود و او مانند مادر فرزند مرده شیدای
 جگر سوخته‌ای می گریست و اندوه تا و جناتش رسیده و
 گونه‌هایش دگرگون شده و دیدگانش پر از اشک گردیده
 است و می گوید:

«ای آقای من! غیبت تو خواب از دیدگانم ربوده و بستم
 را بر من تنگ ساخته و آسایش قلبم را از من سلب
 نموده است. ای آقای من! غیبت تو اندوه مرا به فجایع
 ابدی پیوند داده و فقدان یکی پس از دیگری، جمع و
 شمار را نابود کرده است، من دیگر احساس نمی‌کنم
 اشکی را که از دیدگانم بر گریبانم روان است و ناله‌ای
 را که از مصایب و بلایای گذشته از سینه‌ام سر می‌کشد،
 جز آنچه را که در برابر دیدگانم مجسم است و از همه

گرفتاری‌ها بزرگ‌تر، جانگدازتر، سخت‌تر و ناآشناتر است، ناملایماتی که با غضب تو در آمیخته و مصایبی که با خشم تو عَجین شده است».

سَدِیر گوید: چون امام صادق (ع) را در چنین حالی دیدیم از شدت وَلَهْ، عقل از سرمان پرید و به واسطه آن رخداد هائل و پدیده وحشتناک و از شدت جزع قلوبمان چاک چاک گردید و پنداشتیم که آن نشانه مکروهی کوبنده یا مصیبتی از مصایب روزگار است که بر وی نازل شده است. گفتیم: ای فرزند بهترین خلایق! چشمانت گریان مباد! از چه حادثه‌ای اشکتان روان و سرشک از دیدگانتان ریزان است؟ کدام حالتی است که این ماتم را بر شما واجب کرده است؟ امام صادق (ع) نفس عمیقی کشید که بر اثر آن درونش برآمد و هراسش افزون شد و فرمود: «وای بر شما صبح امروز در کتاب جفر می‌نگریستم و آن کتابی است که مشتمل بر علم منایا و بلایا و مصایب عظیم و علم ما کان و ما یکون تا روز قیامت است، همان کتابی که خدای تعالی آن را به محمد (ص) و ائمه پس از او (ع) اختصاص داده است و در فصولی از آن می‌نگریستم، میلاد قائم ما و غیبتش و تأخیر کردن و طول عمرش و بلوای مؤمنان در آن زمان

و پیدایش شکوک در قلوب آنها به واسطه طول غیبت و مرتد شدن آنها از دینشان و برکندن رشته اسلام از گردن‌هایشان که خدای تعالی فرموده است: «وَ كُلُّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ» که مقصود از آن ولایت است و پس از آنکه در آن فصول نگریستم رفتی مرا فراگرفت و اندوه بر من مستولی شد». گفتیم: ای فرزند رسول خدا! ما را مشرف و گرامی بدار و در بعضی از آنچه در این باب می‌دانی شریک گردان!

فرمود: «خدای تعالی در قائم ما سه خصلت جاری ساخته که آن خصلت‌ها در سه تن از پیامبران نیز جاری بوده است: مُولِدش را چون مولد موسی و غیبتش را مانند غیبت عیسی و تأخیر کردنش را مانند تأخیر کردن نوح مقدر کرده است و بعد از آن، عمر عبد صالح یعنی خضر(ع) را دلیلی بر عمر او قرار داده است». به آن حضرت گفتیم: ای فرزند رسول خدا! اگر ممکن است وجوه این معانی را برای ما توضیح دهید.

فرمود: اما تولد موسی(ع)، چون فرعون واقف شد که زوال پادشاهی او به دست موسی است، دستور داد که کاهنان را حاضر کنند و آنها وی را از نسب موسی آگاه کردند و گفتند که وی از بنی اسرائیل است و فرعون

امامت حضرت مهدی (عج)

به کارگزاران خود دستور می‌داد که شکم زنان باردار بنی اسرائیل را پاره کنند و حدود بیست و چند هزار نوزاد را کشتند، اما نتوانست به کشتن موسی (ع) دست یابد، زیرا او در حفظ و حمایت خدای تعالی بود و بنی امیه و بنی عباس نیز چنین اند، وقتی واقف شدند که زوال پادشاهی آنها و پادشاهی امیران و ستمگران آنها به دست قائم ماست، با ما به دشمنی برخاستند و در قتل آل رسول (ص) و نابودی نسل او شمشیر کشیدند به طمع آنکه بر قتل قائم دسترسی پیدا کنند؛ اما خدای تعالی امر خود را مکشوف یکی از ظلمه نمی‌سازد و نور خود را کامل می‌کند، گرچه مشرکان را ناخوش آید.

و اما غیبت عیسی (ع)، یهود و نصارا اتفاق کردند که او کشته شده است، اما خدای تعالی با این قول خود آنان را تکذیب فرمود: «وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ» و غیبت قائم نیز چنین است، زیرا این امت به واسطه طول مدتش آن را انکار می‌کند، پس گوینده‌ای به هذیان گوید: «او متولد نشده است» و گوینده‌ای دیگر گوید: «او مرده است» و گوینده‌ای دیگر این کلام کفرآمیز را گوید: «که یازدهمین ماهه عقیق بوده است» و گوینده‌ای دیگر با این کلام از دین خارج شود که: «تعداد ائمه به سیزده یا

بیشتر رسیده است» و گوینده‌ای دیگر به نافرمانی خدای تعالی پرداخته و گوید: «روح قائم در جسد دیگری سخن می‌گوید».

اما تأخیر کردن نوح (ع) [در عذاب قومش] چنین است که چون از خداوند برای قوم خود طلب عقوبت کرد، خدای تعالی روح الامین را با هفت هسته خرما به نزد وی فرستاد و به او گفت: «ای پیامبر خدا! خدای تعالی به تو می‌گوید: اینها خلائق و بندگان من هستند و آنان را با صاعقه‌های خود نابود نمی‌کنم مگر پس از اینکه بارها آنها دعوت به راه راست شوند و آنها را با صاعقه‌های خود نابود نمی‌کنم مگر پس از اتمام حجت بر آنها، پس بار دیگر در دعوت قومت تلاش کن که من به تو پاداش خواهم داد...»

... امام صادق (ع) فرمود: «قائم (ع) نیز چنین است زیرا ایام غیبت او طولانی می‌شود تا حق محض و ایمان صافی از کدر آن مشخص شود و هر کسی که از شیعیان طینت ناپاکی دارد از دین بیرون رود، کسانی که ممکن است چون استخلاف و تسکین و امنیت منتشر در عهد قائم (ع) را احساس کنند نفاق ورزند».

... «و اما عبد صالح یعنی خضر خدای تعالی عمر او را طولانی ساخته است ولی به علت نبوتی که برای وی

امامت حضرت مهدی (عج)

تقدیر کرده است یا کتابی که بر وی فرو فرستد یا شریعتی که به واسطه آن شرایع انبیای پیشین را نسخ کند یا امامتی که بر بندگانش اقتدا به آن لازم باشد یا طاعتی که انجام دادن آن بر وی واجب باشد (که حضرت خضر پیامبر یا امام نبوده است) بلکه چون در علم خداوند گذشته بود که عمر قائم (ع) در دوران غیبتش طولانی خواهد شد، تا جایی که بندگانش آن را به واسطه طولانی بودنش انکار کنند، عمر بنده صالح خود را طولانی کرد تا از طول عمر او به طول عمر قائم (ع) استدلال شود و حجّت معاندان منقطع گردد و برای مردم بر ضدّ خداوند حجّتی نباشد».

«صَفْوَانُ [بْنِ مِهْرَانَ]، عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ أَقْرَبَ بِجَمِيعِ الْأَيْمَةِ، وَجَحَدَ الْمَهْدِيَّ كَمَا كَفَرَ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَجَحَدَ مُحَمَّدًا (ص) نُبُوَّتَهُ، فَقِيلَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَنْ الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِكَ؟ قَالَ: الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ، يَغِيبُ عَنْكُمْ شَخْصُهُ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ تَسْمِيَتُهُ!»

صفوان بن مهران از امام صادق (ع) روایت کند که فرمود: کسی که به جمیع ائمه اقرار کند اما مهدی را انکار نماید مانند کسی است که به جمیع انبیاء اقرار کند اما نبوت

۱. همان، ج ۲، ص ۱۲۲.

محمد (ص) را انکار نماید. بدو گفتند: ای فرزند رسول خدا! مهدی از فرزندان شما کیست؟ فرمود: پنجمین امام از فرزندان امام هفتم که شخص او از دیدگان مردم نهان شود و نام بردنش روا نباشد.

«أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَبَشِّرِ الْمُعْطَلَةَ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ»^۱، فَقَالَ: الْبَيْتُ الْمُعْطَلَةُ الْإِمَامُ الصَّامِتُ، وَالْقَصْرُ الْمَشِيدُ الْإِمَامُ النَّاطِقُ؛^۲

ابوبصیر گوید: امام صادق (ع) در تفسیر این آیه «وَبَشِّرِ الْمُعْطَلَةَ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ» فرمود: مقصود از «بَشِّرِ الْمُعْطَلَةَ» امام خاموش و مقصود از «قَصْرٍ مَشِيدٍ» امام ناطق است.

«الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: «قَالَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا (ع): لَا دِينَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ، وَلَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ: إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَعْمَلُكُمْ بِالتَّقِيَّةِ، فَقِيلَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى مَتَى؟ قَالَ: إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ وَهُوَ يَوْمَ خُرُوجِ قَائِمِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَمَنْ تَرَكَ التَّقِيَّةَ قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَلَيْسَ مِنَّا، فَقِيلَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَمَنِ الْقَائِمُ مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ؟ قَالَ: الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَامِ، يُطَهِّرُ اللَّهُ

۱. سوره حج، آیه ۴۵.

۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۳۱.

امامت حضرت مهدی (عج)

بِهِ الْأَرْضِ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ، وَ يُقَدِّسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ، [وَ هُوَ] الَّذِي يَشْكُ النَّاسُ فِي وِلَادَتِهِ، وَ هُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ، فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ، وَ وَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ، فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا، وَ هُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَ لَا يَكُونُ لَهُ ظِلٌّ، وَ هُوَ الَّذِي يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِهِ يَسْمَعُهُ جَمِيعُ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالدُّعَاءِ إِلَيْهِ يَقُولُ: «أَلَا إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ، فَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَ فِيهِ»، وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ ۗ»^۱

حسین بن خالد گوید: امام رضا (ع) فرمود: کسی که ورع نداشته باشد دین ندارد و کسی که تقیه نداشته باشد ایمان ندارد، گرامی ترین شما نزد پروردگار کسی است که بیشتر به تقیه عمل کند، گفتند: «ای فرزند رسول خدا! تا به کی؟» فرمود: تا روز وقت معلوم که روز خروج قائم ما اهل بیت است. کسی که تقیه را پیش از خروج قائم ما ترک کند از ما نیست. گفتند: «ای فرزند رسول خدا! قائم شما اهل بیت کیست؟» فرمود: چهارمین از فرزندان من، فرزند سرور کنیزان، خداوند به واسطه وی زمین را از هر ستمی پاک گرداند و از هر ظلمی منزّه سازد و او

۱. سوره شعراء، آیه ۴.

۲. صدوق، محمد، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، صص ۶۰، ۶۱.

کسی است که مردم در ولادتش شک کنند و او کسی است که پیش از خروجش غیبت کند و آنگاه که خروج کند زمین به نورش روشن گردد و در میان مردم، میزان عدالت وضع کند و هیچکس به دیگری ستم نکند و او کسی است که زمین برای او در پیچیده شود و سایه‌ای برای او نباشد و او کسی است که از آسمان ندا کننده‌ای او را به نام ندا کند و به وی دعوت نماید به گونه‌ای که همه اهل زمین آن ندا را بشنوند، می‌گوید: «إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ فَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَ فِيهِ. وَ أَيْنَ هَمَانَ قَوْلِ خَدَايَ تَعَالَى اسْتِ كِه فَرْمُودِه اسْتِ: «إِنَّ نَشَأَ نَزَّلَ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ».

عَبْدُ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ: «سَمِعْتُ دَعْبِلَ بْنَ عَلِيٍّ الْخُرَاعِيَّ يَقُولُ: أَنْشَدْتُ مَوْلَايَ الرُّضَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى (ع) قَصِيدَتِي الَّتِي أَوْلَاهَا: ... وَ أَمَا «مَتِي» فَإِخْبَارٌ عَنِ الْوَقْتِ: فَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ (ع) أَنَّ النَّبِيَّ (ص) قِيلَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَتَى يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ؟ فَقَالَ (ع): مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ الَّتِي «لَا يُجَلِّئُهَا لَوْقَتِهَا إِلَّا هُوَ تَقَلَّتْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً»!

۱. سورة اعراف، آیه ۱۸۷.

۲. صدوق، محمد، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، صص ۶۲-۶۳.

عبدالسلام بن صالح هروی گوید: من از دعبل بن علی خزاعی شنیدم که می گفت: بر مولای خود امام رضا (ع) قصیده خود را که چنین آغاز می شود خواندم:

مَدَارِسُ آيَاتِ خَلْتِ مِنْ تِلَاوَةِ

و منزل وحی مقفر العرصات

و چون به این ابیات رسیدم:

خروج امام لا محالة خارج

يقوم على اسم الله والبركات

يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَ بَاطِلٍ

و يَجْزِي عَلَى النِّعْمَاءِ وَ النُّقْمَاتِ

امام رضا (ع) به سختی گریستند، سپس سر خود را بلند کرده و به من فرمودند: «ای خزاعی! روح القدس این دو بیت را بر زبان تو جاری کرده است، آیا می دانی این امام کیست؟ و کی قیام خواهد کرد؟» گفتم: نه ای مولای من! فقط شنیدم که امامی از شما خروج می کند و زمین را از فساد پاک می سازد و آن را از عدل آکنده می سازد همان گونه که از ستم پر شده باشد.

فرمود: «ای دعبل! امام پس از من فرزندانم محمد است و پس از او فرزندش علی و پس از او فرزندش حسن و پس از او فرزندش حجت قائم که در دوران غیبتش

منتظر او باشند و در ظهورش از او اطاعت کنند و اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خدای تعالی آن روز را طولانی فرماید تا خروج کند و زمین را از عدل آکنده سازد همچنانکه از جور پر شده باشد».

اما کی خواهد بود، این اخبار از وقت است و پدرم از پدرانش روایت کند که به پیامبر اکرم (ص) گفتند: «ای رسول خدا! قائم از فرزندان شما کی خروج می کند؟» فرمود: «مَثَلُ أَوْ مَثَلُ قِيَامَتِ اسْتِ كِه لَا يُجَلِّئُهَا لَوْ قَتَهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً».

امام حسن عسکری (ع) فرمودند:

«كَأَنِّي بِكُمْ وَ قَدْ اخْتَلَفْتُمْ مِنْ بَعْدِي بِالْخَلْفِ مِنِّي. أَلَا إِنَّ الْمُقَرَّبَ بِأَيِّمَةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) الْمُنْكَرِ لَوْلَدِي، كَمَنْ أَقْرَأَ بِجَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ ثُمَّ أَنْكَرَ نُبُوَّةَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) لِأَنَّ طَاعَةَ آخِرِنَا كَطَاعَةَ أَوْلِنَا، وَالْمُنْكَرِ لِآخِرِنَا كَالْمُنْكَرِ لِأَوْلِنَا؛»
و گویا می بینم که بعد از من در مورد جانشین من به اختلاف افتاده اید، آگاه باشید که هر کس به همه امامان بعد از پیامبر اکرم (ص) اعتراف کند، ولی پسر من را انکار

۱. صافسی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، ص ۲۲۶ مجلسی، محکم باقر، بحار الانوار ج ۵۱، ص ۱۶۰ طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری ص ۴۱۲.

امامت حضرت مهدی (عج)

نماید، همانند کسی است که به همه پیامبران اعتراف نموده و رسالت پیامبر اکرم (ص) را انکار نماید، زیرا که اطاعت از آخر ما، اطاعت از اول ماست و انکار آخر ما، چون انکار اول ماست».

در اینجا روایت‌هایی را ذکر می‌کنیم که در آنها به نحوه تولد حضرت مهدی (عج) اشاره می‌شود و اینکه او همان مهدی بشارت داده شده است. این روایت‌ها خود اسنادی معتبر در اثبات امامت و شخصی بودن (در مقابل نوعی بودن) حضرت مهدی (عج)، مصلح موعود است.

«أَبِي غَانِمِ الْخَادِمِ قَالَ: «وُلِدَ لِأَبِي مُحَمَّدٍ (ع) وَلَدٌ فَسَمَّاهُ مُحَمَّدًا، فَعَرَّضَهُ عَلَى أَصْحَابِهِ يَوْمَ الثَّلَاثِ، وَقَالَ: هَذَا صَاحِبُكُمْ مِنْ بَعْدِي، وَخَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ، وَهُوَ الْقَائِمُ الَّذِي تَمْتَدُّ إِلَيْهِ الْأَعْنَاقُ بِالِانْتِظَارِ، فَإِذَا امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ جَوْرًا وَظُلْمًا خَرَجَ فَمَلَأَهَا قِسْطًا وَعَدْلًا».

ابو غانم خادم گوید: برای امام حسن عسکری (ع) فرزندی به دنیا آمد که نام او را محمد نامید و وی را در سومین روز ولادتش به اصحاب خود عرضه کرد و فرمود: پس از من این صاحب شما و جانشین من بر شماست و او قائمی است که مردم در انتظار وی بمانند و چون زمین پر از ظلم

۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۵۷.

و ستم شود، ظهور کند و آن را پر از عدل و داد نماید».

«أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ إِسْحَاقَ الْقُمِّيَّ قَالَ: لَمَّا وُلِدَ الْخَلْفُ الصَّالِحُ (ع) وَرَدَ عَن مَوْلَانَا أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) إِلَى جَدِّي أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ كِتَابٌ، فَإِذَا فِيهِ مَكْتُوبٌ بِخَطِّ يَدِهِ (ع) الَّذِي كَانَ تَرِدُ بِهِ التَّوْقِيعَاتُ عَلَيْهِ، وَفِيهِ: «وَلِدْنَا مَوْلُودًا فَلْيَكُنْ عِنْدَكَ مَسْتُورًا وَ عَن جَمِيعِ النَّاسِ مَكْتُومًا، فَإِنَّا لَمْ نَظْهَرُ عَلَيْهِ إِلَّا الْأَقْرَبَ لِقَرَابَتِهِ وَ الْوَلِيَّ لِوِلَايَتِهِ، أَحْبَبْنَا إِعْلَامَكَ لِإِسْرَافِكَ اللَّهُ بِهِ، مِثْلَ مَا سَرَّنا بِهِ، وَ السَّلَامُ»^۱

احمد بن حسن بن اسحاق قمی گویند: چون خلف صالح (ع) متولد گردید، از مولایم امام حسن عسکری (ع) به جدم، احمد بن اسحاق، نامه‌ای رسید که در آن، امام با دست خط خود که توقیعات با آن دست خط صادر می‌شد آمده بود: «برای ما فرزندی متولد شده است و باید نزد تو مستور و از مردم مکتوم بماند که ما جز به خویشان و دوستان اظهار نکنیم، خواستیم خبر آن را به تو اعلام کنیم تا خداوند تو را شاد سازد همچنان که ما را شاد ساخت و السلام».

۱. صدوق، محمد، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲، صص ۱۶۰-۱۶۱.

امامت حضرت مهدی (عج)

«معاویة بن حکیم؛ و مُحَمَّدُ بْنُ أَيُّوبَ ابْنِ نُوحٍ؛ وَ مُحَمَّدُ بْنُ
عُثْمَانَ الْعَمْرِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالُوا: «عَرَضَ عَلَيْنَا أَبُو مُحَمَّدٍ
الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (ع) ابْنَهُ وَ نَحْنُ فِي مَنْزِلِهِ وَ كُنَّا أَرْبَعِينَ رَجُلًا فَقَالَ:
هَذَا إِمَامُكُمْ مِنْ بَعْدِي، وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ، أَطِيعُوهُ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا
مِنْ بَعْدِي فِي أَدْيَانِكُمْ فَتَهْلِكُوا، أَمَا إِنَّكُمْ لَا تَرَوْنَهُ بَعْدَ يَوْمِكُمْ
هَذَا، قَالُوا: فَخَرَجْنَا مِنْ عِنْدِهِ فَمَا مَضَتْ إِلَّا أَيَّامٌ قَلِيلٌ حَتَّى
مَضَى أَبُو مُحَمَّدٍ (ع)؛^۱

معاویة بن حکیم، محمد بن ایوب و محمد بن عثمان
گویند ما چهل نفر در منزل امام حسن (ع) بودیم و او
فرزندش را به ما عرضه کرد و فرمود: «این امام شما
پس از من و خلیفه من بر شماست، از او اطاعت کنید و
پس از من در دین خود متفرق نشوید که هلاک خواهید
شد، بدانید که بعد از این او را نخواهید دید». گویند: از
حضورش بیرون آمدیم و پس از کمتر از چند روز امام
حسن عسکری (ع) درگذشت».

«تَمِيمُ بْنُ بَهْلُولٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي الْهَدَّادِ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ
الْإِمَامَةِ فِيمَنْ تَجِبُ وَ مَا عَلَامَةٌ مِنْ تَجِبُ لَهُ إِمَامَةٌ؟ فَقَالَ لِي: إِنَّ
الدَّلِيلَ عَلَى ذَلِكَ وَ الْحُجَّةَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْقَائِمَ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ

۱. همان ج ۲، ص ۱۶۲.

وَالنَّاطِقَ بِالْقُرْآنِ وَالعَالِمَ بِالأَحْكَامِ أَخُو نَبِيِّ اللهِ (ص)، وَ خَلِيفَتُهُ
عَلَى أُمَّتِهِ وَ وَصِيَّهُ عَلَيْهِم، ... ثُمَّ قَالَ تَمِيمُ بْنُ بَهْلُولٍ: حَدَّثَنِي
أَبُو معاوِيَةَ، عَنِ الأَعْمَشِ، عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي
الإِمَامَةِ بِمِثْلِهِ سَوَاءً!

تمیم بن بهلول گوید: از عبدالله بن ابی الهذیل از امامت
پرسیدم که بر چه کسانی ثابت است و نشانه‌های امام
بر حق چیست؟ گفت: دلالت کننده بر آن و حجت
بر مؤمنان و قائم به امور مسلمانان و ناطق به قرآن و
عالم به احکام دین، برادر پیامبر اکرم (ص) است که
جانشین او بر امت و وصی او بر ایشان و ولی اوست،
کسی که برای پیامبر به منزله هارون است برای موسی،
کسی که طاعتش به واسطه این قول خدای تعالی
واجب شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا
الرَّسُولَ وَ أُولِي أَمْرِ مِنْكُمْ» و در این آیه او را دارای مقام
ولایت خوانده است: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ
آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ».
و در روز غدیر خم رسول اکرم (ص) از جانب خدای
تعالی برای او مقام امامت اثبات کرده و فرموده است:
«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَ

امامت حضرت مهدی (عج)

عَادَ مَنْ عَادَاهُ، وَ انْصُرَ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذَلْ مَنْ خَذَلَهُ وَ
اعِنْ مَنْ اعَانَهُ». چنین شخصی امیرالمؤمنین علی بن
ابی طالب و امام المتقین و پیشوای دست و رو سپیدان
و افضل اوصیا و بهترین همه خلائق پس از رسول
رب العالمین است.

و بعد از او حسن و حسین دو سبط رسول خدا (ص) و دو
فرزند سیدة النساء است، سپس علی بن الحسین و محمد
بن علی و جعفر بن محمد و موسی ابن جعفر و علی بن
موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی
و سپس فرزند حسن بن علی صلوات الله علیهم که تا امروز
یکی پس از دیگری بوده‌اند، آنان عترت رسول خدا (ص)
هستند که به وصیت و امامت در هر عصر و زمانی و هر
وقت و اوانی معروف هستند، آنان عروة الوثقی و ائمة
هدی و حجت بر اهل دنیا هستند تا خدای تعالی زمین و
اهلش را وارث شود و هر که با آنان مخالفت ورزد گمراه
و گمراه کننده و تارک حق و هدایت است آنان قرآن را
تعبیر می کنند و ناطق از جانب رسول اکرم (ص) هستند و
کسی که بمیرد و ایشان را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده
است و اوصاف آنان چنین است: ورع و عفت و صدق و
صلاح و و اجتهاد و ادای امانت به نیک و بد و طول سجود

و نمازِ شُعب و اجتنابِ از محارم و انتظارِ فرَجِ با شکیبایی
و حُسنِ مصاحبت و حُسنِ هم جوارِی».

«غیاثِ بنِ اَسیدِ قال: شَهِدْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُمَانَ العَمَرِيَّ قَدَسَ اللهُ
رُوحَهُ يَقُولُ: لَمَّا وُلِدَ الخَلْفُ المَهْدِيُّ (ع) سَطَعَ نُورٌ مِنْ فَوْقِ رَأْسِهِ
إِلَى عَنَانِ السَّمَاءِ، ثُمَّ سَقَطَ لِوَجْهِهِ سَاجِدًا لِرَبِّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ، ثُمَّ
رَفَعَ رَأْسَهُ وَهُوَ يَقُولُ: «شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ
أُولُوا العِلْمِ بِالقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ العَزِيزُ الحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللهِ
الإِسْلَامُ»^۱ قال: وَ كَانَ مَوْلِدُهُ يَوْمَ الجُمُعَةِ؛^۲

غیاث بن اسید گوید: محمد بن عثمان عمری قدس الله
روحه را دیدار کردم او گفت: «چون مهدی خلیفه الله
متولد گردید، نوری از بالای سرش به عنان آسمان ساطع
گردید، سپس برای سجده پروردگارش به روی در افتاد،
آنگاه سر خود را برداشت؛ در حالی که می گفت: شَهِدَ اللهُ
أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُوا العِلْمِ قَائِمًا بِالقِسْطِ لَا
إِلَهَ إِلَّا هُوَ العَزِيزُ الحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللهِ الإِسْلَامُ. گوید
میلاذ او در روز جمعه واقع گردید».

۱. سوره آل عمران، آیات ۱۸ و ۱۹.

۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تسمات النعمه، ج ۲، صص

امامت حضرت مهدی (عج)

در اینجا به برخی از گفته‌ها و اقوال رسیده در این باره اشاره می‌کنیم که ذکر آنها خالی از لطف نیست.
ابن عباس می‌گوید:

«شب‌ها و روزها سپری نمی‌شود - جهان به پایان نمی‌رسد - جز اینکه جوانی از ما اهل بیت زمام امور را به دست می‌گیرد که دستخوش فتنه‌ها نمی‌شود و خود فتنه بر نمی‌انگیزد. گفته شد: چگونه است که پیرمردان شما از آن محروم می‌شوند و جوانان شما به آن می‌رسند؟! گفت: آری، این امانت خداست، به هر کس بخواهد عطا می‌فرماید»^۱.

ابن عباس می‌گوید:

«از رسول اکرم (ص) شنیدم که فرمودند: من، علی، حسن، حسین و نه تن از اولاد حسین، پاک و پاکیزه و معصوم هستیم»^۲.

کعب الاحبار می‌گوید:

«مهدی در تورات و انجیل ذکر شده، همه ملت‌ها اجماع و اتفاق نظر دارند بر اینکه: نجات بخشی ظهور خواهد

۱. الجاوی للفتاوی، ج ۲، صص ۱۴۸ و ۱۵۸.

۲. بتایبع الموده، ج ۳، ص ۱۰۱.

کرد و انسان‌ها را از ظلم و استبداد نجات خواهد داد. کسی که در ظهور چنین مصلح و نجات دهنده‌ای تردید کند، کافر است. اسم و وصف او در همه کتاب‌های پیامبران نوشته شده است. هر چه مورد تردید باشد، این تردیدناپذیر است که او فرزند پیامبر اکرم (ص) و وارث علوم امامان معصوم (ع) یکی بعد از دیگری است.^۱

بخاری^۲ می‌گوید:

«احادیث در مورد حضرت صاحب الزمان (عج) که از دیده‌ها غایب و در هر زمانی حاضر است، بسیار فراوان است. کسانی که به امامت او معتقدند از هر نکوهش و سرزنشی پیراسته‌اند که راه حق را پیموده‌اند و به شاهراه هدایت رسیده‌اند. امامت و پیشوایی امت اسلامی به وسیله او پایان یافته است. او از روز وفات پدر بزرگوارش تا روز رستاخیز، امام است. او مردمان را به شریعت خود که همان شریعت محمدی است دعوت می‌کند».^۳

۱. بشارة الاسلام، ص ۱۰۳.

۲. معروف به خواجه یارسانا.

۳. الامام المهدی، ص ۳۴۹.

امامت حضرت مهدی (عج)

ابن عربی گویند:

«او [امام مهدی (ع)] از عترت رسول اکرم (ص) از نسل
حضرت فاطمه (س) است. جدّش امام حسین (ع) و
پدرش امام حسن عسکری (ع) است.»!



بخش چهارم

ویژگی‌های امام

در سه بخش پیشین با ذکر گزیده‌ای از روایت‌های ارزشمند خاندان رحمت (ع)، سعی کردیم تا موضوع «امامت» را که یکی از ستون‌های آفرینش و خلقت پروردگار عالمیان است، تا حدی به ذهن خواننده عزیز خود قریب سازیم. در بخش چهارم با ذکر تنها بخشی از ویژگی‌های امام (ع) سعی خواهیم کرد که عظمت و شأن وجودی او را در میان همه مخلوقات بیان نماییم، تا زمانی که گفت‌وگو از «وجوب شناخت» یا «نهی از انکار» امام خواهیم کرد. نیازی به استدلال و آوردن حجّت و برهان برای اثبات این مقام عظیم الهی نداشته باشیم.

چنان که گفته شد از میان تمام ویژگی‌های منحصر به فرد یا به کمال رسیده‌ی امامان (ع) تنها به چند ویژگی خاص می‌پردازیم، از جمله «عصمت».

■ عصمت

«عصمت مطلق» از ویژگی‌هایی است که تنها حضرت
باری تعالی در چهارده نفر از خاصان خلقتش منحصر
فرموده‌اند، که دوازده نفر آنان امامان(ع) هستند. در این باره
روایت‌های بسیاری است که ما در اینجا به نمونه‌هایی از
آنها می‌پردازیم:

امام سجّاد(ع) در این باره فرمودند:

«الْإِمَامُ لَا يَكُونُ إِلَّا مَعْصُومًا، وَ لَيْسَتْ الْعِصْمَةُ فِي ظَاهِرِ الْخَلْقَةِ
فَيَعْرِفُ بِهَا، وَ لِذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا مَنْصُوصًا؛

جز معصوم، احدی شایسته امامت و رهبری نیست و
چون عصمت یک نشان ظاهری نیست که همگان
آن را باز شناسند، باید امام از طرف خدا تعیین
و اعلام شده باشد»^۱.

۱. معانی الاخبار، ص ۱۲۲.

امامت حضرت مهدی (عج)

و نیز حضرت حجت (ع) در توقیع شریفشان به «احمد

بن اسحاق» چنین می نویسند:

«... ثُمَّ بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا (ص) رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ، وَ تَمَّ بِهٖ نِعْمَتُهُ،
وَ خَتَمَ بِهٖ أَنْبِيَآءَهُ، وَ أَرْسَلَهُ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً، وَ أَظْهَرَ مِنْ صِدْقِهِ
مَا أَظْهَرَ، وَ بَيَّنَّ مِنْ آيَاتِهِ وَ عَلَامَاتِهِ مَا بَيَّنَّ... ثُمَّ قَبَضَهُ حَمِيدًا
نَقِيًّا سَعِيدًا، وَ جَعَلَ الْأَمْرَ مِنْ بَعْدِ إِلَى أَخِيهِ وَ ابْنِ عَمِّهِ وَ وَصِيِّهِ
وَ وَارِثِهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ إِلَى الْأَوْصِيَاءِ مِنْ
وَلَدِهِ وَاحِدًا وَاحِدًا، أَحْيَى بِهِم دِينَهُ، وَ أَتَمَّ بِهِم نُورَهُ، وَ جَعَلَ بَيْنَهُمْ
وَ بَيْنَ إِخْوَانِهِمْ وَ بَنِي عَمِّهِمُ الْأَدْنِيِّينَ مِنْ ذَوِي أَرْحَامِهِمْ فُرْقَانًا
بَيْنَا يُعْرَفُ بِهٖ الْحُجَّةُ مِنَ الْمَحْجُوجِ وَ الْإِمَامُ مِنَ الْمَأْمُومِ، بِأَنْ
عَصَمَهُمْ مِنَ الذُّنُوبِ، وَ بَرَّأَهُمْ مِنَ الْعُيُوبِ، وَ طَهَّرَهُمْ مِنَ الدَّنَسِ،
وَ نَزَّهَهُمْ مِنَ اللَّبْسِ؛

خداوند حضرت محمد (ص) را رحمة للعالمین برانگیخت
و نعمتش را به وسیله او کامل گردانید و پیامبرانش را
با او ختم نمود. او را برای همه مردم مبعوث کرد و
معجزات فراوان و آیات بیّنات به دست او ظاهر گردانید.
آنگاه او را پاک و پاکیزه، ستوده و پسندیده از این جهان
بیرون برد و امر امت را به دست برادر و پسرعمویش
«علی بن ابی طالب (ع)» و فرزندان او یکی بعد از دیگری
سپرد. به وسیله آنها دین خود را زنده کرد و نور خود

را به اتمام رسانید. آنگاه میان آنها (امامان) و برادران و پسرعموها و دیگر خویشاوندان فرق واضح و تفاوت آشکار قرار داد تا همواره حجت خدا ممتاز باشد و با غیر حجت مشتبّه نشود، امام و مأموم باز شناخته شوند و با یکدیگر اشتباه نشوند. برای این منظور آنها را از خطا و لغزش «معصوم» قرار داد و از هر عیبی مبرا ساخت، آنان را پاک و پاکیزه قرار داد و از هر پلیدی پیراسته ساخت. همچنین عبدالله بن عباس از قول نبی اکرم (ص) درباره معصومان (ع) می گوید:

«عَبْدُ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: «أَنَا وَ عَلِيُّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ!»
عبدالله بن عباس گوید: از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود: من و علی و حسن و حسین و نه تن از فرزندان حسین پاکان و معصومانیم.»

قرآن درباره عصمت اهل بیت (ع) می فرماید:
«... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^۱

۱. صدوق، محمد، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، صص ۵۲۴-۵۲۵.

۲. سوره احزاب، آیه ۳۳.

امامت حضرت مهدی (عج)

... پلیدی را از شما اهل بیت [که به روایت شیعه و سنی
محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) اند] بزُداید و شما
را چنان که شایسته است [از همه گناهان و معاصی] پاک
و پاکیزه گردانند».

این اراده حق، هم به تطهیر علم و معرفت و هم به از
میان بردن رجس و پلیدی عمل ایشان تعلق گرفته است و
آنان را در جهت علم و عمل معصوم گردانیده است.

امیرمؤمنان (ع) در بیان ابعاد عصمت علمی و معرفتی
خود فرمودند:

«مَا شَكَّتُ فِي الْحَقِّ مَذَّأْرِيَّتُهُ؛^۱

از هنگامی که حق را شناختم، در آن شک و تردید نکردم».

رسول خدا (ص) درباره مقام عصمت خود و اهل بیتش
فرمودند:

«أَنَا وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ، مُطَهَّرُونَ
مَعْصُومُونَ؛^۲

من و علی و حسن و حسین و نه نفر از فرزندان حسین

۱. تهج البلاغه، ص ۸۰۲، حکمت ۱۸۴.

۲. عیون أخبار الرضا، ۱/۶۴، باب ۶، حدیث ۳۰.

از هر آلودگی پاک و معصوم هستیم».

و باز هم درباره خود و حضرت فاطمه (س) و دوازده امام (ع) فرمودند:

«إِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ قَدْ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنَّا الْفَوَاحِشَ، مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ؛^۱
ما اهل بیت، خدا همه زشتی‌ها و آلودگی‌های پیدای و
پنهان را از ما زدوده است».

و امام صادق (ع) در قطعه‌ای بسیار استوار و محکم درباره عصمت پیامبران و امامان فرموده است:

«الْأَنْبِيَاءُ وَالْأَوْصِيَاءُ لَا ذُنُوبَ لَهُمْ، لِأَنَّهُمْ مَعْصُومُونَ مُطَهَّرُونَ؛^۲
پیامبران و جانشینان آنان هیچ گناهی ندارند؛ زیرا معصوم
و پاک هستند».

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ التَّمِيمِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي سَيِّدِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى
الرِّضَا (ع) عَنْ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ عَنِ عَلِيِّ (ع) عَنِ النَّبِيِّ (ص) أَنَّهُ قَالَ
مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْقَضِيبِ الْيَاقُوتِ الْأَحْمَرِ الَّذِي غَرَسَهُ اللَّهُ
عَزَّوَجَلَّ بِيَدِهِ وَ يَكُونُ مَتَمَسِّكاً بِهِ فَلْيَتَوَلَّ عَلِيّاً وَ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِهِ

۱. الفردوس، ۵۴/۱.

۲. الخصال، ۶۰۸/۲، حدیث ۹.

امامت حضرت مهدی (عج)

فإنهم خيرة الله عزّ وجلّ و صفوته و هم المعصومون من كلّ ذنب
و خطيئة؛^۱

محمد بن علی تمیمی گفت: مولایم علی بن موسی
الرضا (ع) از آبسء گرامی خود از علی (ع) از پیامبر (ص)
نقل کرد که فرمودند: «هر کسی خوشش می آید تماشا
کند، شاخه یاقوت قرمز را که خداوند به دست خویش
کاشته و مایل است چنگ به آن بزند، علی (ع) و ائمه بعد
از او را دوست بدارد، آنها برگزیدگان خدا و برجستگان
هستند و از هر گناه و خطایی پاک اند».

امام سجّاد (ع) فرمودند:

«الإمام منا لا يكون إلا معصوماً، وليست العصمة في ظاهر
الخلق فيعرف بها؛ فلذلك لا يكون إلا منصوصاً.

فَقِيلَ لَهُ: يَا بِن رَسُولِ اللَّهِ فَمَا مَعْنَى الْمَعْصُومِ؟ فَقَالَ هُوَ الْمُعْتَصِمُ
بِحَبْلِ اللَّهِ، وَ حَبْلُ اللَّهِ هُوَ الْقُرْآنُ لَا يَفْتَرِقَانِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ
الْإِمَامُ يَهْدِي إِلَى الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ يَهْدِي إِلَى الْإِمَامِ، وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ
عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ؛^۲

امام از ما، خانواده باید معصوم باشد و عصمت صفتی

۱. عيون الاخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۵۷.

۲. بخار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۹۴.

نیست که در ظاهر بدن باشد تا شناخته شود به همین جهت نمی توان تشخیص داد مگر اینکه تصریح به امامت او شود (و مخصوص از جانب حجّت قبل باشد) عرض کردند: آقا معنی معصوم چیست؟ فرمودند: او چنگ زده به ریسمان خدا و آن قرآن است که از یکدیگر جدا نمی شوند تا قیامت؛ امام راهنما به سوی قرآن و قرآن راهنمای به سوی امام است این است معنی این آیه «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ»^۱.

۱. سوره اسراء، آیه ۹.

■ علم امام

بعد از بحث درباره عصمت امام (ع) می پردازیم به ذکر روایت‌هایی درباره علم امام (ع) که یکی از ویژگی‌های بارز و به کمال رسیده در وجود مقدس ایشان است.

روایت‌های این قسمت علاوه بر اینکه تأکید بر وراثت علم در ائمه (ع) دارند، اشاره به این نکته می‌کنند که خدای تعالی موضوع انتقال علم را در بشر با اسباب و شرایطی مقرر فرموده و بشر را واجد آن شرایط ساخته و اسباب را در اختیارش نهاده است. انسان را با زبانی گویا و گوش‌شنوا و چشمی بینا خلق فرمود، تا بتواند آنچه را می‌داند، به دیگران بگوید و بیاموزاند و نیز نوشتن توسط قلم را به او آموخت، تا بتواند معلومات خود را در صفحه‌ای نقش کند و آیندگان پس از خود را از آن بهره‌مند سازد. این اسباب و قوا و صدها اسباب دیگر مانند آن، از شرایط انتقال علم و تکمیل و ترقی آن در بشر است و چون این اسباب و قوا به

حیوانات و موجودات دیگر عطا نشده آثار علم در زندگی آنها دیده نمی شود و ترقی و تکامل تنها در زندگی بشر جلوه گر شده است و از همین راه است که قرآن کریم پس از چهارده قرن برای ما باقی مانده و به همین جهت است که در این روایات فرموده اند:

علمی که با آدم (ع) فرود آمد بالا نرفت یعنی خدای تعالی اسباب باقی ماندن آن را در میان بشر به واسطه اولیای خود فراهم آورد.

در ابتدا، روایتی از امام صادق (ع) که جامع مطالبی است که درباره علم امام می بایست گفته شود، تقدیم می نمایم:

«أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَنِ مَسْأَلَةٍ... قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ هَذَا وَ اللَّهِ هُوَ الْعِلْمُ، قَالَ: إِنَّهُ لَعِلْمٌ وَ لَيْسَ بِذَلِكَ، قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ فَأَيُّ شَيْءٍ الْعِلْمُ؟ قَالَ: مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ الْأَمْرُ بَعْدَ الْأَمْرِ وَ الشَّيْءُ بَعْدَ الشَّيْءِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ!»

ابو بصیر گوید: خدمت امام صادق (ع) رسیدم و عرض کردم: قربانت گردم، از شما پرسشی دارم، آیا در اینجا کسی (نامحرم) هست که سخن مرا بشنود؟ امام

امامت حضرت مهدی (عج)

صادق (ع) پرده‌ای را که در میان آنجا و اتاق دیگر بود، بالا زد و آنجا سر کشید، سپس فرمود: «ای ابا محمد هر چه خواهی پرس»، عرض کردم: قربانت کردم، شیعیان حدیث می‌کنند که پیامبر (ص) به علی (ع) بابی از علم آموخت که از آن هزار باب علم گشوده گشت، فرمود: «ای ابامحمد پیامبر (ص) به علی هزار باب از علم آموخت که از هر باب آن هزار باب گشوده می‌شد، (مانند جزئیات و مصادیقی که بر قواعد کلی منطبق می‌شود) عرض کردم: به خدا که علم کامل و حقیقی این است، امام (ع) ساعتی (برای اظهار تفکر) به زمین اشاره کرد و سپس فرمود: «آن علم است ولی علم کامل نیست».

سپس فرمود: «ای ابامحمد! همانا جامعه نزد ماست، اما مردم چه می‌دانند جامعه چیست؟» عرض کردم: قربانت کردم، جامعه چیست؟ فرمود: «طوماری است به طول ۷۰ ذراع پیامبر (ص) به املائی زبانی آن حضرت و دست خط علی (ع)، تمام حلال و حرام و همه احتیاجات دینی مردم، حتی جریمه خراش در آن موجود است»، سپس با دست به بدن من زد و فرمود «به من اجازه می‌دهی، ای ابامحمد!» عرض کردم: من از آن شمایم هر چه خواهی بنما، آنگاه با دست مبارک مرا نشگون گرفت و فرمود:

«حتی جریمه این نیشگون در جامعه هست و حضرت خشمگین به نظر می‌رسید (مانند حالتی که طبعاً برای نیشگون گیرنده پیدا می‌شود) من عرض کردم به خدا که علم کامل این است، فرمود: «این علم است ولی باز هم کامل نیست»، آنگاه ساعتی سکوت نمود.

سپس فرمود: «همانا جعفر نزد ماست، مردم چه می‌دانند جعفر چیست؟» عرض کردم: جعفر چیست؟ فرمود: «مخزنی است از چرم، که علم انبیا و اوصیا و علم دانشمندان گذشته بنی اسرائیل در آن است». عرض کردم: همانا علم کامل این است، فرمود: «این علم است ولی علم کامل نیست»، باز ساعتی سکوت کرد.

سپس فرمود: «همانا مصحف فاطمه (س) نزد ماست، مردم چه می‌دانند، مصحف فاطمه (س) چیست؟»، عرض کردم: مصحف فاطمه (س) چیست؟ فرمود: «مصحفی است، سه برابر قرآنی که در دست شماست به خدا حتی یک حرف قرآن هم در آن نیست» (یعنی مطالبی که شما از ظاهر قرآن و تفسیر آن می‌فهمید در مصحف فاطمه (س) نیست، ولی از نظر تأویل و معنای باطنی قرآن که ما آن را می‌فهمیم، مصحف تفصیل قرآن است - مرآت -) عرض کردم: به خدا علم کامل این است.

فرمود: «این هم علم است ولی علم کامل نیست». آنگاه ساعتی سکوت نمود.

سپس فرمود: «علم گذشته و آینده تا روز قیامت نزد ماست». عرض کردم: به خدا علم کامل همین است، فرمود: «این هم علم است، ولی علم کامل نیست»، عرض کردم: قربانت گردم، پس علم کامل چیست؟ فرمود: «علمی است که در هر شب و روز راجع به موضوعی پس از موضوع دیگر و چیزی پس از چیز دیگر تا روز قیامت پدید آید».



در اینجا روایت زیبایی به نقل از امام صادق (ع) می آوریم که در آن به نکات بسیار مهمی درباره جایگاه امام (ع) و علم ایشان اشاره می کنند:

«عَنْ خَيْثَمَةَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): يَا خَيْثَمَةُ! نَحْنُ شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ وَبَيْتُ الرَّحْمَةِ وَمَفَاتِيحُ الْحِكْمَةِ وَمَعْدِنُ الْعِلْمِ وَمَوْضِعُ الرُّسَالَةِ وَمُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ وَمَوْضِعُ سِرِّ اللَّهِ وَنَحْنُ وَدِيعةُ اللَّهِ فِي عِبَادِهِ وَنَحْنُ حَرَمُ اللَّهِ الْأَكْبَرِ وَنَحْنُ ذِمَّةُ اللَّهِ وَنَحْنُ عَهْدُ اللَّهِ فَمَنْ وَفَى بِعَهْدِنَا فَقَدْ وَفَى بِعَهْدِ اللَّهِ وَمَنْ خَفَرَهَا فَقَدْ خَفَرَ ذِمَّةَ اللَّهِ وَ عَهْدَهُ!»

خیثمه گوید: امام صادق (ع) به من فرمود: ای خیثمه، ما درخت نبوت و خانه رحمت و کلید حکمت و کانون دانش و محل رسالت و آمد و شدگاه فرشتگان و محل راز خداییم، ما هستیم امانت خدا در میان بندگانش و ما هستیم حرم بزرگ خدا (پس رعایت و احترام ما از کعبه بیشتر است) ما هستیم امان خدا، ما هستیم پیمان خدا، هر که به پیمان ما وفا کند، به پیمان خدا وفا کرده و هر که با ما پیمان شکنی کند، پیمان و عهد خدا را شکسته است».



در روایت دیگری امام باقر (ع) بر وراثت علم امامان

تأکید می کنند و فرمودند:

«إِنَّ الْعِلْمَ الَّذِي نَزَلَ مَعَ آدَمَ (ع) لَمْ يُرْفَعْ وَالْعِلْمُ يُتَوَارَثُ وَكَانَ عَلَيَّ (ع) عَالِمٌ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَإِنَّهُ لَمْ يَهْلِكْ مِنَّا عَالِمٌ قَطُّ إِلَّا خَلَفَهُ مِنْ أَهْلِهِ مَنْ عِلْمٌ مِثْلَ عِلْمِهِ أَوْ مَا شَاءَ اللَّهُ!»

علمی که به آدم (ع) فروده آمده بالا نرفت و علم به ارث منتقل می شود و علی (ع) عالم این امت بود و هیچگاه عالمی از ما خانواده نمیرد، جز اینکه از خاندانش جانشین او شود، کسی که مانند علم او یا آنچه

خدا خواهد بداند».



و باز هم در این باره از امام رضا (ع) روایتی با مضمون

زیر نقل شده است که:

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ أَنَّهُ كَتَبَ إِلَيْهِ الرِّضَا (ع)، أَمَا بَعْدُ فَإِنَّ مُحَمَّدًا (ص) كَانَ أَمِينِ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ فَلَمَّا قُبِضَ (ص) كُنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَثَتَهُ، فَنَحْنُ أَمْنَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، عِنْدَنَا عِلْمُ الْبَلَايَا وَالْمَنَابِتِ وَأَنْسَابُ الْعَرَبِ وَ مَوْلِدُ الْإِسْلَامِ وَإِنَّا لَنَعْرِفُ الرَّجُلَ إِذَا رَأَيْنَاهُ بِحَقِيقَةِ الْإِيمَانِ وَ حَقِيقَةِ النُّفَاقِ وَإِنْ شِيعَتَنَا لَمَكْتُوبُونَ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ، أَخَذَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَ عَلَيْهِمِ الْمِيثَاقُ يَرُدُّونَ مَوْرِدَنَا وَ يَدْخُلُونَ مَدْخُلَنَا، لَيْسَ عَلَيَّ مِلَّةُ الْإِسْلَامِ غَيْرُنَا وَ غَيْرُهُمْ، نَحْنُ النُّجَبَاءُ النَّجَاةُ وَ نَحْنُ أَفْرَاطُ الْأَنْبِيَاءِ وَ نَحْنُ أَبْنَاءُ الْأَوْصِيَاءِ وَ نَحْنُ الْمَخْصُوصُونَ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ نَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِكِتَابِ اللَّهِ وَ نَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ نَحْنُ الَّذِينَ شَرَعَ اللَّهُ لَنَا دِينَهُ فَقَالَ فِي كِتَابِهِ: شَرَعَ لَكُمْ (يَا آلَ مُحَمَّدٍ) مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا (قَدْ وَصَّانَا بِمَا وَصَّى بِهِ نُوحًا) وَ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ (يَا مُحَمَّدُ) وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى (فَقَدْ عَلَّمْنَا وَ بَلَّغْنَا عِلْمَ مَا عَلَّمْنَا وَ اسْتَوْدَعْنَا عَلَيْهِمْ) نَحْنُ وَرَثَةُ أَوْلَى الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ) أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ (يَا آلَ مُحَمَّدٍ) وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ (وَ كُونُوا عَلَيَّ جَمَاعَةً) كَبُرَ عَلَيَّ الْمُشْرِكِينَ (مَنْ أَشْرَكَ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ) مَا

تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ (مِنْ وَلايَةِ عَلِيٍّ) (إِنَّ) اللهَ (يَا مُحَمَّدُ) يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ» مَنْ يُجِيبُكَ إِلَى وَلايَةِ عَلِيٍّ (ع)؛

از عبدالله بن جندب روایت شده که حضرت رضا (ع) به او نوشت: اما بعد همانا محمد (ص) امین خدا بود در میان خلقتش و چون آن حضرت (ص) در گذشت، ما خانواده وارث او شدیم، پس ما هستیم امین خدا در زمین، علم بلاها و مُردن‌ها و نژاد عرب و تولد اسلام نزد ماست (یعنی نژاد صحیح و فاسد عرب را می‌شناسیم و از محل تولد اسلام که دل انسان است آگاهیم) و چون هر مردی را ببینیم می‌شناسیم که او حقیقتاً مؤمن است یا منافق و نام شیعیان ما و نام پدرانشان، نزد ما ثبت است. خدا از ما و آنها پیمان گرفته (که ما رهبر آنها باشیم و آنها پیرو ما) بر سر هر آبی که ما وارد شویم آنها هم وارد شوند و در هر جا در آییم، در آیند (اشاره به حوض کوثر و بهشت و مقام علین دارد یا متابعت در مقام عمل را می‌رساند) جز ما و ایشان کسی در کیش اسلام نیست، ما ایم نجیب و رستگار و ما ایم بازماندگان پیغمبران و ما ایم فرزندان اوصیاء و ما در کتاب خدای عزوجل خصوصیت داریم و ما به قرآن سزاوارترین تا

امامت حضرت مهدی (عج)

مردم دیگر و ما به پیغمبر نزدیک‌تریم تا مردم دیگر و خدا دینش را برای ما مقرر داشته و در قرآنش فرموده «مقرر فرمود برای شما [ای آل محمد] از دین آنچه را که به نوح سفارش نمود [به ما سفارش کرد آنچه را به نوح سفارش کرد] و آنچه را به تو وحی کردیم [ای محمد] و آنچه را به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم [به ما آموخت و رسانید آنچه را باید بدانیم و علوم این پیغمبران را بما سپرد، ما وارث پیغمبران اولوالعزم هستیم] و آن سفارش این بود که دین را به پا دارید [ای آل محمد] در آن تفرقه نیندازید [و با هم متحد باشید] گران و ناگوار است بر مشرکان [آنها که به ولایت علی (ع) مشرک شدند] آنچه را بدان دعوتشان کنید [که ولایت علی (ع) است] همانا خدا [ای محمد] هدایت کند کسی را که به او رجوع کند» یعنی کسی که ولایت علی (ع) را از تو بپذیرد».



«الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): إِنَّ سُلَيْمَانَ وَرِثَ دَاوُدَ وَإِنَّ مُحَمَّدًا وَرِثَ سُلَيْمَانَ وَإِنَّا وَرِثْنَا مُحَمَّدًا وَإِنَّ عِنْدَنَا عِلْمَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَتَبْيَانِ مَا فِي الْأَنْوَاحِ قَالَ: قُلْتُ: إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْعِلْمُ؟ قَالَ: لَيْسَ هَذَا هُوَ الْعِلْمُ إِنَّ الْعِلْمَ الَّذِي يَخْدُثُ يَوْمًا

بَعْدَ يَوْمٍ وَ سَاعَةً بَعْدَ سَاعَةٍ؛^۱

مفضل بن عمر گوید: امام صادق (ع) فرمود: همانا سلیمان از داود ارث برد و محمد از سلیمان ارث برد و ما از محمد ارث بریم. علم تورات و انجیل و بیان آنچه در الواح (جناب موسی (ع)) بود نزد ماست. عرض کردم: علم کامل همین است؟ فرمود: این علم کامل نیست، همانا علم کامل آن است که روز به روز و ساعت به ساعت پدید می آید».

گویا علمی که روز به روز و ساعت به ساعت برای امام پدید می آید، همان الهاماتی است که از نظر مسائل روز و مقتضیات زمان از جانب خدای متعال به قلب امام افاضه می شود و تفصیل مطالبی را که از پیغمبر و امام سابق سر بسته گرفته است، در می یابد و دستور اجرای علوم و قوانین تصویب شده را اخذ می کند و به مقتضای لطف و عنایتی که خدای تعالی نسبت به ایشان دارد، در هر ساعت و هر روز علم خود را به آنها افاضه می کند تا از تمام مردم زمان خویش اعلم باشند.

اگر به مقتضای قانون تکامل دانش انسان در ترقی باشد، امامان و پیشوایان بشر به این امتیاز سزاوارترند، اشاره به

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲۶.

امامت حضرت مهدی (عج)

داود و سلیمان از میان پیغمبران، به جهت تفسیر سوره نمل آیه ۱۶ است: «سلیمان از داود ارث برد».

«أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قَالَ لِي: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يُعْطِ الْأَنْبِيَاءَ شَيْئًا إِلَّا وَقَدْ أُعْطِيَ مُحَمَّدًا (ص) قَالَ: وَقَدْ أُعْطِيَ مُحَمَّدًا جَمِيعَ مَا أُعْطِيَ الْأَنْبِيَاءَ وَعِنْدَنَا الصُّحُفُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى»^۱ قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ هِيَ الْأَلْوَاحُ؟ قَالَ نَعَمْ!»^۲

ابوبصیر گوید: امام صادق (ع) به من فرمود: ای ابامحمد خدای عزوجل چیزی به پیغمبران عطا نفرمود، جز آنکه آن را به محمد (ص) عطا کرد و همه آنچه را به پیغمبران داد، به محمد هم عطا فرمود و آن صحیفی که خدای عزوجل فرماید «صحف ابراهیم و موسی» نزد ماست، عرض کردم: آن صحف همان الواحست؟ فرمود: بلی».

«أَبَا جَعْفَرٍ (ع) يَقُولُ: مَا ادَّعَى أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ أَنَّهُ جَمَعَ الْقُرْآنَ كُلَّهُ كَمَا أَنْزَلَ إِلَّا كَذَابٌ وَ مَا جَمَعَهُ وَ حَفِظَهُ كَمَا نَزَّلَهُ اللَّهُ تَعَالَى إِلَّا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (ع) وَ الْأَئِمَّةُ مِنْ بَعْدِهِ (ع)»^۳

۱. سوره اعلی، آیه ۱۹.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲۷.

۳. همان، ج ۱، ص ۳۲۲.

امام باقر (ع) فرمودند: جز دروغگو هیچ کس از مردم ادعا نکند که تمام قرآن را چنان که نازل شده، جمع کرده است و کسی جز علی بن ابی طالب و امامان پس از وی آن را چنان که خدای تعالی فرستاده، جمع و نگهداری نکرده اند».



امام باقر (ع) در روایتی آنچه از اسم اعظم خدا به ائمه (ع)

عطا شده است را به شرح زیر بیان فرمودند:

«أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: إِنَّ اسْمَ اللَّهِ الْأَعْظَمَ عَلَى ثَلَاثَةِ وَسَبْعِينَ حَرْفًا وَإِنَّمَا كَانَ عِنْدَ آصَفٍ مِنْهَا حَرْفٌ وَاحِدٌ فَتَكَلَّمَ بِهِ فَخَسَفَ بِالْأَرْضِ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ سَرِيرِ بَلْقِيسَ حَتَّى تَنَاولَ السَّرِيرَ بِيَدِهِ ثُمَّ عَادَتْ الْأَرْضُ كَمَا كَانَتْ أَسْرَعَ مِنْ طَرْفَةِ الْعَيْنِ وَنَحْنُ عِنْدَنَا مِنَ الْإِسْمِ الْأَعْظَمِ اثْنَانِ وَسَبْعُونَ حَرْفًا وَحَرْفٌ وَاحِدٌ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى اسْتَأْثَرَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ؛ اسم اعظم خدا هفتاد و سه حرف است و تنها یک حرف نزد آصف بود. آصف آن یک حرف را گفت و زمین میان او و تخت بلقیس در هم نوردید تا او تخت را به دست گرفت، سپس زمین به حالت اول بازگشت و این عمل در کمتر از یک چشم به هم زدن انجام شد و ما هفتاد

امامت حضرت مهدی (عج)

و دو حرف از اسم اعظم را داریم و یک حرف هم نزد خداست که آن را در علم غیب برای خود مخصوص ساخته و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم.

در این باره امام صادق (ع) هم فرمودند:

«أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: إِنَّ عَيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ (ع) أُعْطِيَ حَرْفَيْنِ كَانِ يَفْعَلُ بِهِمَا وَ أُعْطِيَ مُوسَى أَرْبَعَةَ أَحْرُفٍ وَ أُعْطِيَ إِبْرَاهِيمُ ثَمَانِيَةَ أَحْرُفٍ وَ أُعْطِيَ نُوحٌ خَمْسَةَ عَشَرَ حَرْفًا وَ أُعْطِيَ آدَمُ خَمْسَةَ وَ عِشْرِينَ حَرْفًا وَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمَعَ ذَلِكَ كُلَّهُ لِمُحَمَّدٍ (ص) وَ إِنَّ اسْمَ اللَّهِ الْأَعْظَمَ ثَلَاثَةٌ وَ سَبْعُونَ حَرْفًا، أُعْطِيَ مُحَمَّدٌ (ص) اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ حَرْفًا وَ حُجِبَ عَنْهُ حَرْفٌ وَاحِدٌ!»

به عیسی بن مریم دو حرف داده شد که با آنها کار می کرد و به موسی چهار حرف و به ابراهیم هشت حرف و به نوح پانزده حرف و به آدم بیست و پنج حرف داده شد و خدای تعالی تمام این حروف را برای محمد (ص) جمع فرمود، همانا اسم اعظم خدا هفتاد و سه حرف است و هفتاد و دو حرف آن به محمد (ص) داده شد و یک حرف از او پنهان شد.

«أَسْبَاطُ بِيَاعِ الرُّطَى قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَسَأَلَهُ رَجُلٌ
عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ وَإِنَّهَا
لِلسَّبِيلِ مَقِيمٌ»^۱ قَالَ: فَقَالَ: نَحْنُ الْمُتَوَسِّمُونَ وَالسَّبِيلُ فِينَا مُقِيمٌ؛
اسباط گویند: خدمت امام صادق (ع) بودم که مردی از آن
حضرت راجع به قول خدای عزوجل «برای باریک بینان
در آن امر نشانه‌هاست و آن قریه در راهی پابرجاست».
سؤال کرد، حضرت فرمود: «ماییم باریک‌بینان و آن راه
در خاندان ما پابرجاست».^۲



«الْحَارِثُ بْنُ الْمُغِيرَةِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: «لَمْ يَتْرِكْ
اللَّهُ جُلًّا وَعَزًّا الْأَرْضَ بِغَيْرِ عَالِمٍ يَحْتَاجُ النَّاسَ إِلَيْهِ، وَلَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِمْ
يَعْلَمُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ، قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ بِمَاذَا يَعْلَمُ؟ قَالَ: بِوَرَاثَةِ مَنْ
رَسُولِ اللَّهِ، وَمِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا»^۳

حارث بن مغیره گویند: از امام صادق (ع) شنیدم که
می‌فرمود: خدای تعالی زمین را بدون امامی که مردم بدو
نیازمندند رها نساژند و او در علم حلال و حرام نیازمند
آنها نباشد، گفتم: فدای شما شوم! علم او از کجاست؟

۱. سوره حجر، آیات ۷۵ و ۷۶.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۱۶.

۳. همان، ج ۱، صص ۴۲۵ - ۴۲۴.

فرمود: به وراثتی از جانب رسول خدا و علی بن ابی طالب صلوات الله علیهما».

«عمر بن سالم صاحب السابری قال: «سألت أبا عبد الله (ع) عن هذه الآية: «أصلها ثابت و فرعها فی السماء»^۱ قال: أصلها رسول الله (ص) و فرعها أمير المؤمنين (ع)، و الحسن و الحسين علیهما السلام ثمرها، و تسعة من ولد الحسين أغصانها، و الشیعة ورقها، و الله إن الرجل منهم لیثوت فتسقط ورقة من تلك الشجرة قلت: قوله عز وجل: «تؤتی أكلها کل حین یرید ربها»^۲ قال: ما یرج من علم الإمام إلیکم فی كل سنة من حج و عمرة»^۳

عمر بن سالم گوید: از امام صادق (ع) از معنی این آیه پرسش کردم: «أصلها ثابت و فرعها فی السماء» فرمود: «اصل آن رسول خدا (ص) و فرع آن امیرالمؤمنین (ع) و میوه آن حسن و حسین (ع) و شاخه های آن ائمه نه گانه از فرزندان حسین (ع) و برگ های آن شیعیان اند، به خدا سوگند مردی از آنها که می میرد، برگی از آن درخت فرو می افتد. گفتم: معنای این سخن او چیست که می فرماید:

۱. سوره ابراهیم، آیه ۲۴.

۲. سوره ابراهیم، آیه ۲۵.

۳. صدوق، محمد، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، صص ۲۰-۲۱.

«تُوتَى أَكُلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا»؟ فرمود: آنچه که هر سال از علم امام در حج و عمره به شما می‌رسد.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«أَلَا إِنَّ أْبْرَارَ عِثْرَتِي، وَأَطْيَابَ أُرُومَتِي، أَحْكَمَ النَّاسِ صِفَارًا، وَأَعْلَمَ النَّاسِ كِبَارًا. أَلَا وَإِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ مِنْ عِلْمِ اللَّهِ عَلِمْنَا، وَبِحُكْمِ اللَّهِ حُكْمْنَا، وَمِنْ قَوْلٍ صَادِقٍ سَمِعْنَا. فَإِنْ تَبِعُوا آثَارَنَا تَهْتَدُوا بِبَصَائِرِنَا، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا يَهْلِكْكُمْ اللَّهُ بِأَيْدِينَا. مَعَنَا رَايَةُ الْحَقِّ، مَنْ تَبِعَهَا لِحَقِّ، وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا غَرِقَ. أَلَا وَبِنَا يُدْرِكُ تِرَةً كُلِّ مُؤْمِنٍ، وَبِنَا تُخْلَعُ رِبْقَةُ الذُّلِّ مِنْ أَعْنَاقِكُمْ، وَبِنَا يُفْتَحُ لَكُمْ، وَمِنَّا يُخْتَمُ لَا مِنْكُمْ؛

نیکان عثرت من و پاکان بستگان من، در کودکی حکیم‌ترین مردمان و در بزرگی داناترین آنها هستند. آگاه باشید که ما خاندانی هستیم که از علوم خدا به ما تعلیم داده شده و از حکمت خدا به ما عطا شده و از صادق مصدق فرا گرفتیم. اگر از آثار ما پیروی کنید با بصیرت‌های ما هدایت می‌شوید و اگر از ما پیروی نکنید به دست ما هلاک می‌شوید. پرچم حق با ماست، کسی که با آن همراهی کند به حق می‌رسد و کسی که از آن عقب بماند غرق می‌شود. انتقام هر مؤمنی به دست ما

امامت حضرت مهدی (عج)

گرفته می شود و طوق ذلت و زبونی به دست ما از گردن
شما برداشته می شود. آغاز و انجام (هر خیری) به دست
ماست نه دیگری!»

حضرت حجّت (عج) می فرمایند:

وَجَعَلَهُمْ خُزَّانَ عِلْمِهِ وَ مُسْتَوْدِعَ حِكْمَتِهِ وَ مَوْضِعَ سِرِّهِ، وَ أَيْدَهُمْ
بِالدَّلَائِلِ. وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَكَانَ النَّاسُ عَلَى سَوَاءٍ، وَ لَا دَعَى أَمْرَ اللَّهِ
عَزَّ وَ جَلَّ كُلُّ وَاحِدٍ، وَ لَمَّا عُرِفَ الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ، وَ لَا الْعَالَمُ مِنَ
الْجَاهِلِ. حَفِظَ اللَّهُ الْحَقَّ عَلَى أَهْلِهِ وَ أَقْرَهُ فِي مُسْتَقَرِّهِ... وَ إِذَا أُذِنَ
لَنَا فِي الْقَوْلِ ظَهَرَ الْحَقُّ وَ اضْمَحَلَّ الْبَاطِلُ وَ انْحَسَرَ عَنْكُمْ، وَ إِلَى
اللَّهِ أَرْغَبُ فِي الْكِفَايَةِ وَ جَمِيلِ الصَّنْعِ وَ الْوِلَايَةِ؛

خداوند [امامان (ع)] را خزینه های علوم خود قرار داد.
حکمت خود را به آنها آموخت و اسرار خود را در نزد
آنها به ودیعت نهاد و آنها را با دلایل و بیانات تأیید نمود.
اگر این دلایل آشکار نبود، همگی در آن برابر می شدند
و هر کسی ادعای امامت و رهبری امت را می کرد، دیگر
حق و باطل شناخته نمی شد، عالم و جاهل از یکدیگر
تشخیص داده نمی شدند. خداوند با این معجزات باهرات
حق را در اهل حق محفوظ ساخت و آن را در محل خود

۱. منتخب الاثر، ص ۱۵۱.

چهل حدیث

استقرار داد. هنگامی که به ما اجازه ظهور داده شود، حق آشکار و باطل ریشه کن خواهد شد. از خدا می‌خواهم که این مهم را به دست با کفایت ما انجام دهد و به ما حسن عمل عنایت فرماید تا وظیفه ولایت را به بهترین وجه ادا نماییم.^۱

۱. غیبت شیخ طوسی، ص ۱۷۵.

■ نسبت ائمه و اهل بیت با قرآن کریم

از ویژگی‌های دیگر امامان معصوم (ع) که حضرت نبی اکرم (ص) در زمان حیاتشان سعی داشتند آن را به عنوان یک ودیعه گرانبها در بین امت به امانت بسپارند تا به وسیله آن هدایت به خیر گردند و از گذرگاه‌های خطرناک فتنه و بلا همچون واقعه شوم سقیفه عبور کنند، بیان شباهت و نسبت بین ائمه (ع) و قرآن کریم بود. پیامبر عزیز اسلام با علم بر فتنه‌های دشمنان دوست‌نمای بین مسلمانان راه نجات امت خود را در دو چیز منحصر کردند:

«کلام وحی» و «اهل بیت رحمت» که امامان دوازده گانه از آنان‌اند.

بر این اساس روایت‌هایی را تقدیم می‌نماییم:

«زید بن ارقم قال: رسول الله (ص): «إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي - اهل بيتي - فإنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض!»

۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۴۴۲.

زید بن ارقم روایت کند که رسول اکرم (ص) فرمود: من در میان شما دو شیء نفیس و گرانبها را به جا می‌گذارم که آن دو، کتاب خدا و عترتم - اهل بیتم - هستند و آن دو از یکدیگر جدا نشوند تا آنکه در حوض کوثر بر من در آیند.

«أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: «رَسُولُ اللَّهِ (ص)، أَنِّي تَارِكٌ قَدْ خَلَفْتُ فِيكُمْ شَيْئَيْنِ، لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَبَدًا مَا أَخَذْتُمْ بِهِمَا وَعَمِلْتُمْ بِمَا فِيهَا: كِتَابَ اللَّهِ وَ سُنَّتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ؛^۱»

ابو هریره از رسول خدا (ص) روایت کند که فرمود: من در میان شما دو شیء را جانشین ساختم؛ مادام که آن دو را بگیرید و بدانها عمل کنید گمراه نخواهید شد، کتاب خدا و سنتم و آن دو از یکدیگر جدا نشوند تا آنکه در سر حوض کوثر بر من در آیند.

«أَبِي سَعِيدٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا: كِتَابَ اللَّهِ جَلًّا وَ عِزًّا حَبْلٌ مَمْدُودٌ، وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي، وَ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ؛^۲»

ابوسعید گوید: رسول خدا (ص) فرمود: من در بین شما

۱. همان، ج ۱، صص ۴۴۴.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۴۴.

امامت حضرت مهدی (عج)

چیزی را باقی می گذارم که اگر به آن متمسک شوید
گمراه نخواهید شد: کتاب خدای تعالی که رشته‌ای است
که بین آسمان و زمین کشیده شده است و عترتم که
همان اهل بیت من است و آن دو از یکدیگر جدا نشوند
تا آنکه در سر حوض کوثر بر من در آیند».

«حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْفَضْلِ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَمْرٍ وَصَاحِبَ
أَبِي الْعَبَّاسِ ثَعْلَبَ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبَا الْعَبَّاسِ ثَعْلَبَ سُئِلَ عَنْ مَعْنَى
قَوْلِهِ (ص): «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ» لِمَ سُمِّيَا الثَّقَلَيْنِ؟ قَالَ: لِأَنَّ
التَّمَسُّكَ بِهِمَا ثَقِيلٌ!»

علی بن فضل بغدادی گوید از ابو عمرو و همنشین ابوالعباس
ثعلب پرسیدند که در کلام رسول اکرم (ص) که فرمود
«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ» چرا آن دو را ثقلین نامیده‌اند؟
گفت: «به دلیل آنکه تمسک به آن دو سنگین است».

«حَنَسُ بْنُ الْمُعْتَمِرِ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا ذَرٍّ الْغِفَارِيَّ رَحِمَهُ اللَّهُ أَخِذًا بِخَلْقَةِ
بَابِ الْكَعْبَةِ وَهُوَ يَقُولُ: أَلَا مَنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفَنِي وَمَنْ لَمْ يَعْرِفَنِي
فَأَنَا أَبُو ذَرٍّ جُنْدَبُ بْنُ السَّكَنِ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: «إِنِّي
خَلَفْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي - أَهْلَ بَيْتِي - وَإِنَّهُمَا لَنْ

۱. همان، ج ۱، ص ۴۴۵.

يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ أَلَا وَإِنَّ مَثَلَهُمَا فِيكُمْ كَسَفِينَةِ نُوحٍ،
مَنْ رَكِبَ فِيهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ؛^۱

حنس بن معتمر گوید: ابوذر غفاری رحم الله را دیدیم که حلقه در کعبه را گرفته و می گفت: «هر که مرا می شناسد که می شناسد و هر که مرا نمی شناسد بداند که من ابوذر جنذب بن سکن هستم، از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود: من در میان شما دو شیء نفیس گذاردم: کتاب خدا و عترتم - اهل بیتم - و آن دو از یکدیگر جدا نشوند تا آنکه در حوض کوثر بر من در آیند، بدانید که مثل آن دو مانند کشتی نوح است که هر که بر آن سوار شود نجات یابد و هر که از آن تخلف ورزد غرق شود».

«سَلِيمُ بْنُ قَيْسِ الْهَلَالِيُّ، عَنِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَنَّهُ قَالَ: «أَبِي طَالِبٍ (ع)»
قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى طَهَّرَنَا وَعَصَمَنَا وَجَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَى
خَلْقِهِ وَحُجَجًا فِي أَرْضِهِ، وَجَعَلَنَا مَعَ الْقُرْآنِ، وَجَعَلَ الْقُرْآنَ مَعَنَا،
لَا نُفَارِقُهُ وَلَا يُفَارِقُنَا؛^۲

سلیم بن قیس از امیرالمؤمنین علی (ع) روایت کند که فرمود: خدای تعالی ما را پاکیزه ساخت و حفظ نمود و

۱. همان، ج ۱، ص ۴۵۰.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۵۲.

امامت حضرت مهدی (عج)

ما را گواهان بر خلقتش قرار داد و حجت‌های زمین نمود
و ما را همراه قرآن قرار داد و قرآن را همراه ما کرد، ما
از قرآن جدا نشویم و آن نیز از ما جدا نشود».

«الصَّادِقُ جَعْفَرُ ابْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنِ أَبِيهِ عَلِيٍّ
بِْنِ الْحُسَيْنِ، عَنِ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) «قَالَ: سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ مَعْنَى قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ (ص): «إِنِّي مُخَلَّفٌ فِيكُمْ
الْثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي» مِنَ الْعِترَةِ؟ فَقَالَ: أَنَا وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ
وَ الْاِئِمَّةُ التِّسْعَةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تَأْسِيعُهُمْ مَهْدِيَّهُمْ وَ قَائِمُهُمْ، لَا يُفَارِقُونَ
كِتَابَ اللَّهِ وَ لَا يُفَارِقُهُمْ حَتَّى يَرِدُوا عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ (ص) حَوْضُهُ»

امام صادق (ع) از پدرانش روایت کند که از علی (ع) در
معنی این کلام رسول خدا (ص) که «من دو شیء نفیس
در میان شما نهادم کتاب خدا و عترتم» پرسیدند که
«عترت چه کسانی هستند؟» فرمود: «من و حسن و حسین
و ائمه نه گانه که از فرزندان حسین هستند و نهمین آنها
مهدی و قائم آنهاست از کتاب خدا جدا نشوند و کتاب
خدا نیز از آنها جدا نشود تا آنکه بر رسول خدا (ص) در
حوض کوثر در آیند».

«سَلِيمُ بْنُ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيًّا (ع) يَقُولُ: «مَا تَزَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) آيَةً مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا أَقْرَأْنِيهَا وَأَمْلَاهَا عَلَيَّ وَكَتَبْتُهَا بِخَطِّي، وَعَلَّمَنِي تَأْوِيلَهَا وَتَفْسِيرَهَا، وَنَاسِخَهَا وَمَنْسُوخَهَا، وَمُحْكَمَهَا وَمُتَشَابِهَهَا... وَاللَّهُ يَا أَخَا بَنِي هِلَالٍ - مَهْدِيَّ أُمَّتِي مُحَمَّدَ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا، وَاللَّهُ إِنِّي لَأَعْرِفُ مَنْ يُبَايِعُهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَأَعْرِفُ أَشْمَاءَ آبَائِهِمْ وَقَبَائِلِهِمْ!»

سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ هَلَالِيِّ گویند: از علی (ع) شنیدم که می فرمود: هیچ آیه ای از قرآن بر رسول خدا (ص) نازل نشد، جز آنکه آن را بر من إقراء و إملا فرمود و من آن را با خط خود نوشتم و تأویل و تفسیر و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه آن را به من آموخت و از خدای تعالی خواست که فهم و حفظ آن را به من تعلیم دهد و هیچ آیه ای از کتاب خدا را فراموش نکردم و هیچ علمی را که بر من املا فرمود و من آن را نوشتم از یاد نبردم و هر چه که خدای تعالی به او آموخته بود از حلال و حرام و امر و نهی و آنچه که بوده و خواهد بود از طاعت و معصیت همه را به من آموخت و من آن را حفظ نمودم و حتی یک حرف آن را فراموش نکردم، سپس دست خود

امامت حضرت مهدی (عج)

را بر سینه‌ام نهاد و از خدای تعالی خواست که قلبم را از علم و فهم و حکمت و نور آکنده سازد، چیزی از آنها را فراموش نکردم و آنچه را هم که ننوشتم از من فوت نشد، گفتم: ای رسول خدا! آیا می‌ترسی که در آینده فراموش کنم؟ فرمود: «بر تو از نسیان و نادانی نمی‌هراسم در حالی که پروردگارم به من خبر داده است که دعای مرا در حق تو و شریکانت که پس از تو خواهند بود اجابت کرده است»، گفتم: ای رسول خدا! شریکان من که پس از من خواهند بود چه کسانی هستند؟ فرمود: «کسانی که خدای تعالی آنان را قرین خود و من ساخته و فرموده است: اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم». گفتم: ای رسول خدا آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: آنان اوصیای من هستند تا آنکه در حوض کوثر بر من در آیند، همه آنان هادی و مهتدی هستند، هر که آنان را فرو گذارد بدیشان ضرر نرساند، ایشان با قرآن هستند و قرآن نیز با آنان و از ایشان مفارقت نکند آنان نیز از قرآن جدا نشوند، به واسطه آنان امت یاری شوند و باران بر آنها بیارد و بلا از ایشان دفع گردد و دعایشان مستجاب گردد».

گفتم: ای رسول خدا! نامشان را برایم بازگو، فرمود: این

«فرزندم - و دست بر سر حسن گذاشت - سپس این فرزندم - و دستش را بر سر حسین نهاد - سپس او که بدو علی می گویند و در حیات تو متولد می شود و سلام مرا به او برسان.» سپس آنان را تا دوازده کامل گردانید، گفتم: ای رسول خدا پدر و مادرم فدای شما باد! نام ایشان را یکان یکان برآیم بازگو. همه را یکان یکان برآیم نام برد. و - به خدا سوگند ای اخابنی هلال - فرمود: «مهدی این امت در میان ایشان محمدی است که زمین را از عدل و داد آکنده سازد، همچنان که از ظلم و جور پر شده باشد، به خدا سوگند من کسانی را که در میان رکن و مقام با او بیعت کنند می شناسم و اسامی پدران و قبایلشان را نیز می دانم.»

«عَنْ عَلِيٍّ (ع) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «الْأئِمَّةُ اثْنَا عَشَرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي أَعْطَاهُمُ اللَّهُ تَعَالَى فَهْمِي وَعِلْمِي وَحُكْمِي، وَخَلَقَهُمْ مِنْ طِينَتِي، فَوَيْلٌ لِلْمُتَكَبِّرِينَ عَلَيْهِمْ بَعْدِي، الْقَاطِعِينَ فِيهِمْ صَلَاتِي، مَا لَهُمْ لَا أَنَا لَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِي!»

از علی (ع) روایت است که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: «امامان، دوازده تن هستند و همه از اهل بیت من

امامت حضرت مهدی (عج)

هستند خدای تعالی فهم و علم و حکمت مرا به آنان اعطا
فرموده و ایشان را از طینت من آفریده است، پس وای
بر کسانی که پس از من بر آنان تکبر کنند و پیوند مرا در
میان ایشان قطع کنند آنها را چه می شود؟ خدا شفاعت
مرا شامل حالشان نگرداند!»

■ حجت خدا بر خلق

از دیگر ویژگی‌های امامان معصوم ما حجت بودن آنان بر پندگان است. از کلمه حجت به معنای دلیل و برهان تعبیر می‌شود، اما آنچه که در نزد پروردگار عظیم الشان است و در تعابیر ائمه (ع) و روایت‌هایشان نقل گردیده است، چیزی فراتر از دلیل و برهان است.

حجت به معنای دلیل خدا برای برپا نگه داشتن زمین و همه آنچه که بر روی آن است؛

حجت به معنای دلیل خدا برای ادامه خلق و ایجاد؛

حجت به معنای دلیل خدا برای ادامه فیض و رحمت و برکاتش بر پندگان؛

حجت به معنای ادامه و استمرار حیات تا زمان مقرر؛

حجت به معنای دلیل خدا برای بخشش پندگان و

آمرزش آنان؛

و حجت به معنای...

امامت حضرت مهدی (عج)

گرچه بحث حجّت، موضوع بسیار مهمی در ساختن اساس اعتقادات ماست، اما در اینجا ما ناگزیریم به طور اختصار تنها چند روایت در این باره نقل کنیم:

«عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ أَبِيهِ، عَنِ آبَائِهِ (ع) «قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): حَدَّثَنِي جِبْرِئِيلُ عَنْ رَبِّ الْعِزَّةِ جَلَّ جَلَالُهُ أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ عَلِمَ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَخَدَى، ... وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ أَنْكَرَنِي، بِهِمْ يُمَسِّكُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَبِهِمْ يَحْفَظُ اللَّهُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا!»

امام صادق (ع) از پدران بزرگوارشان از رسول خدا (ص) روایت کند که فرمود: جبرئیل از ربّ العزّة جلّ جلاله برایم حدیث کرد که فرمود: «هر کس بداند که هیچ معبودی جز من نیست و محمد بنده و فرستاده من است و علی بن ابی طالب جانشین من است و ائمه‌ای که از فرزندان او هستند حجّت‌های منند، او را به رحمت خود به بهشت داخل می‌سازم و به عفو خود او را از آتش نجات می‌بخشم و همسایگی خود را برای او مباح می‌گردانم و کرامتم را بر او واجب می‌گردانم و نعمتم را بر او تمام ساخته و او را از خاصان و خالصان خود قرار می‌دهم، اگر مرا ندا کند به او لبیک می‌گویم و اگر

۱. همان، ج ۱، صص ۴۸۷ - ۲۸۴.

مرا بخواند اجابتش می‌کنم و اگر از من درخواست کند
 به او می‌بخشیم و اگر خاموش باشد به او ابتدا می‌کنم
 و اگر بد کند به او رحمت می‌آورم و اگر از من فرار
 کند او را می‌خوانم و اگر بازگردد او را می‌پذیرم و اگر
 در خانه‌ام را بکوبد آن را می‌گشایم و هر کس گواهی
 ندهد که من معبود یکتا هستم یا بدان شهادت دهد، اما
 گواهی ندهد که محمد بنده و رسول من است یا بدان
 شهادت دهد، اما گواهی ندهد که علی بن ابی طالب
 جانشین من است یا بدان شهادت دهد، اما گواهی ندهد
 که امامان از فرزندان او حجت‌های من هستند به تحقیق
 که چنین شخصی نعمت مرا انکار کرده و عظمت مرا
 کوچک شمرده و به آیات و کتاب‌های من کافر شده
 است و اگر قصد مرا کند، محجوبش می‌کنم و اگر از من
 درخواست کند، محرومش می‌سازم و اگر مرا ندا کند
 ندایش را نمی‌شنوم و اگر مرا بخواند دعایش را استجابت
 نمی‌سازم و اگر به من امید بندد ناامیدش می‌گردانم
 و این جزای او از جانب من است و من هرگز به
 بندگانم ستم نمی‌کنم.

آنگاه جابر بن عبدالله انصاری از جا برخاست و گفت:
 «ای رسول خدا! ائمه از فرزندان علی بن ابی طالب

امامت حضرت مهدی (عج)

چه کسانی هستند؟» فرمود: حسن و حسین، سید
جوانان بهشت، سپس سیدالعابدین در زمانش علی بن
الحسین، سپس محمد بن علی الباقر - و تو ای جابر او
را درک می کنی و آن هنگام که او را دیدی، سلام مرا
بدو برسان - سپس جعفر بن محمد الصادق، سپس
موسی بن جعفر الکاظم، سپس علی بن موسی الرضا،
سپس محمد بن علی التقی، سپس علی بن محمد النقی،
سپس حسن بن علی الزکی، سپس فرزند او قائم به حق،
مهدی امّت، کسی که زمین را پر از عدل و داد نماید،
همان گونه که پر از جور و ظلم شده باشد، ای جابر!
آنان جانشینان و اوصیاء و اولاد و عترت من هستند،
کسی که ایشان را اطاعت کند، مرا اطاعت کرده است
و کسی که از آنان سرپیچی کند، مرا سرپیچی کرده
است و کسی که ایشان را یا یکی از آنان را انکار کند،
مرا انکار کرده است، به واسطه ایشان است که خداوند
آسمان را نگاه داشته که بر زمین نیفتد، مگر به اذن او
و به سبب ایشان است که خداوند زمین را حفظ کرده
که اهلش را نلرزاند».



«سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ (ره) قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ (ص) فَإِذَا الْحُسَيْنُ
 بْنُ عَلِيٍّ عَلَى فَخِذِهِ، وَهُوَ يَقْبَلُ عَيْنَيْهِ وَيَلْتِمُ فَاَهُ وَيَقُولُ: أَنْتَ سَيِّدُ
 ابْنِ سَيِّدٍ أَنْتَ إِمَامٌ ابْنُ إِمَامٍ، [أَخُو إِمَامٍ] أَبُو أُمَّةٍ، أَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ بْنِ
 حُجَّتِهِ وَ أَبُو حَجَّجٍ تِسْعَةَ مِئَاتٍ مِنْ صُلْبِكَ، تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ؛^۱

سلمان فارسی گوید: بر پیامبر اکرم (ص) وارد شدم
 و حسین بن علی بر دامنش بود و او دو چشمش را
 می بوسید و دهانش را می مکید و می فرمود: تو سروری و
 پسر سرورا! تو امامی و فرزند امام! تو برادر امامی و پدر
 امامان! تو حجت الهی و پدر حجت های نه گانه ای که از
 صلب توست و نهمین آنها قائم ایشان است».

امیر مؤمنان، علی (ع) فرمودند:

«بِمَهْدِينَا تَنْقَطِعُ الْحُجَجُ، فَهِيَ خَاتِمُ الْأُمَمِ، وَ مَنْقِذُ الْأُمَّةِ، وَ مُنْتَهَى
 النُّورِ وَ غَامِضُ السُّرِّ، فَلْيَهْنَأْ مَنْ اسْتَمْسَكَ بِعُرْوَتِنَا، وَ حُشِرَ عَلَيَّ
 مَحَبَّتِنَا؛^۲

به سبب مهدی ما، حجت ها تمام می شود؛ و همو آخرین
 امامان، رهایی بخش امت، نهایت نور و راز پوشیده است.
 هر کس به ریسمان ما چنگ زند، شادمان باشد و در

۱. همان، ج ۱، صص ۴۹۳-۴۹۴.

۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۳۰۲.

امامت حضرت مهدی (عج)

قیامت با مهر و محبت ما برانگیخته شود.»

«نجات بخشی امت» تاج افتخاری است که خدای عزوجل منحصرأ بر تارک گرامی چهارده نفس گران بها نهاده است. نور این چهارده نور پاک بر تارک خاکیان می درخشید و همین درخشش، راه هدایت و نجات را به رهجویان می نمایاند.

اینانند، جبل الله المتین و عروة الوثقی که خدای منان برای رهایی امت از فتنه و ضلالت، برگزیده و راه رهایی را به پیروی از این بزرگواران پاک نهاد منحصر کرده است.



«سَلِيمُ بْنُ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى طَهَّرَنَا وَعَصَمَنَا وَجَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَحُجَجًا فِي أَرْضِهِ، وَجَعَلَنَا مَعَ الْقُرْآنِ، وَجَعَلَ الْقُرْآنَ مَعَنَا، لَا نَفَارِقُهُ وَلَا يُفَارِقُنَا!»

سلیم بن قیس از امیرالمؤمنین علی (ع) روایت کند که فرمود: خدای تعالی ما را پاکیزه ساخت و حفظ نمود و ما را گواهان بر خلقش قرار داد و حجت های زمین نمود و ما را همراه قرآن قرار داد و قرآن را همراه ما کرد، ما

۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲۵۲ - ۱.

از قرآن جدا نشویم و آن نیز از ما جدا نشود».

«یزید الکناسی قال: قال أبو جعفر (ع): «لَیسَ تَبْقَى الْأَرْضُ يَا أَبَا خَالِدٍ يَوْمًا وَاحِدًا بِغَيْرِ حُجَّةٍ لِّلَّهِ عَلَى النَّاسِ، وَ لَمْ تَبَقْ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ جَلًّا وَ عَزًّا آدَمَ (ع) وَ أَسَكَّنَهُ الْأَرْضَ؛^۱

یزید کناسی از امام باقر (ع) روایت کند که فرمود: ای ابا خالد! زمین حتی یک روز بدون آنکه حجت خدا بر مردم در آن باشد، باقی نمی ماند و از زمانی که خدای تعالی آدم (ع) را آفرید و او را در زمین ساکن ساخت، چنین بوده است».

«أبي عبد الله (ع) في حديث له في الحسين بن علي (ع) أنه قال في آخره: «وَلَوْ لَا مَنْ عَلَى الْأَرْضِ مِنْ حُجَجِ اللَّهِ لَنَفَضَتِ الْأَرْضُ مَا فِيهَا، وَ أَلْقَتْ مَا عَلَيْهَا، إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو سَاعَةً مِنَ الْحُجَّةِ؛^۲

امام صادق (ع) در پایان حدیثی که درباره امام حسین (ع) است، چنین فرمودند: اگر حجت های خداوند در زمین نباشند، زمین ساکنانش را بلرزاند و آنچه بر آن است

۱. همان، ج ۱، ص ۴۴۱.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۸۵.

امامت حضرت مهدی (عج)

بیفکنند زمین ساعتی خالی از حجت نخواهد بود».

«حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ زِيَادٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: «أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ أَنْ يَكُونَ فِيهَا (حُجَّةٌ) عَالِمٌ، إِنَّ الْأَرْضَ لَا يُصَلِّحُهَا إِلَّا ذَلِكَ، وَ لَا يُصَلِّحُ النَّاسَ إِلَّا ذَلِكَ»^۱

حسن بن زیاد گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: زمین از آنکه در آن (حجتی) عالمی باشد خالی نیست، زمین را هیچ چیز جز او به صلاح نمی آورد و مردم را جز او اصلاح نمی کند».

«حَمَزَةُ الطَّيَّارِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ إِلَّا اثْنَانِ لَكَانَ أَحَدُهُمَا الْحُجَّةَ»^۲. - أَوْ كَانَ الثَّانِي الْحُجَّةَ - الشُّكُّ مِنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ»^۲

حمزه طیار گفت: از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: اگر در زمین تنها دو تن باقی بماند، یکی از آنها حجت است، یا فرمود: دومی آنها حجت است و تردید از محمد بن سنان است».

۱. همان، ج ۱، ص ۲۸۶.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۸۷.

«عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابِاطِيِّ، عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُهُ وَهُوَ يَقُولُ: «لَمْ تَخْلُ الْأَرْضُ مِنْذُ كَانَتْ مِنْ حُجَّةِ عَالِمٍ يُحْيِي فِيهَا مَا يُمَيِّتُونَ مِنَ الْحَقِّ، ثُمَّ تَلَى هَذِهِ الْآيَةَ: «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»^١؛

عمار بن موسی ساباطی گوید از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: از آنگاه که زمین بسوده، خالی از حجت نبوده است تا آنچه را از حق مردم نابود می کنند او زنده سازد، سپس این آیه را تلاوت فرمود: «می خواهند نور خدا را با دهانشان خاموش سازند و خداوند نور خود را کامل می سازد؛ گرچه مشرکان را ناخوش آید».

«أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): «الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَمَعَ الْخَلْقِ وَبَعْدَ الْخَلْقِ»^٢؛

ابان بن تغلب گوید: امام صادق (ع) فرمود: «حجت الهی قبل از خلق و همراه خلق و پس از خلق وجود دارد».

١. سورة صف، آیه ٨.

٢. صدوق، محمد، کمال الدین و تمام النعمه، ج ١، ص ٤٦٩.

٣. همان، ج ١، ص ٤٢٠.

امامت حضرت مهدی (عج)

«أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «مَا زَالَتِ الْأَرْضُ إِلَّا وَ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ فِيهَا حُجَّةٌ فِيهَا حُجَّةٌ يَعْرِفُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَيَدْعُو إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ، وَلَا يَنْقَطِعُ الْحُجَّةُ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا أَرْبَعِينَ يَوْمًا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَإِذَا رُفِعَتِ الْحُجَّةُ أُغْلِقَ بَابُ التَّوْبَةِ وَلَنْ يَنْفَعَ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُرْفَعَ الْحُجَّةُ، أَوْلَيْتُكَ شِرَارُ خَلْقِ اللَّهِ، وَ هُمْ الَّذِينَ تَقُومُ عَلَيْهِمُ الْقِيَامَةُ!»^۱

امام صادق (ع) فرمود: زمین زایل نشود، جز آنکه برای خدای تعالی در آن حجّت باشد که حلال و حرام را بشناسد و مردم را به سبیل الله فراخواند و حجّت از زمین منقطع نشود جز چهل روز پیش از وقوع قیامت و چون حجّت خدا برداشته شود، درهای توبه نیز بسته می شود و ایمان شخصی که پیش از رفع حجّت ایمان نیاورده باشد، سودی نبخشد، آنها بدترین خلق خدا هستند و قیامت بر ضدّ آنها واقع خواهد شد».

«مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ، عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ»^۲

محمد بن مسلم از امام صادق (ع) روایت کند که

۱. همان، ج ۱، ص ۴۳۴.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۴۰.

فرمود: «حجّت، پیش از خلق و همراه خلق و پس از خلق است».

«يَحْيَىٰ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ قَالَ: «سَأَلْتُ الصَّادِقَ (ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «الْمِ ذَلِكِ الْكِتَابِ لَارِيبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ»^۱ فَقَالَ: «الْمُتَّقُونَ» شِيعَةُ عَلِيٍّ (ع)، وَ «الْغَيْبُ» فَهُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ. وَ شَاهِدُ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «وَ يَقُولُونَ لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةً مِنْ رَبِّهِ فَقُلْنَا إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ»^۲

یحیی بن ابوالقاسم گوید: از امام صادق (ع) از تفسیر این آیه پرسش کردم: «الم ذلک الکتاب لاریب فیہ ہدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب». فرمود: «متقین» شیعیان علی (ع) و «غیب» همان حجّت غایب است.

و شاهد آن نیز این قول خدای تعالی است: «وَ يَقُولُونَ لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةً مِنْ رَبِّهِ فَقُلْنَا إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ».

«صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ - يَعْنِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ (ع) - قَالَ: «مَا تَرَكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْأَرْضَ بِغَيْرِ إِمَامٍ قَطُّ مُنْذُ

۱. سورة بقره، آيات ۳ - ۱.

۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۱۴.

امامت حضرت مهدی (عج)

قَبِضَ آدَمَ (ع) يَهْتَدِي بِهِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ الْحُجَّةُ عَلَى الْعِبَادِ،
فَمَنْ تَرَكَهُ ضَلَّ وَ مَنْ لَزِمَهُ نَجَا، حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛^۱

صفوان بن يحيى از امام کاظم (ع) روایت کند که فرمود:
«از آنگاه که آدم (ع) در گذشت تاکنون خداوند زمین را
خالی از حجت نگذاشته است. او مردم را به خدای تعالی
هدایت می کند و حجت بر بندگان است، کسی که او را
ترک کند، گمراه است و کسی که ملازم او باشد نجات
یابد و این بر خدای تعالی حق است.»

«حَدَّثَنَا أَبِي إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مَحْمُودٍ قَالَ: قَالَ الرَّضَا (ع): «نَحْنُ
حُجَجُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ، وَ خُلَفَاؤُهُ فِي عِبَادِهِ، وَ أَمْنَاؤُهُ عَلَى سِرِّهِ،
وَ نَحْنُ كَلِمَةُ التَّقْوَى، وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَ نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ وَ
أَعْلَامُهُ فِي بَرِّيَّتِهِ، بِنَا يُعْسِكُ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ أَنْ تَزُولَا،
وَ بِنَا يُنْزِلُ الْغَيْثَ وَ يَنْشُرُ الرَّحْمَةَ، وَ لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ
مِنَّا ظَاهِرٍ أَوْ خَافٍ، وَ لَوْ خَلَّتْ يَوْمًا بِغَيْرِ حُجَّةٍ لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا
كَمَا يَمْوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ؛^۲

ابراهیم بن ابی محمود گوید: امام رضا (ع) فرمود: «ما
حجت های خداوند در میان خلایق و جانشینان او در

۱. سوره الصف، آیه ۸

۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۸۶.

میان بندگانش و امینان خداوند بر اسرارش هستیم و ما کلمه تقوا و عروة الوثقی و گواهان خداوند و نشانه‌های او در میان آفریدگانش هستیم، خداوند آسمان و زمین را به واسطه ما نگاه می‌دارد که زایل نشوند و به واسطه ماست که باران می‌بارد و رحمت منتشر می‌شود و زمین از قائمی از ما خالی نیست که یا آشکار است یا نهان و اگر زمین یک روز از حجت خالی باشد، زمین و ساکنانش مضطرب شوند، همچنان که دریا و اهلس مضطرب می‌شوند».

«سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيُّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرُّضَا (ع) قُلْتُ: أَتَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ حُجَّةٍ؟ فَقَالَ: «لَوْ خَلَّتْ مِنْ حُجَّةٍ طَرَفَةٌ عَيْنٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا!»

سلیمان جعفری گوید: از امام رضا (ع) پرسیدم: آیا زمین بدون حجت می‌ماند؟ فرمود: «اگر چشم بر هم زدنی از حجت خالی بماند، اهلس را فرو خواهد برد».

«أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ ابْنِ سَعْدِ الْأَشْعَرِيِّ قَالَ: «دَخَلْتُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْخَلْفِ [مِنْ] بَعْدِهِ، فَقَالَ لِي مُبْتَدِئًا: ... يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ! هَذَا أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ، وَسِرٌّ

مِنْ سِرِّ اللَّهِ، وَ غَيْبٍ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ، فَخُذْ مَا آتَيْتَكَ وَ اكْتَفِهِ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ تَكُنْ مَعَنَا غَدًا فِي عَلِيِّينَ؛^۱

احمد بن اسحاق گوید: بر امام عسکری (ع) وارد شدم و می‌خواستم از جانشین پس از وی پرسش کنم او آغاز سخن کرد و فرمود: «ای احمد بن اسحاق خدای تعالی از زمان آدم (ع) زمین را خالی از حجت نگذاشته است و تا روز قیامت نیز خالی از حجت نخواهد گذاشت، به واسطه اوست که بلا را از اهل زمین دفع می‌کند و به خاطر اوست که باران می‌فرستد و برکات زمین را بیرون می‌آورد».

گفتم: ای فرزند رسول خدا امام و جانشین پس از شما کیست؟ حضرت شتابان برخاست و داخل خانه شد و سپس برگشت در حالی که بر شانه‌اش کودکی سه ساله بود که صورتش مانند ماه شب چهارده می‌درخشید، فرمود: «ای احمد بن اسحاق اگر نزد خدای تعالی و حجت‌های او گرامی نبودی این فرزندم را به تو نمی‌نمودم، او همنام و هم کنیه رسول خدا (ص) است، کسی است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد».

۱. همان، ج ۲، صص ۸۰-۸۲.

ای احمد بن اسحاق! مثل او در این امت، مثل خضر و ذوالقرنین است، او غیبی طولانی خواهد داشت که هیچ کس در آن نجات نمی‌یابد، مگر کسی که خدای تعالی او را در اعتقاد به امامت ثابت بدارد و در دعا به تعجیل فرج موفق سازد».

احمد بن اسحاق گوید: گفتم: ای مولای من آیا نشانه‌ای هست که قلبم بدان مطمئن شود؟ آن کودک به زبان عربی فصیح به سخن درآمد و فرمود: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ، ای احمد بن اسحاق! پس از مشاهده جست‌وجوی نشانه مکن!»

احمد بن اسحاق گوید: من شاد و خرم بیرون آمدم و فردای آن روز به نزد امام عسکری (ع) بازگشتم و گفتم: ای فرزند رسول خدا! شادی من به واسطه منتی که بر من نهادید بسیار است، بفرمایید آن سنتی که از خضر و ذوالقرنین دارد چیست؟ فرمود: «ای احمد! غیبت طولانی»، گفتم: ای فرزند رسول خدا! آیا غیبت او به طول خواهد انجامید؟ فرمود: «به خدا سوگند چنین است تا به حدی که اکثر معتقدان به او باز گردند و باقی نماند، مگر کسی که خدای تعالی عهد و پیمان ولایت مرا از او گرفته و ایمان را در دلش نگاشته و با روحی از جانب

امامت حضرت مهدی (عج)

خود مؤید کرده باشد. ای احمد بن اسحاق! این امری از امر الهی و سرّی از سرّ ربوبی و غیبی از غیب پروردگار است، آنچه به تو عطا کردم بگیر و پنهان کن و از شاگردان باش تا فردا با ما در علّین باشی.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«لَا تَخْلُوْا الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّةٍ، إِلَّا طَاهِرٌ مَشْهُورٌ، أَوْ خَائِفٌ مَشْتُورٌ، لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجْجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ؛

زمین هرگز خالی از حجت نخواهد بود که یا ظاهر و آشکار، یا خائف و نهان خواهد بود تا حجت‌ها و بیّنات حضرت پروردگار باطل نشود».

امیر مؤمنان (ع) فرمودند:

«وَمِنْ بَعْدِ الْحُسَيْنِ تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِهِ، خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ حُجَّجُهُ عَلَى عِبَادِهِ، وَأَمَنَّاؤُهُ عَلَى وَحْيِهِ، وَهُمْ أئِمَّةُ الْمُسْلِمِينَ، وَ قَادَةُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ سَادَةُ الْمُتَّقِينَ، وَ تَأْسِعُهُمُ الْقَائِمُ؛

بعد از حسین نه تن از صلب او خلیفه خدا در روی زمین هستند و حجت خدا بر بندگان و امین خدا بر وحی اویند. آنها پیشوای مسلمانان، رهبر مؤمنان و سرور پرهیزکاران

هستند. نهی آنها «قائم» است.^۱

امام سجّاد (ع) فرمودند:

«لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةٍ، وَلَا ذَلِكَ لَمْ يُعْبَدِ اللَّهُ؛

تا روزی که قیامت برپا شود، هرگز روی زمین خالی از حجت نخواهد بود و اگر حجت خدا روی زمین نباشد، خدا پرستیده نمی شود».^۲

۱. اعلام الوری، ص ۳۷۸.

۲. منتخب الاثر، ص ۲۷۶.

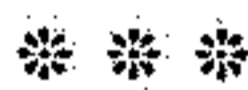
■ ولیّ خدا، وصیّ و جانشین پیامبر(ص)

پس از بحث «حجّت» به عنوان یکی از ویژگی‌های مهمّ امامان(ع)، می‌رسیم به موضوع «ولیّ خدا، وصیّ و جانشین پیامبر(ص)».

نکته بسیار مهمی که در بررسی روایت‌های این بخش به آن برمی‌خوریم، این است که: وصایت و جانشینی پیامبر(ص) به طور قطع و یقین جزو موارد ارثیه ایشان برای امام علی(ع) و فرزندان بزرگوارشان محسوب گشته است و از محتوای روایت‌های نقل شده از سوی نبی اکرم(ص) می‌توان به این نکته کاملاً واقف شد که نبی رحمت(ص) در روز عید غدیر خم تنها تکرار و تأکید مجددی بر فرمایشات قبلی‌اشان داشتند؛ وگرنه حضرت بر اساس مقدرات پروردگار تعالی در روایت‌های مختلف و به مناسبت‌های مختلف و با افراد مختلف بحث وصایت حضرت امیر(ع) و یازده فرزند عزیزشان را مطرح و زمینه

را برای جانشینان معصوم خودشان آماده ساخته بودند و نیز در هر فرصتی امام عزیز غایبمان، امام زمان (ع) را به عنوان آخرین امام و آخرین جانشین و آخرین وصی به مردم معرفی نموده بودند.

خلاصه کلام اینکه، ائمه دین (ع) در هدایت و رهبری و اتمام حجت بر ما، نکته‌ای را مغفول نگذاشته‌اند و از این رو دین و حقی سنگین بر گردن ما دارند که جز لطف پروردگار چیزی نمی‌تواند ما را در ادای آن یاری نماید. برخی از روایت‌های نقل شده درباره این موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهیم.



«مُقَاتِلِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَنَا سَيِّدُ النَّبِيِّنَ وَ وَصِيُّ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَ أَوْصِيَاؤُهُ ... أَدَةُ الْأَوْصِيَاءِ: إِنَّ آدَمَ (ع) سَأَلَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَجْعَلَ لَهُ وَصِيًّا صَالِحًا فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ: ... إِلَى أَوْصِيَائِكَ مِنْ وُلْدِكَ، وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ حَتَّى تَدْفَعَ إِلَى خَيْرِ أَهْلِ الْأَرْضِ بَعْدَكَ، وَ لَتَكْفُرَنَّ بِكَ الْأُمَّةُ وَ لَتُخْتَلِفَنَّ عَلَيْكَ إِخْتِلَافًا شَدِيدًا، الثَّابِتُ عَلَيْكَ كَالْمُقِيمِ مَعِيَ، وَ الشَّاذُّ عَنْكَ فِي النَّارِ، وَ النَّارِ مَثْوَى لِلْكَافِرِينَ!»

۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، صص

امامت حضرت مهدی (عج)

مقاتل بن سلیمان از امام صادق (ع) روایت کند که فرمود:
رسول خدا (ص) فرموده است: «من سیدالنبیین هستم و
وصی من سیدالوصیین است و اوصیای او سید اوصیایند.
آدم (ع) از خدای تعالی درخواست کرد که وصی صالحی
برای او قرار دهد، خدای تعالی به او وحی فرمود که: من
انبیا را به نبوت گرامی داشتم، سپس خلق خود را اختیار
کردم و بهترین آنها را اوصیا قرار دادم. آدم (ع) گوید:
ای پروردگار من! پس وصی مرا بهترین اوصیا قرار بده.
خدای تعالی وحی فرمود که ای آدم به «شیث» وصیت
کن و او همان «هبة الله بن آدم است» و آدم به شیث وصیت
کرد و شیث به پسرش «شبان» وصیت نمود که او فرزند
نزله حوراست که خداوند او را از بهشت فرو فرستاد
و او را تزویج شیث نمود و شبان به فرزندش «مجلث»
وصیت کرد و او به «محوق» و او به «غثمیشا» و او به
«اخنوخ» که همان «ادریس» پیامبر باشد وصیت نمود و
ادریس به «ناخود» و ناخود آن را به «نوح» (ع) تسلیم
نمود و نوح به «سام» وصیت نمود و سام به «عثام» و او
به «برعیثا» و او به «یافث» و او به «برّه» و او به «جفیسنه»
و او به «عمران» و عمران آن را به «ابراهیم خلیل» (ع)
تسلیم نمود و ابراهیم به فرزندش «اسماعیل» وصیت کرد

و او به «اسحاق» و او به «يعقوب» و او به «يوسف» و او به «بثريا» و او به «شعيب» و او به «موسى بن عمران» و او به «يوشع بن نون» و او به «داود» و او به «سليمان» و او به «أصف بن برخيا» و او به «زكريّا» و زكريّا آن را به «عيسى بن مريم» تسليم نمود و عيسى به «شمعون بن حمون الصفا» وصيت كرد و او به «يحيى» بن زكريّا و او به «منذر» و او به «سليمه» و او به «بُرده»، سپس رسول خدا (ص) فرمود: و بُرده آن را به من تسليم نمود و من آن را به تو ای «علی»، تسليم خواهم كرد و تو آن را به وصی خود خواهی داد و وصی تو آن را به اوصیای تو که از فرزندان هستند خواهد سپرد؛ یکی بعد از دیگری تا آنکه به بهترین خلق زمین پس از تو برسد و محققاً امت به تو کافر می شوند و اختلاف شدیدی درباره تو خواهند داشت. کسی که بر عقیده به تو ثابت باشد مانند همنشین من است و کسی که از تو کناره گیرد در آتش خواهد بود و آتش جایگاه کافران است».



«ابن عباس قال: قال رسول الله (ص): «لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ أَتَانِي النُّدَاءُ: يَا مُحَمَّدُ، قُلْتُ: لَيْتَكَ رَبُّ الْعِظَمَةِ لَيْتَكَ، فَأَوْحَى إِلَيَّ اللهُ تَعَالَى إِلْسِي: يَا مُحَمَّدُ فِيمَ الْخِتَصَمِ الْمَلَأُ الْأَعْلَى؟ قُلْتُ: إِلَهِي لَا

عِلْمَ لِي، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ هَلَّا اتَّخَذْتَ مِنَ الْأَدَمِيِّينَ وَزَيْرًا وَأَخًا وَ
وَصِيًّا مِنْ بَعْدِكَ؟ فَقُلْتُ: إِلَهِي، وَمَنْ أَتَّخِذُ؟ تَخَيَّرَ لِي أَنْتَ يَا إِلَهِي،
فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ: يَا مُحَمَّدُ قَدْ اخْتَرْتُ لَكَ مِنَ الْأَدَمِيِّينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي
طَالِبٍ، فَقُلْتُ: إِلَهِي ابْنُ عَمِّي؟ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ عَلِيًّا
وَارِثُكَ وَوَارِثُ الْعِلْمِ مِنْ بَعْدِكَ... فَقُلْتُ: إِلَهِي! وَمَتَى يَكُونُ بَعْدِي
مِنَ الْفِتَنِ؟ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ وَأَخْبَرَنِي بِبِلَاءِ بَنِي أُمَيَّةَ وَفِتْنَةِ وُلْدِ
عَمِّي، وَمَا يَكُونُ وَمَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَأَوْصَيْتُ بِذَلِكَ
ابْنَ عَمِّي حِينَ هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَأَدَيْتُ الرِّسَالَةَ، وَاللَّهِ الْحَمْدُ
عَلَى ذَلِكَ كَمَا حَمَدَهُ النَّبِيُّونَ وَكَمَا حَمَدَهُ كُلُّ شَيْءٍ قَبْلِي وَمَا هُوَ
خَالِقُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ!

ابن عباس از رسول خدا (ص) روایت کند که فرمود:
«چون در معراج مرا به نزد پروردگارم جل جلاله بردند
ندا آمد: «ای محمد! ملأ أعلى در چه چیز منازعه می کنند؟»
گفتم: پروردگارا مرا علمی نیست، فرمود: «ای محمد! چرا
از آدمیان وزیر و برادر و وصی پس از خودت را بر
نگزیدی؟» گفتم: الهی چه کسی را انتخاب کنم؟ تو برایم
برگزین، خدای تعالی وحی کرد که: «ای محمد! من از
میان آدمیان علی بن ابی طالب را برایت انتخاب کردم.»
گفتم: پروردگارا! پسر عمم را؟ فرمود: «ای محمد! علی

وارث تو و وارث علم پس از تو و پرچمدار توست و پرچم حمد در روز قیامت به دست اوست و صاحب حوض توست و از مؤمنان امت تو هر کس بر آن وارد شود به دست او سیراب خواهد شد.» سپس خدای تعالی وحی فرمود: ای محمد! من سوگند خورده‌ام سوگندی حق که دشمن تو و دشمن اهل بیت و ذریه طیبین و طاهرین تو از آن حوض ننوشد، به راستی می‌گویم: ای محمد! همه امت تو داخل در بهشت می‌شوند مگر کسانی از خلقم که از آن ابا کنند.» گفتم: خدای من آیا کسی هست که از داخل شدن به بهشت ابا داشته باشد؟ خدای تعالی وحی کرد که: «آری.» گفتم: چگونه ابا می‌کند؟ وحی فرمود: «ای محمد! تو را از میان خلقم برگزیدم و وصی پس از تو را انتخاب کردم و او را برای تو مانند هارون برای موسی قرار دادم جز آنکه پس از تو پیامبری نیست و محبت او را در قلب تو افکندم و او را پدر فرزندانست قرار دادم، پس بعد از تو حق او بر امت تو مانند حق تو بر ایشان در حیات توست و هر کس حق او را انکار کند حق تو را انکار کرده است و هر که از ولایت او سرباز زند از ولایت تو سرباز زده است و هر که از ولایت تو ابا کند از داخل شدن به بهشت ابا کرده

است. من به شکرانه نعمتی که ارزانیم فرموده بود، برای
خدای تعالی به سجده افتادم که ناگاه منادی ندا کرد که:
«ای محمد! سربردار و درخواست کن تا به تو عطا کنم»،
گفتم: خدای من! ائمت را پس از من بر ولایت علی بن ابی
طالب گردآور تا همگی در روز قیامت در حوض کوثر بر
من وارد شوند، خدای تعالی وحی فرمود: «ای محمد! من
پیش از آنکه بندگانم را بیافرینم، در میانشان حکم کردم
و حکم درباره آنها در گذشته است، تا هر که را بخواهم
بدان هلاک کنم و هر که را بخواهم بدان هدایت نمایم،
من پس از تو علمت را بدو دادم و او را وزیر و جانشین
پس از تو بر اهل و ائمت قرار دادم، به خاطر قصد خود
که هر که او را دوست بدارد به بهشت در آورم و مبغض
و دشمن و منکر ولایت او را پس از تو به بهشت داخل
نمی سازم، پس کسی که بغض او را داشته باشد، بغض
تو را داراست و کسی که بغض تو را داشته باشد، بغض
مرا داراست و کسی که او را دشمن بدارد، تو را دشمن
داشته است و کسی که با تو دشمنی کند، با من دشمنی
کرده است و کسی که او را دوست بدارد، تو را دوست
داشته است و کسی که تو را دوست داشته باشد، مرا
دوست داشته است و این فضیلت را برای او قرار دادم

و بر تو نیز عطا کردم که از صلب او یازده مهدی خارج سازم که همه آنها از ذریه تو از فرزندان بکر بتول خواهد بود و آخرین ایشان کسی است که عیسی بن مریم پشت سر او نماز می خواند و زمین را از عدل آکنده سازد، همچنان که از ظلم و جور پر شده باشد. به واسطه او نجات می دهم و از هلاکت باز می دارم و هدایت می کنم و از ضلالت جلوگیری می کنم و به واسطه او کوران را بینا و بیماران را شفا خواهد داد.» گفتم: الهی و سیدی! آن چه کس خواهد بود؟ خدای تعالی وحی فرمود: «آنگاه که علم برداشته شود و جهل آشکار گردد، قاریان فراوان شوند و عمل به قرآن اندک شود و کشتار فراوان گردد و فقهای هادی اندک و فقهای گمراه و خائنان و شعراء افزون شوند و امت تو قبورشان را مسجد کنند. قرآن‌ها زیور و مساجد زینت شود و جور و فساد افزون گردد و منکر آشکار شده و امت بدان فرمان دهند و از معروف باز دارند و مردان به مردان اکتفا کنند و زنان با زنان در آمیزند و امیران کافر شوند و اولیای آنها فاجر و یارانشان ظالم و اندیشمندان آنها فاسق گردند. در این هنگام سه خسوف واقع گردد، خسوفی در مشرق و خسوفی در مغرب و خسوفی در جزیره العرب و بصره به دست یکی

امامت حضرت مهدی (عج)

از ذریعه تو ویران گردد و زنگیان از وی پیروی کنند و یکی از فرزندان حسین بن علی قیام کند و دجال از مشرق و از سیستان خروج کند و سفیانی ظاهر شود.»
گفتم: خدای من! پس از من این فتنه‌ها کی واقع شود؟
خدای تعالی به من وحی فرمود و مرا از فتنه بنی امیه و فتنه فرزندان عمویم و آنچه هست و تا روز قیامت خواهد بود آگاه کرد و من نیز آنگاه که به زمین آمدم آنها را به پسر عمویم وصیت کردم و ادای رسالت نمودم و خدا را بر آن سپاس می‌گویم؛ چنان که پیامبران و هر چه که قبل از من بوده و هر مخلوقی که تا روز قیامت است او را سپاس می‌گوید.

«جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ، عَنِ أَبِيهِ، عَنِ جَدِّهِ (ع) قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الْأَئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْلَاهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ، هُمْ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَأَوْلِيَائِي، وَحُجَجُ اللَّهِ عَلَى أُمَّتِي بَعْدِي، الْمُقَرَّبُ بِهِمْ مُؤْمِنٌ، وَالْمُنْكَرُ لَهُمْ كَافِرٌ!»

امام صادق (ع) از پدرانش از رسول خدا (ص) روایت کند که فرمود: پس از من دوازده امامند که اول آنها علی بن ابی طالب و آخر ایشان قائم است. آنان جانشینان و

اوصیا و اولیای من و حجت‌های الهی بر امتم پس از من هستند، کسی که مُقَرَّب به ایشان باشد مؤمن است و کسی که منکر ایشان باشد، کافر است».

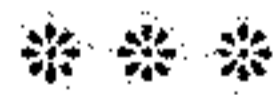
«عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا (ع)، عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): وَإِنَّهُ لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى أذنَ جِبْرِئِيلَ مَثْنِي مَثْنِي، وَأَقَامَ مَثْنِي مَثْنِي، ... وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَوَسَلَّمَ تَسْلِيمًا!»

امام رضا (ع) از پدران بزرگوارشان از امیرالمؤمنین (ع) از رسول اکرم (ص) روایت کند که فرمود: و چون مرا به آسمان‌ها به معراج بردند، جبرئیل دو تا دو تا اذان و اقامه گفت، سپس گفت: «ای محمد! پیش بایست، گفتم: ای جبرئیل! آیا بر تو پیش بایستم؟ گفت: «آری». زیرا خدای تعالی پیامبرانش را و به خصوص تو را بر همه ملائکه برتری داده است، من پیش ایستادم و با ایشان نماز خواندم و هیچ فخری هم نیست و چون به حجاب‌های نور رسیدیم، جبرئیل (ع) گفت: «ای محمد! پیش برو و از

امامت حضرت مهدی (عج)

من باز ایستاد». گفتم: ای جبرئیل! آیا در مثل این موضع از من مفارقت می‌کنی؟ گفت: «ای محمد! این نهایت حد من است که خدای تعالی برای من مقرر فرموده است و اگر از آن درگذرم به واسطه تجاوز از حدودی که پروردگارم مقرر فرموده است پال‌هایم خواهد سوخت». در نوری افکنده شدم، افکنده شدنی تا بدان جا که خدای تعالی از ملکوتش اراده فرموده بود، رسیدم و ندا رسید: «ای محمد!» گفتم: لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ ای پروردگار من! تَبَارَكَتَ وَ تَعَالَيْتَ، ندا رسید: «تو بنده من و من پروردگار توأم، مرا پرستش کن و بر من توکل نما، تو نور من در میان بندگان من و فرستاده من به سوی خلقم و حجت من در بین مردمانی، بهشت من برای کسی است که از تو پیروی کند و آتش من برای کسی است که با تو مخالفت کند و کرامتم را برای اوصیای تو لازم گردانیدم و ثوابم را برای شیعیان تو مقرر داشتم». گفتم: پروردگارا! اوصیای من چه کسانی هستند؟ ندا رسید: «ای محمد! اوصیای تو بر ساق عرش نوشته شده است» و من - در حالی که در مقابل پروردگارم بودم - به ساق عرش نگریستم و دوازده نور دیدم و در هر نوری سطری سبز بود که نام هر یک از اوصیای من بر آن نوشته شده

بود، اول ایشان «علی بن ابی طالب» و آخر آنها «مهدی
 امت» بود، گفتم: پروردگارا! آیا آنها اوصیای پس از من
 هستند؟ ندا آمد که: «ای محمد! آنها اولیا و دوستان و
 برگزیدگان و حجت‌های من بر خلائق پس از تو هستند
 و آنها اوصیا و خلفای تو و بهترین خلق من پس از تو
 هستند، به عزت و جلالم سوگند که به واسطه ایشان دینم
 را چیره و کلمه‌ام را بلند می‌نمایم و توسط آخرین آنها
 زمین را از دشمنانم پاک می‌گردانم و مشرق و مغرب
 زمین را به تملیک او درمی‌آورم و باد را مسخر او می‌کنم
 و گردنکشان سخت را رام او می‌سازم و او را بر نردبان
 ترقی بالا می‌برم و با لشکریان خود یاریش می‌کنم و با
 فرشتگانم به او مدد می‌رسانم تا آنکه دعوتم را آشکار
 کند و مردمان را بر توحیدم گرد آورد، سپس ملکش را
 تداوم بخشم و روزگار را در اختیار اولیای خود قرار دهم
 تا روز قیامت فرا رسد. و الحمد لله رب العالمین و الصلاة
 علی تبیننا و سلم تسلیماً».



«علی بن موسی الرضا، عن أبيه، عن آبائه (ع) قال: «قال رسول
 الله (ص): مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِدِينِي، وَ يَرْكَبَ سَفِينَةَ النِّجَاةِ بَعْدِي
 فَلْيَقْتَدِ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَلْيُعَادِ عَدُوَّهُ وَ لِيُوَالِ وَلِيَّهُ، فَإِنَّهُ وَصِيَّتِي

امامت حضرت مهدی (عج)

وَ خَلِيفَتِي عَلِيٌّ أُمَّتِي فِي حَيَاتِي وَ بَعْدَ وَفَاتِي، وَ هُوَ إِمَامٌ كُلُّ مُسْلِمٍ
وَ أَمِيرٌ كُلُّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي، قَوْلُهُ قَوْلِي، وَ أَمْرُهُ أَمْرِي، وَ نَهْيُهُ نَهْيِي، وَ
تَابِعُهُ تَابِعِي، وَ نَاصِرُهُ نَاصِرِي، وَ خَازِلُهُ خَازِلِي؛

امام رضا (ع) از پدران بزرگوارشان از رسول خدا (ص) روایت کند که فرمودند: هر که دوست دارد که به دین من متمسک شود و پس از من در کشتی نجات سوار شود باید که به علی بن ابی طالب اقتدا کند و دشمنش را دشمن بدارد و دوستش را دوست بدارد که او وصی من و جانشین من بر امتم در حیات و ممات من است و او امام هر مسلمان و امیر هر مؤمن پس از من است قول او قول من و امر او امر من و نهی او نهی من است و پیرو او پیرو من و یاور او یاور من و فرو گزار او فرو گزار من است»^۱.

«عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ السَّائِحُ قَالَ: سَمِعْتُ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيَّ يَقُولُ: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ (ع) قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع): يَا عَلِيُّ لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مَنْ طَابَتْ وِلَادَتُهُ، وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مَنْ خَبَّتْ وِلَادَتُهُ، وَلَا يُؤَالِيكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ، وَلَا يُعَادِيكَ إِلَّا كَافِرٌ، فَقَامَ إِلَيْهِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ عَرَفْنَا عَلَامَةَ خَبِيثِ الْوِلَادَةِ وَ الْكَافِرِ فِي حَيَاتِكَ بِبُغْضِ عَلِيٍّ وَ عِدَاوَتِهِ،

۱. همان، ج ۱، صص ۴۸۹-۴۹۰.

فَمَا عَلَامَةُ خَبِيثِ الْوِلَادَةِ وَالْكَافِرِ بَعْدَكَ إِذَا أَظْهَرَ الْإِسْلَامَ بِلسَانِهِ
 وَأَخْفَى مَكْتُونَ سَرِيرَتِهِ؟ فَقَالَ (ع): يَا ابْنَ مَسْعُودٍ عَلِيُّ بْنُ أَبِي
 طَالِبٍ إِمَامُكُمْ بَعْدِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ، فَإِذَا مَضَى قَائِمِي الْحَسَنُ
 إِمَامُكُمْ بَعْدَهُ وَخَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ، فَإِذَا مَضَى قَائِمِي الْحُسَيْنُ إِمَامُكُمْ
 بَعْدَهُ وَخَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ، ثُمَّ تَسَعَةَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ
 أُنْتَكَمُكُمْ وَخُلَفَائِي عَلَيْكُمْ، تَأْسِعُهُمْ قَائِمُ أُمَّتِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ
 عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جُورًا وَظُلْمًا، لَا يُحِبُّهُمْ إِلَّا مَنْ طَابَتْ وِلَادَتُهُ وَلَا
 يُبْغِضُهُمْ إِلَّا مَنْ خَبِثَتْ وِلَادَتُهُ، وَلَا يُؤَالِيهِمْ إِلَّا مُؤْمِنٌ، وَلَا يُعَادِيهِمْ
 إِلَّا كَافِرٌ، مَنْ أَنْكَرَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ أَنْكَرَنِي، وَمَنْ أَنْكَرَنِي فَقَدْ أَنْكَرَ
 اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ، وَمَنْ جَحَدَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ جَحَدَنِي، وَمَنْ جَحَدَنِي
 فَقَدْ جَحَدَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ، لِأَنَّ طَاعَتَهُمْ طَاعَتِي، وَطَاعَتِي طَاعَةُ اللَّهِ، وَ
 مَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَتِي، وَمَعْصِيَتِي مَعْصِيَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، يَا ابْنَ مَسْعُودٍ
 إِيَّاكَ أَنْ تَجِدَ فِي نَفْسِكَ حَرْبًا مِمَّا أَقْضَى فَتَكْفُرَ؛

علی بن حسن سائح گوید: از امام حسن عسکری (ع)
 شنیدم که می فرمود: پدرم از آباء بزرگوارشان از رسول
 خدا (ص) روایت کند که به علی بن ابی طالب فرمودند:
 «ای علی! تو را دوست نمی دارد مگر کسی که ولادتش
 پاکیزه باشد و بغض تو را در دل نمی گیرد مگر کسی که
 ولادتش ناپاک باشد و ولایت تو را نپذیرد مگر مؤمن و با
 تو دشمنی نکند مگر کافر، عبدالله بن مسعود برخاست و

امامت حضرت مهدی (عج)

گفت ای رسول خدا! در زمان حیات تو علامت ناپاکی
ولادت و کافر را به واسطه داشتن بغض علی و دشمنی اش
با او شناختیم، علامت کسی که ولادتش ناپاک است و
کافر پس از شما چیست؟ آنگاه که به زیان اظهار اسلام
کرده و مکنون باطن خود را مخفی می‌دارد، فرمود: ای
ابن مسعود! علی بن ابی طالب پس از من امام شما و
جانشین من بر شماست و آنگاه که او در گذرد فرزندانم
حسن امام شما پس از او و جانشین من بر شماست و چون
در گذرد فرزندان حسین امام شما پس از اوست و جانشین
من بر شماست، سپس نه تن از فرزندان حسین یکی پس
از دیگری ائمه شما و خلفای شما بر شما هستند و نهمین
آنها قائم امت من است که زمین را از عدل و داد آکنده
سازد همچنان که پر از جور و ظلم شده باشد، ایشان را
دوست نمی‌دارد مگر کسی که ولادتش پاکیزه باشد و کینه
آنها را به دل نمی‌گیرد مگر کسی که ولادتش ناپاک باشد
و با ایشان موالات نکند مگر مؤمن و معادات نکند، مگر
کافر. کسی که یکی از آنان را انکار کند، مرا انکار کرده
است و کسی که مرا انکار کند، خدا را انکار کرده است
و هر کس از روی عناد با یکی از ایشان مخالفت ورزد،
با من مخالفت کرده است و کسی که با من مخالفت کند،

با خدای تعالی مخالفت ورزیده است، زیرا طاعت ایشان طاعت من و طاعت من طاعت خداست و معصیت آنها معصیت من و معصیت من معصیت خدای تعالی است. ای ابن مسعود! مبادا که در نفس تو در آنچه می گویم، حرجی باشد، که کافر خواهی شد».

«مسروق قال: بینا نحن عند عبد الله بن مسعود نعرض مصاحفنا عليه إذ قال له فتى شاب: هل عهد إليكم نبيكم كم يكون من بعده خليفة؟ قال: إنك لحدث السن وإن هذا لشيء ما سألتني عنه أحد قبلك، نعم عهد إلينا نبينا (ص) أنه يكون بعده اثنا عشر خليفة بعدد نبياء بني إسرائيل!»

مسروق گوید: روزی نزد عبدالله بن مسعود نشسته بودیم و مصاحف خود را بر او عرضه می داشتیم که جوانی به او گفت: «آیا پیامبرتان به شما سفارش نکرده است که چند خلیفه پس از او خواهد بود؟» او گفت: «تو نوجوانی و پیش از تو کسی این سؤال را از من نکرده است، آری پیامبر ما به ما سفارش کرده است که بعد از او دوازده خلیفه به عدد نبیای بنی اسرائیل خواهد بود».

«جابر بن سمره قال: كنت مع أبي عند النبي (ص) فسمعتُه يقول: يكون بعدى اثنا عشر أميراً، ثم أخفى صوته، فقلت لأبي: ما الذي أخفى رسول الله (ص)؟ قال: قال: كلهم من قریش!»^۱

جابر بن سمره گوید: به همراه پدرم به مسجد آمدیم و پیامبر (ص) خطبه می خواند و شنیدم که می فرمود: «پس از من دوازده امیر خواهد بود». سپس صدایش را آهسته کرد و من ندانستم که چه می گوید، به پدرم گفتم: چه فرمود؟ گفت: فرمود: همه آنان از قریش هستند.»



«عبدالله بن عباس قال: قال رسول الله (ص): «إن خلفائي وأوصيائي وحجج الله على الخلق بعدى اثنا عشر: أولهم أخي وأخبرهم ولدي، قيل: يا رسول الله ومن أخوك؟ قال: علي بن أبي طالب، قيل: فمن ولدك؟ قال: المهدي الذي يملأها قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً، والذي بعثني بالحق نبياً لو لم يبق من الدنيا إلا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يخرج فيه ولدي المهدي فينزل روح الله عيسى ابن مريم فيصلي خلفه و تشرق الأرض بنوره و يبلغ سلطانه المشرق و المغرب»^۲

عبدالله بن عباس گوید: رسول خدا (ص) فرمود: پس از

۱. همان، ج ۱، ص ۵۱۱.

۲. همان، ج ۱، ص ۵۲۴.

من خلفا و اوصیاء و حجّت‌های الهی بر خلق دوازده نفرند که اول آنان برادرم و آخرین ایشان فرزند من است. گفتند: ای رسول خدا برادر شما کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب، گفتند: فرزند شما کیست؟ فرمود: مهدی، کسی که زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد و سوگند به خدایی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی کند تا به غایتی که فرزندم مهدی در آن روز ظهور کند و روح الله عیسی بن مریم فرود آید و پشت سر او نماز خواند و زمین به نورش روشن گردد و حکومتش به شرق و غرب عالم خواهد رسید».

«عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «أَنَا سَيِّدُ النَّبِيِّينَ، وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ، وَإِنَّ أَوْصِيَاءِي بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ، أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ (ع)»؛

عبدالله به عباس گوید: رسول خدا (ص) فرمود: من سید النبیین هستم و علی بن ابی طالب سید الوصیین و اوصیای پس از من دوازده نفرند که اول ایشان علی بن

امامت حضرت مهدی (عج)

ابی طالب و آخر ایشان قائم (ع) است.»

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ آبَائِهِ (ع) قَالَ: «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: لَا يَزَالُ فِي وُلْدِي مَأْمُونٌ مَأْمُولٌ؛^۱

امام صادق (ع) از پدران خود از امیرالمؤمنین (ع) روایت کند که فرمود: پیوسته در فرزندانم شخص امینی وجود دارد که مردم بدو امیدوارند.»

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«إِنَّ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي، وَحُجَجَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي، الْإِثْنَا عَشَرَ،
أَوْلَاهُمْ عَلِيٌّ، وَآخِرُهُمُ الْمَهْدِيُّ؛^۲

خلفا و اوصیای من و حجّت‌های خدا بر مردمان، بعد از من دوازده نفرند که اول آنها علی و آخر آنها مهدی است.»

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«يَكُونُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً؛^۳

برای این امت دوازده خلیفه خواهد بود.»

۱. همان، ج ۱، صص ۴۳۳ - ۴۳۴.

۲. تنایع المودة، ج ۳، ص ۱۰۸.

۳. مستند احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۱۰۶.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ عَزِيزًا، إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً. كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ»^۱

این دین به شکوه و عزت خود باقی خواهد بود تا روزی که دوازده خلیفه (در رأس آن) باشد که همگی از قریش هستند.»

«عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا^۲ قَالَ: يَعْنِي لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى وَ لَآيَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وَ لَدِهِ (ع) وَ قَبِلُوا طَاعَتَهُمْ فِي أَمْرِهِمْ وَ نَهَيْهِمْ «لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا» يَقُولُ: لَأَشْرَبْنَا قُلُوبَهُمْ الْإِيمَانَ وَ الطَّرِيقَةَ هِيَ الْإِيمَانُ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ وَ الْأَوْصِيَاءِ»^۳

امام باقر (ع) درباره قول خدای تعالی «و اگر بر آن روش استوار شوند، آبی فراوانشان نوشانیم» فرمود: یعنی اگر بر ولایت علی بن ابی طالب (ع) و اوصیاء از فرزندان او استوار شوند و اطاعت آنها را در امر و نهیشان بپذیرند «آب فراوانی به آنها نوشانیم» یعنی ایمان را در دلشان

۱. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۶۵.

۲. سوره جن، آیه ۱۶.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۱۹.

امامت حضرت مهدی (عج)

جایگزین کنیم و مقصود از «طریقه = روش» ایمان به ولایت علی و جانشینان اوست».

«زید بن ثابت قال: قال رَسُولُ اللَّهِ (ص): «إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ وَعِترَتِي - أَهْلَ بَيْتِي - أَلَا وَهُمَا الْخَلِيفَتَانِ مِنْ بَعْدِي وَلَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضُ!»

زید بن ثابت گوید رسول اکرم (ص) فرمود: من دو شیء نفیس در میان شما باقی می گذارم: کتاب خدای تعالی و عترتم - اهل بیتم - آگاه باشید که آن دو جانشینان پس از منند و آن دو از یکدیگر جدا نشوند تا آنکه در سر حوض کوثر بر من وارد شوند».

۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص

بخش پنجم

ضرورت شناخت امام

و جوب شناخت امام (ع) بر مردم، بهترین دلیل بر اثبات «نظام امامت» است؛ زیرا اگر امامانی برای آنان تعیین و منصوب نمی‌شدند و در هر زمانی یکی از ایشان عهده‌دار و مسئول هدایت و راهبری خلق نمی‌گردیدند، چگونه می‌توان بر مسلمان مکلف، امر بر شناختش داد.

پروردگاری که در نظام خلقت امر هدایت و رهبری خلق و اداره امور ملکی و ملکوتی بندگان را بر عهده مرجع معصوم و آراسته به زیور صفات عالیه می‌گذارد، بر بندگان حکم می‌کند که امام را بشناسند. این رهبر معصوم در میان خود بندگان است و با آنان زندگی می‌کند. پس با دانستن ویژگی‌هایش می‌توان او را شناخت و از مرگ جاهلی به تعبیر ائمه دین (ع) رهایی یافت. در اینجا به روایت‌هایی در این باره اشاره می‌نماییم.

در روایتی به نقل از نبی اکرم (ص)، حضرت اصل و جوب داشتن امام و ضرورت شناخت او را برای مسلمانان این گونه بیان می کنند:

«سَلِمُ بْنُ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ أَنَّهُ سَمِعَ مِنْ سَلْمَانَ وَمِنْ أَبِي ذَرٍّ وَمِنْ الْمِقْدَادِ حَدِيثًا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً» ثُمَّ عَرَضَهُ عَلَى جَابِرٍ وَ ابْنِ عَبَّاسٍ فَقَالَا: صَدَقُوا وَ بَرُّوا، وَ قَدْ شَهِدْنَا ذَلِكَ وَ سَمِعْنَاهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص)، وَ إِنَّ سَلْمَانَ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ قُلْتَ: مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً، مَنْ هَذَا الْإِمَامُ؟ قَالَ: مِنْ أَوْصِيَائِي يَا سَلْمَانُ، فَمَنْ مَاتَ مِنْ أُمَّتِي وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مِنْهُمْ يَعْرِفُهُ فَمَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً، فَإِنْ جَهِلَهُ وَ عَادَاهُ فَهُوَ مُشْرِكٌ، وَ إِنْ جَهِلَهُ وَ لَمْ يُعَادِهِ وَ لَمْ يُوَالِ لَهُ عَدُوًّا فَهُوَ جَاهِلٌ وَ لَيْسَ بِمُشْرِكٍ!»

سلیم بن قیس هلالی از سلمان و ابوذر و مقداد حدیثی را شنیده است که پیامبر اکرم (ص) فرموده است: کسی که بمیرد و برای او امامی نباشد به مرگ جاهلی مرده است. سپس آن حدیث را به جابر و ابن عباس عرضه کرده است و آنها گفته اند: راست گفته اند و نیکی کرده اند، ما هم بر آن گواهییم و آن را از رسول خدا (ص) شنیده ایم

۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، صص

امامت حضرت مهدی (عج)

و به دنبال آن مسلمان گفته است: «ای رسول خدا شما فرمودید: مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً، این امام کیست؟» فرمود: ای سلمان! او از اوصیای من است، کسی که از امت من بمیرد و امامی از ایشان نداشته باشد و او را شناسد، به مرگ جاهلی مرده است و اگر به او نادان باشد و با او دشمنی ورزد مشرک است و اگر به او نادان باشد، اما با او دشمنی نرزد و با دشمن او دوستی نکند، چنین کسی نادان است، اما مشرک نیست.»

از امام باقر (ع) پرسیدند: «آیا شناخت امام، بر همه خلق

واجب است؟» ایشان فرمودند:

«هَلْ مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ مِنْكُمْ وَاجِبَةٌ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ؟ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَعَثَ مُحَمَّدًا إِلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ رَسُولًا لِلَّهِ وَ حُجَّةً عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ. فَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ بِمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، وَ اتَّبَعَهُ وَ صَدَّقَهُ، فَإِنَّ مَعْرِفَةَ الْإِمَامِ مِنَّا وَاجِبَةٌ عَلَيْهِ؛ وَ مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ لَمْ يَتَّبِعْهُ وَ لَمْ يُصَدِّقْهُ، وَ يَعْرِفُ حَقَّهُمَا، فَكَيْفَ يَجِبُ عَلَيْهِ مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ وَ هُوَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ يَعْرِفُ حَقَّهُمَا؟ لَا وَ اللَّهُ، مَا أَلْهَمَ الْمُؤْمِنِينَ حَقَّنَا إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ؛

خدای تبارک و تعالی، حضرت محمد (ص) را به پیامبری به سوی همه جهانیان برانگیخت. هر کس به خدا و

محمد (ص) ایمان بیاورد و او را پیامبر خدا بداند و از او پیروی کند، بر او واجب است که امام را بشناسد. ولی اگر کسی به خدا و پیامبر خدا ایمان نیاورده باشد، چگونه ممکن است که پیش از شناخت خدا و رسول، شناخت امام بر او واجب باشد؟ به خدا سوگند، حقوق ما را خداوند به مؤمنان الهام کرده است».

آنگاه در تأویل آیه شریفه: *يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ* فرمودند: «یعنی: پیامبر و وصی پیامبر و قائم آل محمد (ص). هنگامی که [قائم (ع)] قیام نماید آنها را امر به معروف و نهی از منکر می کند».^۱

* * *

و نیز آمده است که:

«الْفُضَيْلُ بْنُ يَسَارٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً، وَ لَا يُعْذَرُ النَّاسُ حَتَّى يَعْرِفُوا إِمَامَهُمْ»^۲

فضیل بن یسار از امام باقر (ع) روایت کند که فرمود: کسی که بمیرد و امامی نداشته باشد به مرگ جاهلیت مرده است و مردم اگر امامشان را نشناسند، معذور نخواهند بود».

۱. سوره اعراف، آیه ۱۵۷.

۲. اصول کافی، ج ۱، صص ۱۸۱ و ۴۲۹.

۳. صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۲۴.

امامت حضرت مهدی (عج)

همچنین از قول امام صادق (ع) در این باره آورده‌اند که:
«أَبَانُ بْنُ تَغْلِبٍ» قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): مَنْ عَرَفَ الْأَئِمَّةَ وَ
لَمْ يَعْرِفِ الْإِمَامَ الَّذِي فِي زَمَانِهِ أَمُومِنٌ هُوَ؟ قَالَ: لَا، قُلْتُ: أَمُسْلِمٌ
هُوَ؟ قَالَ: نَعَمْ؛^۱

ابان بن تغلب گوید: به امام صادق (ع) گفتم: کسی که
ائمه را بشناسد ولی امام زمانش را نشناسد، آیا او مؤمن
است؟ «فرمود: خیر، گفتم: آیا او مسلمان است؟ فرمود:
آری».



در روایت دیگری به نقل از امام کاظم (ع) معرفت نداشتن
به امام یکی از موارد شک که منجر به کفر می‌شود، شمرده
شده است.

«عَبْدُ اللَّهِ بْنُ قُدَّامَةَ التُّرْمُذِيُّ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (ع) قَالَ: «مَنْ شَكَّ فِي
أَرْبَعَةٍ فَقَدْ كَفَرَ بِجَمِيعِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: أَحَدَهَا: مَعْرِفَةُ
الْإِمَامِ فِي كُلِّ زَمَانٍ وَأَوَانٍ بِشَخْصِهِ وَنَعْتِهِ؛^۲

عبدالله بن قدامه گوید امام کاظم (ع) فرمود: «کسی که در
چهار چیز شک کند به جمیع کتاب‌های خدای تعالی کافر
شده است، یکی از آنها معرفت امام است که در هر عصر

۱. همان، ج ۲، ص ۱۲۱.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۲۶.

و زمانی بایستی او را به شخص و صفاتش بشناسد».

«أبو علي بن همام قال: سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عَثْمَانَ الْعُمَرِيَّ - قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ - يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ: «سُئِلَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (ع) وَ أَنَا عِنْدَهُ عَنِ الْخَبْرِ الَّذِي رُوِيَ عَنْ آبَائِهِ (ع): «أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ أَنَّ مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً» فَقَالَ (ع): إِنَّ هَذَا حَقٌّ كَمَا أَنَّ النَّهَارَ حَقٌّ، فَقِيلَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَنْ الْحُجَّةُ وَ الْإِمَامُ بَعْدَكَ؟ فَقَالَ: ابْنِي مُحَمَّدٌ، هُوَ الْإِمَامُ وَ الْحُجَّةُ بَعْدِي، مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً. أَمَا إِنَّ لَهُ غَيِّبَةً يَحَارُ فِيهَا الْجَاهِلُونَ، وَ يَهْلِكُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ، وَ يَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَائِسُونَ، ثُمَّ يَخْرُجُ فَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْأَعْلَامِ الْبَيْضِ تَخْفِقُ فَوْقَ رَأْسِهِ بِنَجْفِ الْكُوفَةِ!»

ابوعلی بن همام گوید: از محمد بن عثمان عمری (ره) شنیدم که می گفت از پدرم شنیدم که می گفت: من نزد امام عسکری (ع) بودم که از آن حضرت درباره این روایت که «زمین از حجت الهی بر خلائق تا روز قیامت خالی نمی ماند و کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت در گذشته است» پرسش کردند. فرمود: «این حق است همچنان که روز روشن حق است». گفتند:

امامت حضرت مهدی (عج)

ای فرزند رسول خدا حجت و امام پس از شما کیست؟
فرمود: «فرزندم محمد، او امام و حجت پس از من است،
کسی که بمیرد و او را نشناسد به مرگ جاهلیت در گذشته
است، آگاه باشید که برای او غیبتی است که نادانان در آن
سرگردان شوند و مبطلان در آن هلاک گردند و کسانی
که برای آن وقت معین کنند دروغ گویند، سپس خروج
می کند و گویا به پرچم های سپیدی می نگریم که بر بالای
سر او در نجف کوفه در اهتزاز است».

همچنین امام صادق (ع) فرمودند:

«مَنْ بَاتَ لَيْلَةً لَا يَعْرِفُ إِمَامَ زَمَانِهِ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً!»

هر کس شبی را به صبح آورد در حالی که امام زمانش را
نمی شناسد، به مرگ جاهلیت مرده است».

امام باقر (ع) هم در روایتی فرمودند:

«مَنْ أَصْبَحَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ، أَصْبَحَ تَائِبًا مُتَحِيرًا
ضَالًّا، وَإِنْ مَاتَ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ مَاتَ مِيتَةً كُفْرٍ وَنِفَاقٍ!»

کسی که صبح کند در حالی که امام تعیین شده از سوی
خدا نداشته باشد، حیران و گمراه و سرگردان است و اگر

۱. غیبت نعمانی، ص ۶۲.

به همین حالت از دنیا برود، در حال کفر و نفاق از دنیا
رفته است»^۱.

امام حسن مجتبی (ع) هم در این باره فرمودند:
«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً!»
هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به عهد جاهلیت
مُرده است»^۲.

و نیز از امام صادق (ع) نقل است که فرمودند:
«اعْرِفْ إِمَامَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ عَرَفْتَهُ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرُ
وَمَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ، ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَرَى هَذَا الْأَمْرَ، كَانَ لَهُ مِثْلُ
أَجْرِ مَنْ قُتِلَ مَعَهُ»^۳
امام خود را بشناس، که در آن زمان تو را باکی نیست
که این امر جلو افتد یا عقب ماند. کسی که امامش را
بشناسد و پیش از فرا رسیدن این امر از دنیا برود، مانند
کسی است که در محضر او (حضرت بقیة الله (ع)) به
شهادت رسیده باشد».

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۸، صص ۵۶۵، ح ۳۷.

۲. یتایبع المودة، ج ۳، ص ۲۰۶.

۳. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، ص ۵۱۵ طوسی، محمد بن حسن،
کتاب الغیبه، ص ۲۷۶ کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۱.

بخش ششم

نهی از انکار امام

از حضرت نبی اکرم (ص) و ائمه معصومان (ع) روایت‌های متعددی درباره «وجوب شناخت امام» در فصل پیش، بیان کردیم. در این بخش به روایت‌هایی درباره «نهی از انکار امام» می‌پردازیم.

در این روایت‌ها انکار امام مساوی کفر، معرفی می‌گردد. بنابراین ارزش اعتقادی آنها با این معیار کاملاً مشخص می‌شود.

پیشوایان دین (ع) بر اساس وظیفه ابلاغ و انداز، که بر عهده‌اشان گذاشته شده است، در هر فرضی در موضوعات مختلف با اهتمام تمام، آنچه که شرط ولایت آنان بر مسلمانان است، به جا آورده‌اند.

حال بر ما، که ولایت این بزرگواران را بر عهده خود فرض می‌دانیم، لازم و ضروری است که از فرمایشات بی‌ظیر این هادیان دین بهره برده و خود نیز سعی در ترویج این روایت‌ها داشته باشیم.

ایشدای این بخش را با روایتی از نبی اکرم (ص) از قول پروردگار عظیم الشان آغاز می‌کنیم که به تنهایی گویای اهمیت موضوع «انکار امام» و ضرورت ولایت‌پذیری از ایشان به عنوان یک اصل اعتقادی است:

«عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ (ع) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): حَدَّثَنِي جِبْرِئِيلُ عَنْ رَبِّ الْعِزَّةِ جَلَّ جَلَالُهُ أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ عَلِمَ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحْدِي، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدِي وَرَسُولِي، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ خَلِيفَتِي، وَأَنَّ الْأُئِمَّةَ مِنْ وَوَلَدِهِ حُجَّجِي أُدْخِلُهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِي، وَنَجَّيْتُهُ مِنَ النَّارِ بِعَفْوِي، ... وَمَنْ أَنْكَرَهُمْ أَوْ أَنْكَرَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ أَنْكَرَنِي، بِهِمْ يُمَسِّكُ اللَّهُ عِزَّوَجَلَّ السَّمَاءِ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَبِهِمْ يَحْفَظُ اللَّهُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا!»^۱

نبی اکرم (ص) فرمودند: جبرئیل از رب العزّة جلّ جلاله برایم حدیث کرد که فرمود: «هر کس بداند که هیچ معبودی جز من نیست و محمد بنده و فرستاده من است و علی بن ابی طالب جانشین من است و ائمه‌ای که از فرزندان او هستند، حجت‌های من‌اند، او را به رحمت خود به بهشت داخل می‌سازم و به عفو خود او را از آتش نجات می‌بخشیم و همسایگی خود را برای او مباح می‌گردانم

۱. صدوق، محمد، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، صص ۴۸۷ - ۲۸۴.

امامت حضرت مهدی (عج)

و کرامتتم را بر او واجب می گردانم و نعمتتم را بر او تمام ساخته و او را از خالصان و خالصان خود قرار می دهم، اگر مرا ندا کند به او لبیک می گویم و اگر مرا بخواند اجابتش می کنم و اگر از من درخواست کند به او می بخشم و اگر خاموش باشد به او ابتدا می کنم و اگر بد کند به او رحمت می آورم و اگر از من فرار کند او را می خوانم و اگر باز گردد او را می پذیرم و اگر در خانه ام را بکوبد آن را می گشایم و هر کس گواهی ندهد که من معبود یکتا هستم یا بدان شهادت دهد، اما گواهی ندهد که محمد بنده و رسول من است یا بدان شهادت دهد، اما گواهی ندهد که علی بن ابی طالب جانشین من است یا بدان شهادت دهد، اما گواهی ندهد که امامان از فرزندان او حجت های من هستند به تحقیق که چنین شخصی نعمت مرا انکار کرده و عظمت مرا کوچک شمرد و به آیات و کتاب های من کافر شده است و اگر قصد مرا کند محجوبش می کنم و اگر از من درخواست کند محرومش می سازم و اگر مرا ندا کند ندایش را نمی شنوم و اگر مرا بخواند دعایش را استجابت نمی سازم و اگر به من امید بندد ناامیدش می گردانم و این جزای او از جانب من است و من هرگز به بندگانم ستم نمی کنم.

آنگاه جابر بن عبدالله انصاری از جا برخاست و گفت: «ای رسول خدا! ائمه از فرزندان علی بن ابی طالب چه کسانی هستند؟» فرمود: حسن و حسین، سید جوانان بهشت، سپس سیدالعابدین در زمانش علی بن الحسین، سپس محمد بن علی الباقر - و تو ای جابر او را درک می کنی و آن هنگام که او را دیدی، سلام مرا بدو برسان - سپس جعفر بن محمد الصادق، سپس موسی بن جعفر الکاظم، سپس علی بن موسی الرضا، سپس محمد بن علی التقی، سپس علی بن محمد النقی، سپس حسن بن علی الزکی، سپس فرزند او قائم به حق مهدی ائمت، کسی که زمین را پر از عدل و داد نماید، همان گونه که پر از جور و ظلم شده باشد، ای جابر! آنان جانشینان و اوصیاء و اولاد و عترت من هستند، کسی که ایشان را اطاعت کند، مرا اطاعت کرده است و کسی که از آنان سرپیچی کند، مرا سرپیچی کرده است و کسی که ایشان را یا یکی از آنان را انکار کند، مرا انکار کرده است، به واسطه ایشان است که خداوند آسمان را نگاه داشته که بر زمین نیفتد، مگر به اذن او و به سبب ایشان است که خداوند زمین را حفظ کرده که اهلش را نلرزاند».

امامت حضرت مهدی (عج)

در روایت دیگری که منسوب به حضرت امیرمؤمنان،
علی (ع) است می بینیم که:

«الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ قَالَ: «خَرَجَ عَلَيْنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي
طَالِبٍ (ع) ذَاتَ يَوْمٍ وَ يَدُهُ فِي يَدِ ابْنِهِ الْحَسَنِ (ع) وَ هُوَ يَقُولُ: خَرَجَ
عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) ذَاتَ يَوْمٍ وَ يَدِي فِي يَدِهِ هَكَذَا وَ هُوَ يَقُولُ:
... وَ بِهِمْ نَزَلَ الْقَطْرُ مِنَ السَّمَاءِ، وَ بِهِمْ يُخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ، هُوَ لَا
أَصْفِيَاءِي وَ خُلَفَائِي وَ أئِمَّةُ الْمُسْلِمِينَ وَ مَوَالِي الْمُؤْمِنِينَ!»

اصبغ بن نباته گوید: روزی علی (ع) دست حسین (ع)
را گرفته بود و بر ما وارد شد و می گفت: روزی رسول
خدا (ص) دست مرا بدین گونه گرفته بود و بر جمعیت
ما درآمد و می گفت: بهترین خلائق و سرور ایشان پس
از من این برادرم است و او امام هر مسلمانی و مولای هر
مؤمن پس از وفات من است، من می گویم: بهترین خلائق
و سرور ایشان پس از من این فرزندم است و او امام و
مولای هر مؤمن پس از وفات من است، بدانید که به او
ستم می شود، همچنان که پس از رسول خدا (ص) به من
ستم شد و پس از فرزندم حسن، بهترین خلائق و سرور
ایشان برادرش، حسین مظلوم است که در سرزمین کربلا
کشته می شود، بدانید که او و اصحابش از سروران شهدا

در روز قیامت هستند و پس از حسین نه تن از صلب او خلفای خدا در زمین و حجّت‌های او بر بندگانش و امنای او بر وحیش هستند که امامت مسلمانان و رهبری مؤمنان و سروری متّقین با ایشان است و نهمین آنان قائم است، که خدای تعالی به واسطه او زمین را نورانی می‌کند پس از آنکه از ظلمت آکنده باشد. قسم به خدایی که برادرم محمد را به نبوت برانگیخت و مرا به امامت اختصاص داد، این مطلب وحی آسمانی است که بر زبان جبرئیل روح الامین جاری شده است و من نزد رسول خدا (ص) بودم که از آن حضرت از امامان پس از او پرسش شد و به سؤال کننده فرمودند: «سوگند به آسمانی که صاحب بروج است، عدد ائمه به تعداد بروج است و قسم به پروردگار شب‌ها و روزها و ماه‌ها که عدد ائمه به تعداد ماه‌هاست». سؤال کننده گفت: «ای رسول خدا! آنان چه کسانی هستند؟» رسول خدا (ص) دستشان را بر سرم نهادند و فرمودند: «اولین آنها این است و آخرین ایشان مهدی است، هر که آنان را به ولایت برگزیند، مرا ولی ساخته است و هر که آنان را دشمن بدارد، مرا دشمن داشته است و هر که ایشان را دوست بدارد، مرا دوست داشته است و هر که کینه ایشان را داشته باشد، کینه مرا

امامت حضرت مهدی (عج)

به دل گرفته است و هر که آنان را انکار کند، مرا انکار کرده است و هر که آنان را بشناسد، مرا شناخته است، به واسطه ایشان است که خدای تعالی دینش را حفظ کرده و بسلادش را آباد نموده و بندگانش را روزی می دهد و به سبب ایشان است که باران از آسمان فرو می بارد و برکات زمین را بیرون می آورد، آنان برگزیدگان و خلفای من و ائمه مسلمانان و موالی مؤمنانند».

امام رضا (ع) از پدران بزرگوارشان از رسول خدا (ص)

روایت کند که فرمود:

«عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ (ع) قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَنَا سَيِّدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ أَنَا خَيْرٌ مِنْ جِبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ حَمَلَةَ الْعَرْشِ وَ جَمِيعِ مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُقْرَبِينَ وَ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ الْمُرْسَلِينَ، وَ أَنَا صَاحِبُ الشَّفَاعَةِ وَ الْحَوْضِ الشَّرِيفِ، وَ أَنَا وَ عَلِيُّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ، مَنْ عَرَفَنَا فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ، وَ مَنْ أَنْكَرَنَا فَقَدْ أَنْكَرَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ، وَ مَنْ عَلِيَ سِبْطِ أُمَّتِي، وَ سَيِّدِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ: الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ، وَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تِسْعَةٌ أُمَّةٌ، طَاعَتْهُمْ طَاعَتِي، وَ مَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَتِي، تَأْسَبَتْهُمْ قَائِمُهُمْ وَ مَهْدِيُّهُمْ»

۱. همان، ج ۱، صص ۴۹۱-۴۹۰.

من سید مخلوقات خدای تعالی هستم و من از جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و حاملان عرش و همه ملائکه مقربین و انبیاء و رسولان الهی برترم و من صاحب شفاعت و حوض شریفم و من و علی دو پدر این امت هستیم. کسی که ما را بشناسد، خدای تعالی را شناخته است و کسی که ما را انکار کند، خدای تعالی را انکار کرده است. دو سبب این امت و سید جوانان بهشت یعنی حسن و حسین از فرزندان علی است و از فرزندان حسین نه امام خواهد بود که طاعت ایشان طاعت من و معصیت آنها معصیت من است، نهمین آنان قائم و مهدی ایشان است».

عبدالله بن ابی یغفور گوید امام صادق (ع) فرمود:
 «عَبْدُ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَغْفُورٍ قَالَ: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقُ (ع): مَنْ أَقْرَبُ بِالْأُتْمِيَّةِ مِنْ آبَائِي وَوَلَدِي وَجَدِّ الْمَهْدِيِّ مِنْ وَلَدِي كَانَ كَمَنْ أَقْرَبَ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَجَدِّ مُحَمَّدٍ (ص) نَبْوَتُهُ. فَقُلْتُ: يَا سَيِّدِي وَ مَنْ الْمَهْدِيُّ مِنْ وَلَدِكَ؟ قَالَ: الْخَامِسُ مِنْ وَلَدِ السَّابِعِ يَغِيبُ عَنْكُمْ شَخْصُهُ، وَ لَا يَحِلُّ لَكُمْ تَسْمِيَتُهُ!»

کسی که به امامان از آباء و ابنایم معتقد باشد، اما مهدی

امامت حضرت مهدی (عج)

از فرزندان مرا انکار کند، مانند کسی است که به جمیع پیامبران اقرار کند، اما منکر نبوت محمد (ص) باشد، گفتم: «ای آقای من مهدی از فرزندان شما کیست؟» فرمود: پنجمین از فرزندان هفتمین، شخص او از شما نهان می‌شود و بردن نام او بر شما روا نباشد.»

همچنین مروان بن مسلم گوید امام صادق (ع) فرمود:
«مروان بن مسلم قال: قال الصادق جعفر بن محمد (ع): الإمام علم فيما بين الله عز وجل وبين خلقه، فمن عرفه كان مؤمناً، و من أنكره كان كافراً!»

امام نشانه بین خدای تعالی و خلقش است، کسی که او را بشناسد، مؤمن و کسی که او را انکار نماید، کافر است.»

«مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ (ع) فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ يَقُولُ فِي آخِرِهِ: «كَيْفَ يَهْتَدِي مَنْ لَمْ يُبْصِرْ؟ وَ كَيْفَ يُبْصِرُ مَنْ لَمْ يُنْذَرْ؟ اتَّبِعُوا قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ اقْرَأُوا بِمَا نَزَلَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَ اتَّبِعُوا آثَارَ الْهُدَى فَإِنَّهَا عَلَامَاتُ الْأَمَانَةِ وَ التَّقَى، وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ لَوْ أَنْكَرَ رَجُلٌ عَيْسَى بْنَ

۱. همان، ج ۲، ص ۱۲۴.

مَرِيَمَ (ع) وَ أَقْرَبَ مَنْ سِوَاهُ مِنَ الرُّسُلِ (ع) لَمْ يُؤْمِنَ، اقْصِدُوا الطَّرِيقَ
بِالْتَّماسِ الْمَنَارِ، وَ التَّمَسُّوا مِنْ وَرَاءِ الْحُجُبِ الْآثَارَ تَسْتَكْمِلُوا أَمْرَ
دِينِكُمْ، وَ تُوْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ؛

ابولیلی از امام صادق (ع) حدیثی طولانی روایت کند
که در پایان آن فرموده است: کسی که بصیرت نداشته
باشد، چگونه هدایت شود؟ و کسی که ترسانیده نشود
چگونه بصیرت یابد؟ از کلام رسول خدا (ص) پیروی
کنید و بر آنچه که از جانب خدای تعالی فرود آمده
است، اقرار نمایید و از آثار هدایت تبعیت کنید که آن از
نشانه‌های امانت و تقوا است و بدانید که اگر کسی عیسی
بن مریم (ع) را انکار کند و به سایر پیامبران اقرار نماید
ایمان نیاورده است، راه را به واسطه مناره‌ها بجوید و
از ورای پرده‌ها آثار را طلب کنید تا امر دینتان را کامل
نموده و به پروردگارتان ایمان آورده باشید».

صقر بن ابی دلف گوید: از امام جواد (ع) شنیدم که

می فرمود:

«الصَّقْرُ بْنُ أَبِي دَلْفٍ قَالَ: «سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الرِّضَا (ع)
يَقُولُ: إِنَّ الْإِمَامَ بَعْدِي ابْنِي عَلِيٍّ، أَمْرُهُ أَمْرِي، وَ قَوْلُهُ قَوْلِي، وَ

امامت حضرت مهدی (عج)

طَاعَتُهُ طَاعَتِي، وَ الْإِمَامُ بَعْدَهُ ابْنُهُ الْحَسَنُ، أَمْرُهُ أَمْرُ أَبِيهِ، وَ قَوْلُهُ
قَوْلُ أَبِيهِ، وَ طَاعَتُهُ طَاعَةُ أَبِيهِ، ثُمَّ سَكَتَ. فَقُلْتُ لَهُ: يَا بِنَّ رَسُولِ اللَّهِ
فَمَنِ الْإِمَامُ بَعْدَ الْحَسَنِ؟ فَبَكَى (ع) بُكَاءً شَدِيدًا، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ مِنْ
بَعْدِ الْحَسَنِ ابْنَهُ الْقَائِمَ بِالْحَقِّ الْمُنْتَظَرِ، فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لِمَ
سُمِّيَ الْقَائِمَ؟ قَالَ: لِأَنَّهُ يَقُومُ بَعْدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ وَازْتِدَادِ أَكْثَرِ الْقَائِلِينَ
بِإِمَامَتِهِ، فَقُلْتُ لَهُ: وَ لِمَ سُمِّيَ الْمُنْتَظَرُ؟ قَالَ: لِأَنَّهُ غَيْبَةٌ يَكْثُرُ أَيَامُهَا
وَ يَطُولُ أَمْدُهَا فَيُنْتَظَرُ خُرُوجُهُ الْمُخْلِصُونَ وَ يُنْكِرُهُ الْمُرْتَابُونَ وَ
يَسْتَهْزِئُ بِذِكْرِهِ الْجَاهِدُونَ، وَ يَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَّاتُونَ، وَ يَهْلِكُ فِيهَا
الْمُسْتَعْجِلُونَ، وَ يَنْجُو فِيهَا الْمَسْلَمُونَ؛^۱

امام پس از من فرزندم علی است، دستور او دستور من
و سخن او سخن من و طاعت او طاعت من است و امام
پس از او، فرزندش حسن است، دستور او دستور پدرش
و سخن او سخن پدرش و طاعت او طاعت پدرش باشد،
سپس سکوت کرد. گفتم: «ای فرزند رسول خدا! امام پس
از حسن کیست؟» او به شدت گریست و سپس فرمود:
پس از حسن فرزندش قائم به حق امام منتظر است،
گفتم: «ای فرزند رسول خدا! چرا او را قائم می گویند؟»
فرمود: زیرا او پس از آنکه یادش از بین برود و اکثر
معتقدان به امامتش مرتد شوند قیام می کند، گفتم: «چرا

۱. همان، ج ۲، صص ۷۲-۷۳.

او را منتظر می گویند؟» فرمود: زیرا ایام غیبتش زیاد شود و مدتش طولانی گردد و مخلصان در انتظار قیامش باشند و شکاکان انکارش کنند و منکران یادش را استهزاء کنند و تعیین کنندگان وقت ظهورش دروغ گویند و شستاب کنندگان در غیبت هلاک شوند و تسلیم شوندگان در آن نجات یابند.»

در روایتی امام حسن عسکری (ع) نهی از انکار امام زمان (ع) می کنند و می فرمایند:

«كَأَنِّي بِكُمْ وَقَدْ اخْتَلَفْتُمْ مِنْ بَعْدِي بِالْخَلْفِ مِنِّي. أَلَا إِنَّ الْمُقَرَّبَ بِأَيِّمَةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) الْمُنْكَرِ لَوْلَدِي، كَمَنْ أَقَرَّ بِجَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ ثُمَّ أَنْكَرَ نُبُوَّةَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) لِأَنَّ طَاعَةَ آخِرِنَا كَطَاعَةَ أَوْلِنَا، وَالْمُنْكَرِ لِآخِرِنَا كَالْمُنْكَرِ لِأَوْلِنَا!»

و گویا می بینم که بعد از من در مورد جانشین من به اختلاف افتاده اید، آگاه باشید که هر کس به همه امامان بعد از پیامبر اکرم (ص) اعتراف کند، ولی پسر من را انکار نماید، همانند کسی است که به همه پیامبران اعتراف نموده و رسالت پیامبر اکرم (ص) را انکار نماید، زیرا که

۱. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، ص ۲۲۶ مجلسی، محمد باقر، بخار الانوار ج ۵۱، ص ۱۶۰ طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری ص ۴۱۲.

امامت حضرت مهدی (عج)

اطاعت از آخر ما، اطاعت از اول ماست و انکار آخر ما،
چون انکار اول ماست».

در روایت دیگری موسی بغدادی گوید: از امام
عسکری (ع) شنیدم که می فرمود:

«موسى بن جعفر بن وهب البغدادي قال: «سمعتُ أبا محمد الحسن
بن علي (ع) يقول: «كأنِّي بِكُمْ وَ قَدْ اخْتَلَفْتُمْ بَعْدِي فِي الْخَلْفِ مِنِّي،
أَمَا إِنَّ الْمُقَرَّ بِالْأَيْمَةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) الْمُنْكَرُ لَوْلَدِي كَمَنْ أَقَرَّ
بِجَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ ثُمَّ أَنْكَرَ نُبُوَّةَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ الْمُنْكَرُ
لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) كَمَنْ أَنْكَرَ جَمِيعَ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ لِأَنَّ طَاعَةَ آخِرِنَا كَطَاعَةَ
أَوَّلِنَا، وَ الْمُنْكَرُ لآخِرِنَا كَالْمُنْكَرِ لِأَوَّلِنَا. أَمَا إِنَّ لَوْلَدِي غَيْبَةٌ يَرْتَابُ
فِيهَا النَّاسُ إِلَّا مَنْ عَصَمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ!»

گویا شما را می بینم که پس از من درباره جانشین من
اختلاف می کنید، آگاه باشید که هر کس مقر به ائمه بعد
از رسول خدا (ص) باشد، اما منکر فرزندانم شود مانند
کسی است که به همه انبیای الهی و رسولانش اقرار
داشته باشد، اما نبوت رسول اکرم (ص) را انکار کند و
منکر رسول خدا مانند کسی است که جمیع انبیای الهی
را انکار کند، زیرا اطاعت از آخر ما مانند اطاعت از اول

۱. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۱۱۹.

ماست و منکر آخر ما مانند منکر اول ماست. آگاه باشید که برای فرزندم غیبتی است که مردم در آن شک کنند مگر کسی که خدای تعالی وی را حفظ فرماید».

در روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل است که می‌فرمایند:

«إِثْنَا عَشَرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، أَعْطَاهُمُ اللَّهُ فَهْمِي وَعِلْمِي وَحِكْمَتِي، وَخَلَقَهُمْ مِنْ طِينَتِي. قَوْلِي لِلْمُتَكَبِّرِينَ عَلَيْهِمْ بَعْدِي، الْقَاطِعِينَ فِيهِمْ صَلَاتِي! مَا لَهُمْ؟! لَا أَنَا لَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِي! هُوَ لَاهُمْ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي، وَأَوْلَادِي وَعِترَتِي. مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَنِي، وَمَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَانِي، وَمَنْ أَنْكَرَهُمْ أَوْ أَنْكَرَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ أَنْكَرَنِي. بِهِمْ يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَبِهِمْ يَحْفَظُ اللَّهُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا؛

دوازده تن از اهل بیت من، خداوند علم و فهم و حکمت مرا به آنها عطا فرموده است و آنها را از خاک و گل من آفریده است. وای به حال کسانی که بعد از من بر آنها فخر فروشند و در برابرشان تکبر نمایند و صلهٔ رحم مرا در حق آنها قطع نمایند. آنها را چه رسد؟! خداوند آنها را از شفاعت من محروم سازد. اینها خلفا و اوصیای من، اولاد و عترت من هستند. هر کس از آنها اطاعت کند، از من اطاعت کرده و هر کس آنها را انکار کند یا یکی

امامت حضرت مهدی (عج)

از آنها را انکار نماید، مرا انکار کرده است. خداوند به وسیله آنها، آسمان را برافراشته نگاه می‌دارد که جز به اذن او فرو نریزد و به وسیله آنها زمین را نگه می‌دارد که ساکنان خود را در کام خود فرو نبرد»^۱.

یک روز رسول اکرم (ص) با علمی که از پیشگاه حضرت احدیت به ایشان عطا شده بود، اوضاع مردمان را در نسل‌های مختلف مورد توجه قرار داده، آهی از اعماق دل کشیدند و فرمودند:

«إِلَى اللَّهِ أَشْكُو الْمُكْذِبِينَ لِي فِي أَمْرِهِ، وَالْجَاهِدِينَ لِقَوْلِي فِي شَأْنِهِ، وَالْمُضِلِّينَ لِأُمَّتِي عَنْ طَرِيقِهِ! يُبَايِعُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَ يَفْتَسِحُ فُتُوحاً فَلَا يَبْقَى عَلَيَّ وَجْهٌ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ يَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ!»^۲

به خدا شکایت می‌کنم از کسانی که مرا در موضوع او [حضرت مهدی (عج)] تکذیب کنند و گفتار مرا در حق او انکار نمایند و امت مرا از راه او منحرف سازند. [در کنار خانه خدا] در میان رکن و مقام با او بیعت می‌شود و فتوحات فراوانی به دست او انجام می‌یابد، که در روی

۱. منتخب الاثر، ص ۳۲.

۲. اعلام الوری، ص ۴۰۰.

زمین کسی نمی ماند، جز اینکه به یکتایی خدا اعتراف کرده، لا اله الا الله بگوید».

امام صادق (ع) فرمودند:

«مَنْ أَنْكَرَ وَاحِدًا مِنَ الْأَحْيَاءِ فَقَدْ أَنْكَرَ الْأَمْوَاتِ!»^۱

هر کس یکی از امام های زنده را انکار کند، امامان قبلی را نیز انکار نموده است».

در روایت دیگری هم امام صادق (ع) فرمودند:

«مَنْ أَقْرَبَ بِجَمِيعِ الْأَيْمَةِ ثُمَّ جَحَدَ الْمَهْدِيَّ كَانَ كَمَنْ أَقْرَبَ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَجَحَدَ مُحَمَّدًا (ص). الْمَهْدِيُّ يَغِيبُ شَخْصُهُ وَلَا يَصِحُّ لَكُمْ تَسْمِيَّتُهُ!»^۲

هر کس به همه امامان اعتراف کند ولی حضرت مهدی (ع) را انکار کند، مانند کسی است که به همه پیامبران اعتراف کند ولی حضرت محمد (ص) را انکار کند. شخص مهدی از دیده ها غایب می شود و بردن نام او بر شما جایز نباشد».

۱. غیبت نعمانی، ص ۶۲.

۲. اعلام الوری، ص ۴۰۳.

امامت حضرت مهدی (عج)

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«مَنْ أَنْكَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا!»^۱

هر مَد (ص) آورده کافر شده است.»

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي أَثْنَاءَ غَيْبَتِهِ، مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً!»^۲

هر کس قائم از اولاد من را در دوران غیبتش انکار کند،
به عهد جاهلیت مُرده است.»

امام صادق (ع) فرمودند:

«مَنْ أَقْرَبَ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ ثُمَّ جَعَلَ الْمَهْدِيَّ كَمَا كَانَ كَمَنْ أَقْرَبَ بِجَمِيعِ
الْأَنْبِيَاءِ وَجَعَلَ مُحَمَّدًا (ص). الْمَهْدِيُّ يَغِيبُ شَخْصُهُ وَلَا يَصِحُّ
لَكُمْ تَسْمِيَّتُهُ!»^۳

هر کس به همه انبیا اعتراف کند و کسی را انکار کند، مانند کسی است که به
همه پیامبران اعتراف کند ولی حضرت محمد (ص) را
انکار کند. شخص مهدی از دیده‌ها غایب می‌شود و بُردن

۱. منتخب الاثر، ص ۶۵.

۲. بتایع المودة، ج ۳، صص ۱۰۸ و ۱۶۲.

۳. اعلام الوری، ص ۴۰۳.

نام او بر شما جایز نباشد».

این بیخس را با روایتی از امام حسن عسکری (ع) از قول جد بزرگوارشان حضرت امیرمؤمنان (ع) به پایان می‌بریم، یقیناً عظمت موضوع «نهی از انکار امام» تا به اینجا مشخص شده است، لیکن از جهت حسن ختام و تعبیرات زیبایی که در این روایت هست، آن را نیز نقل می‌نماییم:

«عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ السَّائِحُ قَالَ: سَمِعْتُ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيَّ يَقُولُ: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ (ع) قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع): يَا عَلِيُّ لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مَنْ طَابَتْ وِلَادَتُهُ، وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مَنْ خَبِثَتْ وِلَادَتُهُ، وَلَا يُؤَالِيكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ، وَلَا يُعَادِيكَ إِلَّا كَافِرٌ، فَقَامَ إِلَيْهِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ عَرَفْنَا عَلَامَةَ خَبِيثِ الْوِلَادَةِ وَالْكَافِرِ فِي حَيَاتِكَ بِبُغْضِ عَلِيٍّ وَعَدَاوَتِهِ، فَمَا عَلَامَةُ خَبِيثِ الْوِلَادَةِ وَالْكَافِرِ بَعْدَكَ إِذَا أَظْهَرَ الْإِسْلَامَ بِلسَانِهِ وَأَخْفَى مَكْتُونِ سَرِيرَتِهِ؟ فَقَالَ (ع): يَا ابْنَ مَسْعُودٍ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ إِمَامُكُمْ بَعْدِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ، فَإِذَا مَضَى فابْنِي الْحَسَنُ إِمَامُكُمْ بَعْدَهُ وَخَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ، فَإِذَا مَضَى فابْنِي الْحُسَيْنِ إِمَامُكُمْ بَعْدَهُ وَخَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ، ثُمَّ تَسَعَّةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ أُمَّتُكُمْ وَخُلَفَائِي عَلَيْكُمْ، تَأْسِئُهُمْ قَائِمٌ أُمَّتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جُورًا وَظُلْمًا، لَا يُحِبُّهُمْ إِلَّا مَنْ طَابَتْ وِلَادَتُهُ

امامت حضرت مهدی (عج)

وَلَا يُبْغِضُهُمْ إِلَّا مَنْ خَبِثَتْ وِلَادَتُهُ، وَلَا يُؤَالِيهِمْ إِلَّا مُؤْمِنٌ، وَلَا يُعَادِيهِمْ إِلَّا كَافِرٌ، مَنْ أَنْكَرَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ أَنْكَرَنِي، وَمَنْ أَنْكَرَنِي فَقَدْ أَنْكَرَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ، وَمَنْ جَحَدَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ جَحَدَنِي، وَمَنْ جَحَدَنِي فَقَدْ جَحَدَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ، لِأَنَّ طَاعَتَهُمْ طَاعَتِي، وَطَاعَتِي طَاعَةُ اللَّهِ، وَمَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَتِي، وَمَعْصِيَتِي مَعْصِيَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، يَا ابْنَ مَسْعُودٍ إِيَّاكَ أَنْ تَجِدَ فِي نَفْسِكَ حَرْجًا مِمَّا أَقْضَى فَتَكْفُرَ؛

علی بن حسن سائح گوید: از امام حسن عسکری (ع) شنیدم که می فرمود: پدرم از آباء بزرگوارشان از رسول خدا (ص) روایت کند که به علی بن ابی طالب فرمودند: «ای علی! تو را دوست نمی دارد مگر کسی که ولادتش پاکیزه باشد و بغض تو را در دل نمی گیرد مگر کسی که ولادتش ناپاک باشد و ولایت تو را نپذیرد مگر مؤمن و با تو دشمنی نکند مگر کافر، عبدالله بن مسعود برخاست و گفت: ای رسول خدا! در زمان حیات تو علامت ناپاکی ولادت و کافر را به واسطه داشتن بغض علی و دشمنی اش با او شناختیم، علامت کسی که ولادتش ناپاک است و کافر پس از شما چیست؟ آنگاه که به زبان اظهار اسلام کرده و مکنون باطن خود را مخفی می دارد، فرمود: ای ابن مسعود! علی بن ابی طالب پس از من امام شما و جانشین من بر شماست و آنگاه که او در

گذرد فرزندانم حسن امام شما پس از او و جانشین من بر شماست و چون درگذرد فرزندانم حسین امام شما پس از اوست و جانشین من بر شماست، سپس نه تن از فرزندان حسین یکی پس از دیگری ائمه شما و خلفای شما بر شما هستند و نهمین آنها قائم امت من است که زمین را از عدل و داد آکنده سازد همچنان که پر از جور و ظلم شده باشد، ایشان را دوست نمی‌دارد مگر کسی که ولادتش پاکیزه باشد و کینه آنها را به دل نمی‌گیرد مگر کسی که ولادتش ناپاک باشد و با ایشان موالات نکند مگر مؤمن و معادات نکند، مگر کافر. کسی که یکی از آنان را انکار کند، مرا انکار کرده است و کسی که مرا انکار کند، خدا را انکار کرده است و هر کس از روی عناد با یکی از ایشان مخالفت ورزد، یا من مخالفت کرده است و کسی که با من مخالفت کند، با خدای تعالی مخالفت ورزیده است، زیرا طاعت ایشان طاعت من و طاعت من طاعت خداست و معصیت آنها معصیت من و معصیت من معصیت خدای تعالی است. ای ابن مسعود! مبادا که در نفس تو در آنچه می‌گویم، حرجی باشد، که کافر خواهی شد».

بخش هفتم

غیبت امام و تأثیرات آن

آنچه که تاکنون درباره امامت به طور کلی و امامت حضرت مهدی (ع) به طور خاص، در بخش های پیش به آنها پرداختیم، بیان اسرار، عظمت و شأنت نظام امامت، ویژگی ها و صفات برجسته، تعداد، ضرورت شناخت و نهی از انکار امامان (ع) بود. بیان این جایگاه و مقام ویژه و تأکید پروردگار عالمیان و پیشوایان دین (ع) با مسئله غیبت امام آخرین، حضرت مهدی (ع) ممکن است این سؤال را در ذهن ایجاد نماید که: چگونه امامی که امان اهل زمین، هادی، مولی، عالم به اعمال بندگان، حجت و ... است، در زمان غیبت می تواند این بار سنگین را بر عهده گیرد و مخلوقات خدا چگونه از فیض وجود پربرکتش بهره جویند؟ پیشوایان دین (ع) جواب این سؤال را داده اند؛ جواب از سؤالی که پس از درک سال های غیبت به ذهن نخطور خواهد کرد و این خود نیز گویای عظمت روح و علم به غیب و ولایت آنها بر همه مخلوقات تا قیام قیامت دارد.

که «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ
 أُولَی الْأَمْرِ مِنْكُمْ» گفتم: «یا رسول الله! خدا و رسولش را
 شناخته‌ایم، پس اولوا الامری که خداوند طاعت آنها را
 مقرون به طاعت خود کرده، چه کسانی هستند؟» فرمود:
 ای جابر آنها جانشینان من و ائمه مسلمانان پس از من
 هستند، اول ایشان علی بن ابی طالب است و بعد از او
 حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی -
 که در تورات به باقر معروف است و تو ای جابر او را
 می‌بینی و آنگاه که با او دیدار کردی، سلام مرا به او
 برسان - و پس از او جعفر بن محمد صادق و موسی
 بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن
 محمد و حسن بن علی و پس از او هم نام و هم کنیه من
 حجة الله در زمی‌ش و بقیه الله در بین عبادش، فرزند حسن
 بن علی (ع) ائمه مسلمانان خواهند بود، او کسی است
 که خدای تعالی مشرق و مغرب زمین را به دست او
 بگشاید، او کسی است که از شیعیان و اولیانش غایب
 شود، غیبتی که بر عقیده به امامت او باقی نماند، مگر
 کسی که خداوند قلبش را به ایمان امتحان کرده است.
 جابر گوید: گفتم: «یا رسول الله! آیا در غیبت او برای
 شیعیانش انتفاعی هست؟» فرمود: آری، قسم به خدایی که

امامت حضرت مهدی (عج)

مرا به نبوت مبعوث فرمود به نور او از ما نور می طلبند
می کنند و به ولایت او در دوران غیبتش منتفع می شوند
مانند انتفاع مردم از خورشیدی که در پس ابر است، ای
جابر! این سر مکنون خداوند و علم مخزون اوست، آن
را از غیر اهلش پوشان.»

«هانی التمار قال: «قال لي أبو عبد الله (ع): إن لصاحب هذا الأمر
غيبته، فليتق الله عبداً وليلمسك بدينه؛
هانی تمار گوید: امام صادق (ع) فرمود: برای صاحب الامر
غیبتی است [که در آن] باید هر بنده ای تقوا پیشه کند و
متمسک به دین خود باشد.»

«عبد الله بن الفضل الهاشمي قال: «سمعت الصادق جعفر ابن
محمد (ع) يقول: إن لصاحب هذا الأمر غيبته لا بد منها، يرتاب فيها
كل مبطل، فقلت: ولم جعلت فداك؟ قال: لأمر لم يؤذن لنا في
كشفه لكم، قلت: فما وجه الحكمة في غيبته؟ قال: وجه الحكمة
في غيبته وجه الحكمة في غيبات من تقدمه من حجج الله تعالى
ذكره، إن وجه الحكمة في ذلك لا ينكشف إلا بعد ظهوره كما لم
ينكشف وجه الحكمة فيما أتاه الخضر (ع) من خرق السفينة، و

۱. همان، ج ۲، ص ۱۹.

قَتَلَ الْغُلَامَ، وَ إِقَامَةَ الْجِدَارِ لِمُوسَى (ع) إِلَى وَقْتِ افْتِرَاقِهِمَا.
 يَا ابْنَ الْفَضْلِ: إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ أَمْرٌ مِنْ [أَمْرِ] اللَّهِ تَعَالَى: وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ
 اللَّهِ، وَ غَيْبٌ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ، وَ مَتَى عَلِمْنَا أَنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَكِيمٌ صَدَّقْنَا
 بِأَنَّ أَعْمَالَهُ كُلَّهَا حِكْمَةٌ وَ إِنَّ كَانَ وَجْهَهَا غَيْرَ مُنْكَشِفٍ!

عبدالله بن فضل هاشمی گوید: از امام صادق (ع) شنیدم
 که می فرمود: برای صاحب الامر غیبت ناگزیری است که
 هر باطل جویی در آن به شک می افتد، گفتم: فدای شما
 شوم، برای چه؟ فرمود: به علت امری که ما اجازه نداریم
 آن را هویسدا کنیم، گفتم: در آن غیبت چه حکمتی وجود
 دارد؟ فرمود: حکمت غیبت او همان حکمتی است که
 در غیبت حجّت های الهی پیش از او بوده است و وجه
 حکمت غیبت او پس از ظهورش آشکار گردد، همچنان
 که وجه حکمت کارهای خضر (ع) از شکستن کشتی و
 کشتن پسر و به پا داشتن دیوار بر موسی (ع) روشن نبود
 تا آنکه وقت جدایی آنها فرا رسید.

ای پسر فضل این امر، امری از امور الهی و سری از اسرار
 خدا و غیبی از غیوب پروردگار است و چون دانستیم که
 خدای تعالی حکیم است، تصدیق می کنیم که همه افعال
 او حکیمانه است؛ اگر چه وجه آن آشکار نباشد.

۱. همان، ج ۲، ص ۲۳۴ و ۲۳۵.

امامت حضرت مهدی (عج)

در روایت دیگری هانی تمّار از قول امام صادق (ع) می گوید:

«هَانِي التَّمَارِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً،
الْمُتَمَسِّكَ فِيهَا بِدِينِيهِ كَالْخَارِطِ لِلْقَتَادِ، ثُمَّ قَالَ - هَكَذَا بِيَدِهِ - ثُمَّ قَالَ:
[إِنَّ] لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَلِيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ؛^۱

برای صاحب این امر غیبتی است که دیندار در آن غیبت
مانند کسی است که دستش را بر روی شاخه درخت خار
کشد، سپس فرمود - با دستش این چنین - آنگاه فرمود:
برای صاحب این امر غیبتی است و بنده بایستی تقوای
الهی پیشه سازد و متمسک به دینش باشد».

همچنین در روایت دیگری از امام صادق (ع) آمده است

که:

«الْمُفْضَلُ بْنُ عُمَرَ الْجُعْفِيُّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «سَمِعْتُهُ
يَقُولُ: إِيَّاكُمْ وَالتَّنْوِيَةَ، أَمَا وَاللَّهِ لَيَغِيْبَنَّ إِمَامَكُمْ سِنِينَ مِنْ دَهْرِكُمْ،
وَلتَمَحَّصَنَّ حَتَّى يُقَالَ: مَاتَ أَوْ هَلَكَ، بِأَيِّ وَادٍ سَلَكَ، وَتَدَمَعَنَّ
عَلَيْهِ عُيُونُ الْمُؤْمِنِينَ وَتُكْفَأَنَّ كَمَا تُكْفَأُ السُّفُنُ فِي أَمْوَاجِ الْبَحْرِ
وَلَا يَنْجُو إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ مِشَاقَهُ وَكَتَبَ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَأَيْدُهُ
بِرُوحِ مَنْهُ، وَتَرْفَعَنَّ اثْنَا عَشْرَةَ رَايَةً مُشْتَبِهَةً لَا يُدْرِي أَيُّ مِنْ أَيٍّ،

۱. همان، ج ۲، ص ۲۳.

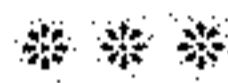
قَالَ: فَبَيَّنْتُ، فَقَالَ [إلى]: مَا يُنْكِيكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ؟ فَقُلْتُ: وَكَيْفَ لَا أُبْكِي وَأَنْتَ تَقُولُ: اثْنَا عَشْرَةَ رَايَةً مُشْتَبِهَةً لَا يُدْرِي أَيُّ مِنْ أَيُّ، فَكَيْفَ نَصْنَعُ؟ قَالَ: فَنَنْظُرْ إِلَى شَمْسٍ دَاخِلَةٍ فِي الصُّفَّةِ، فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ تَرَى هَذِهِ الشَّمْسَ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: وَاللَّهِ لَأَمْرُنَا أُبَيِّنُ مِنْ هَذِهِ الشَّمْسِ؛^۱

مفضل بن عمر گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: «فریاد نکنید، به خدا سوگند امام شما سالیانی از روزگارتان غیبت کند و حتماً مورد آزمایش واقع شوید تا غایتی که بگویند: او مرده یا هلاک شده و به کدام وادی سلوک کرده است؟ و چشمان مؤمنان بر او بگریسد و واژگون شوید، همچنان که کشتی در امواج دریا واژگون شود و تنها کسی نجات یابد که خدای تعالی از او میثاق گرفته و در قلبش ایمان نقش کرده و او را به روحی از جانب خود مؤید کرده باشد و دوازده پرچم مشتبه برافراشته شود که هیچ یک از دیگری بازشناخته نشود، راوی گوید: «من گریستم». آنگاه فرمود: ای اباعبدالله! چرا گریه می کنی؟ گفتم: «چگونه نگریم در حالی که شما می گوید دوازده پرچم مشتبه که هیچ یک از دیگری بازشناخته نشود، پس ما چه کنیم؟» راوی

۱. همان، ج ۲، ص ۲۴.

امامت حضرت مهدی (عج)

گوید: «امام به پرتو آفتاب که به داخل ایوان تابیده بود، نگریست و فرمود: ای اباعبدالله! آیا این آفتاب را می بینی؟» گفتم: «آری»، فرمود: به خدا سوگند امر ما از این آفتاب روشن تر است.»



در پیش بینی دیگری امام صادق (ع) فرمودند:

«عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ سَيَابَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ قَالَ: كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا بَقَيْتُمْ بِلا إِمَامٍ هُدًى وَلَا عِلْمٍ، يَتَّبِرُهُ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ، فَعِنْدَ ذَلِكَ تُمَيِّزُونَ وَتُمَحِّصُونَ وَتُغْرِبُونَ، وَعِنْدَ ذَلِكَ اخْتِلَافُ السَّنِيْفَيْنِ وَإِمَارَةٌ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ وَقَتْلٌ وَخَلْعٌ مِنْ آخِرِ النَّهَارِ!»

عبدالرحمان بن سیابۀ از امام صادق (ع) روایت کند که فرمود: حال شما چگونه است آنگاه که بی امام و نشانه هدایت باقی بمانید و بعضی از شما از بعضی دیگر برائت جویند، بدانید که در آن زمان از یکدیگر ممتاز شوید و مورد آزمایش واقع گردید و غربال شوید و در آن زمان شمشیرها رفت و آمد کند و در اول روز کسی به امارت رسد اما در پایان روز خلع و کشته شود.



و در روایت دیگری جواب از سؤال خود، برای آمادگی
 ذهن و روشن شدن راه را به شیعیان می‌گویند:
 «عمر بن عبد العزیز - عن أبي عبد الله (ع) قال: «قال: إذا أُصْبِحْتَ
 وَ أَمْسَيْتَ لَا تَرَى إِمَامًا تَأْتُمُّ بِهِ فَأَحِبِّبْ مَنْ كُنْتَ تُحِبُّ وَ أَبْغِضْ
 مَنْ كُنْتَ تُبْغِضُ حَتَّى يُظْهِرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ!»
 عمر بن عبد العزیز از امام صادق (ع) روایت کند که
 فرمود: آنگاه که صبح و شام می‌کنی در حالی که امامی
 را نمی‌بینی که از وی پیروی کنی، آن را که دوست
 می‌داشتی دوست بدار و آن را که دشمنی می‌داشتی
 دشمن بدار تا خدای تعالی او را آشکار کند».



و باز هم در روایت دیگری بر پاسخ بالا تأکید و وجه
 دیگری را برای هدایت شیعیان آشکار می‌کنند.
 «أبي عبد الله (ع) أنه قال: كيف أنتم إذا بقيتم دهرًا من غيركم
 لا تعرفون إمامكم؟ قيل له: فإذا كان ذلك فكيف نصنع؟ قال:
 تمسكوا بالأمر الأول حتى يستبين لكم؛^۱
 راوی از امام صادق (ع) روایت کند که فرمود: حال شما
 چون خواهد بود آنگاه که روزگاری بمانید که امامتان را

۱. همان، ج ۲، ص ۲۵.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۵.

امامت حضرت مهدی (عج)

نشنا میسید؟ گفتند: «چون چنین شود چه کنیم؟» فرمود: به همان امر اول متمسک شوید تا بر شما روشن شود».

باز هم امام صادق (ع) در روایت زیر با بیان دیگری به شیعیان می فرماید:

«أَبَانُ بْنُ تَغْلِبٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُصِيبُهُمْ فِيهِ شَيْطَةٌ يَأْرِزُ الْعِلْمُ فِيهَا بَيْنَ الْمَسْجِدَيْنِ كَمَا تَأْرِزُ الْحَيَّةُ فِي حُجْرِهَا، يَعْنِي بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ، فَبَيْنَمَا هُمْ كَذَلِكَ إِذْ أَطْلَعَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُمْ نَجْمَهُمْ، قَالَ: قُلْتُ: وَ مَا الشَّيْطَةُ؟ قَالَ: الْفِتْرَةُ وَالْغَيْبَةُ لِإِمَامِكُمْ؛ قَالَ: قُلْتُ: فَكَيْفَ نَصْنَعُ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ؟ فَقَالَ: كُونُوا عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَطَّلِعَ اللَّهُ لَكُمْ نَجْمَكُمْ؛»

ابان بن تغلب گوید: امام صادق (ع) به من فرمود: زمانی بر مردم در آید که گداخته شوند و علم در بین این دو مسجد در هم پیچیده شود، همچنان که مار در لانه اش نهان شود، یعنی بین مکه و مدینه و در این بین که چنین باشند، به ناگاه خدای تعالی ستاره آنها را آشکار سازد، گفتم: «مقصود از «گداخته شدن» چیست؟» فرمود: دوران فترت و غیبت امامتان، گفتم: «در این میانه چه کنیم؟» فرمود: بر آنچه هستید استوار باشید تا آنکه خداوند ستاره

شما را آشکار سازد».

«المُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ تَفْسِيرِ جَابِرٍ فَقَالَ: لَا تُحَدِّثُ بِهِ السُّفْلَ فَيَذِيعُوهُ، أَمَا تَقْرَأُ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «فَإِذَا نَقَرَ فِي النَّاقُورِ»^۱، إِنَّ مِنَّا إِمَامًا مُسْتَتِرًا فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِظْهَارَ أَمْرِهِ نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً فَظَهَرَ وَأَمْرًا بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^۲

مفضل بن عمر گوید: «از امام صادق (ع) از تفسیر جابر پرسیدم». فرمود: آن را بر سفلگان مخوان که آن را ضایع کنند. آیا در کتاب خدای تعالی نخوانده‌ای «فإذا نقر فی الناقدور؟» که از ما امامی نهان است و چون خدای تعالی بخواهد او را ظاهر سازد، قلبش را تحت تأثیر قرار دهد و او ظاهر شود و به دستورات خدای تعالی فرمان دهد».

پیش‌بینی در عصر غیبت برای هدایت شیعیان یکی از اموری است که ائمه (ع) به آن اهتمام خاص ورزیده‌اند، ذکر چندین روایت در این باره خود گویای اهمیت موضوع است.

«عِيسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ خَالِهِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) قَالَ:

۱. سوره مدثر، آیه ۹.

۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۲۷.

«قُلْتُ لَهُ: كَانَ كَوْنٌ - لَا أَرَانِي اللَّهَ يَوْمَكَ - فَبِمَنْ أَنْتُمْ؟ فَأَوْمَأَ إِلَيَّ مُوسَى (ع)، فَقُلْتُ: فَإِنْ مَضَى مُوسَى فإِلَى مَنْ؟ قَالَ إِلَيَّ وَوَلَدِهِ، قُلْتُ: فَإِنْ مَضَى وَوَلَدُهُ وَتَرَكَ أَخًا كَبِيرًا وَابْنًا صَغِيرًا فَبِمَنْ أَنْتُمْ؟ فَقَالَ: بِوَلَدِهِ، ثُمَّ قَالَ: هَكَذَا أَبَدًا، قُلْتُ: فَإِنْ أَنَا لَمْ أَعْرِفْهُ وَ لَمْ أَعْرِفْ مَوْضِعَهُ فَمَا أَصْنَعُ؟ قَالَ: تَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَلَّى مَنْ بَقِيَ مِنْ حُجْبِكَ مِنْ وَلَدِ الْإِمَامِ الْمَاضِي»، فَإِنَّ ذَلِكَ يُجْزِيكَ!»

عیسی بن عبدالله گوید: به دایمی خود امام صادق (ع) گفتم: اگر روزگاری پیش آمد و شما را ندیدم از که پیروی کنم؟ و او به موسی (ع) اشاره فرمود، گفتم: اگر موسی درگذشت از چه کسی؟ فرمود: «از فرزندش». گفتم: اگر او درگذشت و برادری بزرگ و فرزندی کوچک باقی گذاشت از که پیروی کنم؟ فرمود: از «فرزندش». سپس فرمود: «پیوسته چنین خواهد بود». گفتم: اگر او را و جایگاه او را نشناسم چه کنم؟ فرمود: «می گویی: بار الهایا! من بر ولایت حجت های از فرزندان امام درگذشته باقی هستم و این کفایت از آن می کند».

در روایت دیگری امام صادق (ع) امر به خواندن غریق در عصر غیبت امام مهدی (ع) می کنند تا حضرتش با ذکر این

دعا و ولایت از خطرات این عصر در امان بمانند.

«عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): سَتُصِيبُكُمْ شِبْهَةٌ فَتَبْقُونَ بِإِلَّا عِلْمٍ يُرَى، وَلَا إِمَامٍ هُدَى، وَلَا يَنْجُوا مِنْهَا إِلَّا مَنْ دَعَا بِدُعَاءِ الْغَرِيقِ، قُلْتُ: كَيْفَ دُعَاءِ الْغَرِيقِ؟ قَالَ: يَقُولُ: «يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ»، فَقُلْتُ: «يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ»، قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ مُقَلَّبُ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ، وَلَكِنْ قُلْ كَمَا أَقُولُ لَكَ: «يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ»!»

عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) روایت کند که فرمود: به زودی شبهه‌ای به شما می‌رسد و در آن بی‌نشانه هویدا و امام هدایت بمانید و کسی از آن شبهه نجات نمی‌یابد مگر آنکه دعای غریق را بخواند، گفتیم: «دعای غریق چگونه است؟» فرمود: می‌گویی: «یا الله یا رحمن یا رحیم یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ» و من هم گفتیم: «یا الله یا رحمن یا رحیم یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ»، امام فرمود: خدای تعالی مقلب القلوب و الابصار است ولیکن همچنان که من گفتم بگو: «یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ».

امامت حضرت مهدی (عج)

«أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: «قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (ع) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا»،^۱ يَعْنِي خُرُوجَ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ مِنَّا، ثُمَّ قَالَ (ع): يَا أَبَا بَصِيرٍ طُوبَى لِشِيعَةِ قَائِمِنَا، الْمُنْتَظَرِينَ لظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ، وَالْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ، أَوْلِيَاءَ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ!»^۲

ابوبصیر از امام صادق (ع) روایت کند که در تفسیر این قول خدای تعالی: «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا»، فرمود: یعنی خروج قائم منتظر ما، سپس فرمود: ای ابابصیر! خوشا به حال شیعیان قائم ما، کسانی که در غیبتش منتظر ظهور او هستند و در حال ظهورش نیز فرمانبردار اویند، آنان اولیای خدا هستند که نه خوفی بر آنهاست و نه اندوهگین می شوند».

«أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: «قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (ع): طُوبَى لِمَنْ تَمَسَّكَ بِأَمْرِنَا فِي غَيْبَتِهِ قَائِمِنَا فَلَمْ يَزُغْ قَلْبُهُ بَعْدَ الْهِدَايَةِ، فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ قِدَاكَ وَمَا طُوبَى؟ قَالَ: شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ أَضَلُّهَا فِي دَارِ

۱. سورة النعام، آية ۱۵۸.

۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۹.

عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) وَ لَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ فِي دَارِهِ غُضُنٌّ مِنْ
 أَغْصَانِهَا، وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «طُوبَى لَهُمْ وَ حُسْنُ مَا بِالْأُ
 ابُو بَصِيرٍ از امام صادق (ع) روایت کند که فرمود: طوبی
 از آن کسی است که در غیبت قائم ما به امر ما تمسک
 جوید و قلبش پس از هدایت منحرف نشود، گفتم: فدای
 شما شوم طوبی چیست؟ فرمود: درختی در بهشت است
 که ریشه آن در سرای علی بن ابی طالب (ع) است و هیچ
 مؤمنی نیست، جز آنکه شاخه‌ای از شاخه‌های آن درخت
 در سرای اوست و آن همان قول خدای تعالی است که
 فرمود: «طُوبَى لَهُمْ وَ حُسْنُ مَا بِالْأُ».

در روایت دیگری از امام صادق (ع) تفاوت شیعیان در
 عصر غیبت امام با شیعیانی که در عصر ظهور امامان بوده‌اند
 بیان می‌شود. در این روایت بر شأن و جایگاه این شیعیان
 تأکید شده است.

«إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ، عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ:
 أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعِبَادُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَرْضَى مَا يَكُونُ عَنْهُمْ إِذَا
 أَتَقَدُّوا حُجَّةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَلَمْ يَظْهَرْ لَهُمْ وَ لَمْ يَعْلَمُوا بِمَكَانِهِ، وَ

۱. سوره زعد، آیه ۲۹.

۲. صدوق، محمد، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، صص ۳۹-۴۰.

امامت حضرت مهدی (عج)

هُمْ فِي ذَلِكَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَمْ تَبْطُلْ حُجَّجُ اللَّهِ [عَنْهُمْ وَبَيِّنَاتُهُ] فَعِنْدَهَا
فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ صَبَاحاً وَمَسَاءً، وَإِنَّ أَشَدَّ مَا يَكُونُ غَضَبُ اللَّهِ
تَعَالَى عَلَى أَعْدَائِهِ إِذَا افْتَقَدُوا حُجَّةَ اللَّهِ فَلَمْ يَظْهَرِ لَهُمْ، وَقَدْ عَلِمَ
أَنَّ أَوْلِيَاءَهُ لَا يَزْتَابُونَ، وَلَوْ عَلِمَ أَنَّهُمْ يَزْتَابُونَ لَمَا غَيَّبَ عَنْهُمْ حُجَّتَهُ
طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَلَا يَكُونُ ذَلِكَ إِلَّا عَلَى رَأْسِ شِرَارِ النَّاسِ؛^۱

ابراهیم بن هاشم به سند خود از مفضل بن عمر از
امام صادق (ع) روایت کند که فرمود: نزدیکترین و
پسندیدهترین حالت بندگان به خدای تعالی آنگاه است
که حجت خدا مفقود گردد و بر بندگان آشکار نباشد و
مکانش را ندانند و در آن حال عالم باشند که حجت‌ها
و بیّنات الهی باطل نمی‌شوند، در چنین زمانی صبح و
شام متوقع فرج باشید و سخت‌ترین خشم خدای تعالی
بر دشمنانش آنگاه است که حجت خدا مفقود گردد و بر
بندگان آشکار نباشد و خدای تعالی می‌داند که اولیایش
شک نمی‌کنند و اگر می‌دانست که آنان شک می‌کنند
حجتش را چشم بر هم زدنی از آنها غایب نمی‌کرد و آن
بر سر بدترین مردم واقع شود».

۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص

و نیز از موسی بن جعفر (ع) در این باره نقل شده است

که:

«عَلِيُّ بْنُ رِثَابٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ قَالَ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ»، فَقَالَ (ع): الْآيَاتُ هُمُ الْأَيْمَةُ، وَالْآيَةُ الْمُنْتَظَرَةُ الْقَائِمُ (ع)، فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلِ قِيَامِهِ بِالسَّيْفِ وَإِنْ آمَنَتْ بِعَمَلٍ تَقَدَّمَ مِنْ آبَائِهِ (ع)؛^۱

علی بن رثاب از امام صادق (ع) روایت کند که در تأویل این آیه قرآن: «یوم یأتی بعض آیات ربک لا ینفع نفساً ایمانها لم تكن آمنت من قبل» فرمود: آیات، عبارت از ائمه هستند و آیه منتظره، قائم (ع) است و در آن روز ایمان کسی که پیش از قیام او یا شمشیر ایمان نیاورده باشد، سودی ندارد، گرچه به پدراننش ایمان آورده باشد.

هر چند که غیبت امام (ع) از اسرار مکنون پروردگار جلّ جلاله است، اما غیبت امام (ع) یک امتحان الهی از بندگان نیز هست، چنان که در روایت می‌خوانیم:

«مَنْصُورٍ قَالَ: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): يَا مَنْصُورُ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا

۱. سورة انعام، آیه ۱۵۸.

۲. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، صص ۸ - ۷.

امامت حضرت مهدی (عج)

يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ يَأْسٍ، لَا وَاللَّهِ [لَا يَأْتِيكُمْ] حَتَّى تَمَيِّزُوا، لَا وَاللَّهِ
[لَا يَأْتِيكُمْ] حَتَّى تَمَحَّضُوا، وَلَا وَاللَّهِ [لَا يَأْتِيكُمْ] حَتَّى يَشْقَى مَنْ
شَقِيَ وَ يَسْعَدُ مَنْ سَعَدَ؛^۱

منصور گوید: امام صادق (ع) فرمود: ای منصور! این امر
بر شما در نیاید مگر پس از یأس و نه به خدا قسم تا
آنکه از یکدیگر متمایز شوید، نه به خدا سوگند این امر
بر شما در نیاید تا آنکه امتحان شوید، نه به خدا سوگند
این امر بر شما در نیاید تا آنکه شقی، بدبخت و سعید،
نیکبخت گردد.

«زُرَّارَةُ بْنُ أَعْيَنَ قَالَ: «سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (ع) يَقُولُ:
إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ، قُلْتُ: وَلِمَ ذَلِكَ جُعِلَتْ فِدَاكَ؟ فَقَالَ:
يَخَافُ وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى بَطْنِهِ وَعُنُقِهِ ثُمَّ قَالَ (ع): وَهُوَ الْمُنْتَظَرُ
الَّذِي يَشْكُ النَّاسُ فِي وِلَادَتِهِ، فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ: «إِذَا مَاتَ أَبُوهُ
مَاتَ، وَلَا عَقَبَ لَهُ». وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ: «قَدْ وُلِدَ قَبْلَ وَفَاةِ أَبِيهِ
بِسِنَّتَيْنِ». لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ أَنْ يَمْتَحِنَ خَلْقَهُ فَعِنْدَ ذَلِكَ
يَرْتَابُ الْمُبْطِلُونَ؛^۲

زُرَّارَةُ بْنُ أَعْيَنَ گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که

۱. همان، ج ۲، ص ۲۲.

۲. همان، ج ۲، صص ۲۲-۲۳.

می فرمود: برای قائم پیش از آنکه قیام کند، غیبتی است. گفتم: «فدای شما شوم! برای چه؟» فرمود: می ترسد و با دست به بطن و گردن خود اشاره کرد سپس فرمود: او منتظری است که مردم در ولادتش شک می کنند، بعضی می گویند: چون پدرش مُرد فرزندی برای او نبود و بعضی گویند: دو سال پیش از وفات پدرش متولد شده است، زیرا خدای تعالی امتحان خلقش را دوست می دارد و در این هنگام باطل جویان شک می کنند».

در این باره روایت دیگری از امام کاظم (ع) نقل شده است، ایشان فرمودند:

«عَلِيٌّ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (ع) «قَالَ: إِذَا قُتِدَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ فَاللَّهُ اللَّهُ فِي أَدْيَانِكُمْ لَا يُزِيلَنَّكُمْ أَحَدٌ عَنْهَا، يَا بَنِي! إِنَّهُ لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَقُولُ بِهِ، إِنَّمَا هِيَ مِحْنَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ امْتَحَنَ بِهَا خَلْقَهُ، وَلَوْ عَلِمَ آبَاؤُكُمْ وَأَجْدَادُكُمْ دِينًا أَصَحَّ مِنْ هَذَا لَا تَبْعُوهُ، فَقُلْتُ: يَا سَيِّدِي وَمَا - الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ؟ فَقَالَ: يَا بَنِي عُقُولُكُمْ تَضَعُفُ عَنْ ذَلِكَ، وَأَخْلَامُكُمْ تَضِيقُ عَنْ حَمَلِهِ، وَلَكِنْ إِنْ تَعِيشُوا فَسَوْفَ تُدْرِكُونَهُ!»

امامت حضرت مهدی (عج)

علی بن جعفر از برادر خود امام کاظم (ع) روایت کند که فرمود: چون پنجمین امام از فرزندان امام هفتمین غایب شود الله الله در دینتان، مراقب باشید کسی آن را از شما زایل نسازد، ای فرزندان من! به ناچار صاحب الامر غیبتی دارد تا به غایتی که معتقدان به این امر از آن بازگردند، این محنتی است که خدای تعالی خلقش را به واسطه آن بیازماید و اگر پدران و اجداد شما دینی بهتر از این می شناختند از آن پیروی می کردند. گفتم: ای آقای من! پنجمین از فرزندان هفتمین کیست؟ فرمود: ای فرزندان من! عقل های شما از درک آن ناتوان است و خردهای شما تاب تحمل آن را ندارد ولیکن اگر بمانید او را درک خواهید کرد».

همچنین از امام رضا (ع) درباره شرایط سخت دوران

غیبت و امتحان بندگان می خوانیم:

«الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا (ع) قَالَ: «قَالَ لِي: لَا بُدَّ مِنْ فِتْنَةٍ صَمَاءَ صَيْلِمَ يَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ بَطَانَةٍ وَ وَايَجَةٍ وَ ذَلِكَ عِنْدَ فَقْدَانِ الشَّيْعَةِ الثَّلَاثِ مِنْ وُلْدِي، يَبْكِي عَلَيْهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ كُلُّ حَرِّي وَ حَرَّانٍ، وَ كُلُّ حَزِينٍ وَ لَهْفَانٍ.»

ثُمَّ قَالَ (ع): يَا بِي وَ أُمِّي سَمِيَّ جَدِّي (ص) وَ شَبِيهِي وَ شَبِيهَ مُوسَى
 بِنِ عُمَرَانَ (ع)، عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّورِ، يَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ ضِيَاءِ الْقُدْسِ
 كَمْ مِنْ حَرَّى مُؤْمِنَةٍ، وَ كَمْ مِنْ مُؤْمِنٍ مُتَأَسِّفٍ حَرَّانَ حَزِينٍ عِنْدَ
 فَقْدَانِ الْمَاءِ الْمُعِينِ، كَأَنِّي بِهِمْ آيِسٌ مَا كَانُوا، قَدْ تَوَدُّوا نِدَاءً يُسْمَعُ
 مِنْ بَعْدِ كَمَا يُسْمَعُ مِنْ قُرْبٍ: يَكُونُ رَحْمَةً عَلَيَّ الْمُؤْمِنِينَ، وَ عَذَاباً
 عَلَيَّ الْكَافِرِينَ!

حسن بن محبوب گوید: امام رضا (ع) به من فرمود: به
 ناچار فتنه‌ای سخت و هولناک خواهد بود که در آن
 هر صمیمیت و دوستی ساقط گردد و آن هنگامی است
 که شیعه، سومین از فرزندان مرا از دست بدهد و اهل
 آسمان و زمین و هر دلسوخته و اندوهناکی بر وی بگریزد
 [مقصود وفات امام حسن عسکری (ع) است].

سپس [در باره حضرت مهدی (ع)] فرمود: پدر و مادرم
 فدای او باد، هم‌نام جدم و شبیه من و شبیه موسی بن
 عمران است و بر او گریبان و طوق‌های نور است که از
 شعاع نور قدس پرتو گرفته است و هنگام فقدان «ماء
 معین» بسیاری از زنان و مردان مؤمن، دلسوخته و متأسف
 و اندوهناک خواهند بود، گویا آنها را در ناامیدترین
 حالتشان می‌بینم که ندا می‌شنوند به ندایی که از دور

امامت حضرت مهدی (عج)

همان گونه که شنیده می شود که از نزدیک: «او رحمتی بر مؤمنان و عذابی بر کافران است».

«أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ»^۱. قَالَ: أَرَأَيْتُمْ إِنْ غَابَ عَنْكُمْ إِمَامُكُمْ فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِإِمَامٍ جَدِيدٍ؟^۲

از امام موسی کاظم (ع) روایت شده است که فرمود: از امام صادق (ع) شنیدم که در تفسیر این قول خدای تعالی: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» فرمود: بنگرید اگر امامتان غایب شود، چه کسی امامی جدید برای شما می آورد؟»

امام (ع) در بین مردم حاضر است ولی این حضور را ما درک نمی کنیم. چنان که در روایت می خوانیم:

«عُبَيْدُ ابْنِ زُرَّارَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: يَفْقَدُ النَّاسُ إِمَامَهُمْ، يَشْهَدُ الْمَوْسِمَ فَيَرَاهُمْ وَلَا يَرَوْنَهُ»^۳

۱. سوره ملک، آیه ۳۰.

۲. صدوق، محمد، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، صص ۲۹-۳۰.

۳. همان، ج ۲، ص ۳۰.

عبید گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: مردم امام خود را نیابند، او در موسم حج آنها را می بیند، اما آنها او را نمی بینند».



«يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ قَالَ: «دَخَلْتُ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (ع) فَقُلْتُ لَهُ: يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَنْتَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ؟ فَقَالَ: أَنَا الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَيَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جُورًا وَظُلْمًا هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِي، لَهُ غَيْبَةٌ يَطُولُ أَمْدُهَا خَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ، يَزُتُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَثْبُتُ فِيهَا آخَرُونَ».

ثُمَّ قَالَ (ع): طُوبَى لِشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا، الثَّابِتِينَ عَلَى مَوَالَاتِنَا وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِنَا، أُولَئِكَ مِنَّا وَنَحْنُ مِنْهُمْ، قَدْ رَضُوا بِنَا أُمَّةً، وَرَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً، فَطُوبَى لَهُمْ، ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ، وَهُمْ وَ اللَّهُ مَعَنَا فِي دَرَجَاتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ!»

یونس بن عبدالرحمن گوید: بر موسی بن جعفر وارد شدم و گفتم: ای فرزند رسول خدا! آیا شما قائم به حق هستید؟ فرمود: من قائم به حق هستم ولیکن قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک سازد و آن را از عدل و داد آکنده سازد همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد او پنجمین از فرزندان من است و او را غیبی طولانی است

امامت حضرت مهدی (عج)

زیرا بر نفس خود می‌هراسد و اقوامی در آن غیبت مرتد شده و اقوامی دیگر در آن ثابت قدم خواهند بود. سپس فرمود: خوشا بر احوال شیعیان ما که در غیبت قائم ما به رشته ما متمسک هستند و بر دوستی ما و بیزاری از دشمنان ما ثابت قدم هستند، آنها از ما و ما از آنها ایم، آنها ما را به امامت و ما نیز آنان را به عنوان شیعیان پذیرفته‌ایم پس خوشا بر احوال آنها و خوشا بر احوال آنها. به خدا سوگند آنان در روز قیامت هم درجه ما هستند.»

«الصَّغْرُ بْنُ أَبِي دَلْفٍ قَالَ: «سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيِّ الرَّضَا (ع) يَقُولُ: إِنَّ الْإِمَامَ بَعْدِي ابْنِي عَلِيٌّ، أَمْرُهُ أَمْرِي، وَقَوْلُهُ قَوْلِي، وَطَاعَتُهُ طَاعَتِي، وَالْإِمَامُ بَعْدَهُ ابْنُهُ الْحَسَنُ، أَمْرُهُ أَمْرُ أَبِيهِ، وَقَوْلُهُ قَوْلُ أَبِيهِ، وَطَاعَتُهُ طَاعَةُ أَبِيهِ، ثُمَّ سَكَتَ. فَقُلْتُ لَهُ: يَا بِنَّ رَسُولِ اللَّهِ فَمَنْ الْإِمَامُ بَعْدَ الْحَسَنِ؟ فَبَكَى (ع) بُكَاءً شَدِيدًا، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ مِنْ بَعْدِ الْحَسَنِ ابْنَهُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ الْمُنْتَظَرُ، فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لِمَ سُمِّيَ الْقَائِمُ؟ قَالَ: لِأَنَّهُ يَهْوَمُ بَعْدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ وَازْتِدَادِ أَكْثَرِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ، فَقُلْتُ لَهُ: وَلِمَ سُمِّيَ الْمُنْتَظَرُ؟ قَالَ: لِأَنَّهُ غَيْبَةٌ يَكْثُرُ أَيَامُهَا وَيَطْوُلُ أَمْدُهَا فَيَنْتَظَرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ وَ يُنْكِرُهُ الْمُؤْتَابُونَ وَ يَسْتَهْزِئُ بِذِكْرِهِ الْجَاهِدُونَ، وَ يَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَاتُونَ، وَ يَهْلِكُ فِيهَا

الْمُسْتَعْجِلُونَ، وَ يَنْجُو فِيهَا الْمَسْلُومُونَ؛^۱

صقر بن ابی دلف گوید: از امام جواد(ع) شنیدم که می فرمود: امام پس از من فرزندم علی است، دستور او دستور من و سخن او سخن من و طاعت او طاعت من است و امام پس از او، فرزندش حسن است، دستور او دستور پدرش و سخن او سخن پدرش و طاعت او طاعت پدرش باشد، سپس سکوت کرد. گفتم: ای فرزند رسول خدا! امام پس از حسن کیست؟ او به شدت گریست و سپس فرمود: پس از حسن فرزندش قائم به حق، امام منتظر است، گفتم: ای فرزند رسول خدا! چرا او را قائم می گویند؟ فرمود: زیرا او پس از آنکه یادش از بین برود و اکثر معتقدان به امامتش مرتد شوند قیام می کند، گفتم: چرا او را منتظر می گویند؟ فرمود: زیرا ایام غیبتش زیاد شود و مدتش طولانی گردد و مخلصان در انتظار قیامش باشند و شکاکان انکارش کنند و منکران یادش را استهزاء کنند و تعیین کنندگان وقت ظهورش دروغ گویند و شتاب کنندگان در غیبت هلاک شوند و تسلیم شوندگان در آن نجات یابند».

۱. همان، ج ۲، صص ۷۲-۷۳.

امامت حضرت مهدی (عج)

و از زبان امام عصر (ع) هم علت غیبت ایشان را

می بینیم:

«وَأَمَّا عَلَّةُ مَا وَقَعَ مِنَ الْغَيْبَةِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءٍ إِن تَبَدَّلَكُم تَسْؤُكُمْ...) إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِبَطَانِيَةِ زَمَانِهِ وَإِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ الطَّوَاعِيَةِ فِي عُنُقِي، وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ فِي غَيْبَتِي، فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غُيِّبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ وَإِنِّي لِأَمَانٍ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ، فَأَغْلِقُوا بَابَ السُّؤَالِ عَمَّا لَا يَعْنِيكُمْ وَلَا تَتَكَلَّفُوا كَفَيْتُمْ، وَ أَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ، فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مِنْ أَتْبَعِ الْعُهْدِي.^۱»

اما در مورد علت غیبت، خدای تبارک و تعالی

می فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید هرگز نپرسید از مسایلی

که اگر فاش شود شما را اندوهگین می سازد» هر یک

۱. سورة مائده آیه ۱۰۱.

۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۵۳ و ج ۵۳، ص ۱۸۱ حائری یزدی، علی، الزام الناصب، ص ۱۳۰ صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، ص ۲۶۷ طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغیبه، ص ۱۷۷ طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، ص ۴۲۴ ازبلی، ابی الحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح، کشف الغمه ج ۳، ص ۳۲۳ الامام المهدی ص ۲۵۲.

از پدران من، بیعتی از طاغوت‌های زمان به گردن داشت، ولی من به هنگامی ظهور خواهم نمود که بیعت احدی از طاغوت‌ها به گردنم نباشد و اما کیفیت انتفاع مردم از وجود من در زمان غیبت، همانند بهره بردن آنها از خورشید است، هنگامی که ابرهای تیره آن را پوشاند و من امان اهل زمین هستم، به طوری که ستارگان امان اهل آسمان هستند. در مورد چیزهایی که به شما سودی نخواهد داشت پرسش نکنید و در مورد آنچه به شما بیان شده، خود را به زحمت نیندازید و در رابطه با تعجیل فرج، بسیار دعا کنید که فرج شما نیز به آن وابسته است و سلام بر کسی که از هدایت پیروی کند».

و نیز امام عصر (ع) درباره وفای به پیمان و شرط ظهورشان می‌فرمایند:

«وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لِبِطَاعَتِهِ، عَلَى اجْتِمَاعِ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ الْقَدِيمِ، لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا، وَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُسَاعَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا فَمَا يَخْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا تُكْرَهُهُ وَلَا تُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ، وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ، وَهُوَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ!»

۱. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ارشاد، ص ۱۰، مقدمه مجلسی، محمد باقر.

امامت حضرت مهدی (عج)

اگر شیعیان ما که خداوند آنها را به طاعت خود موفق
بدارد - دل‌هایشان در وفا کردن به پیمان قدیم، یکی
شود، هرگز سعادت دیدار ما از آنها به تأخیر نمی‌افتد و
سعادت پشتیبانی ما از آنها در سوق دادنشان به متن واقع
و حق معرفت به تعجیل می‌افتد، ما را چیزی جز اعمال
نکوهیده آنها محبوس نمی‌سازد، که اعمال آنها به ما
می‌رسد و ما را اندوهگین می‌سازد، که ما چنین انتظاری
از آنها نداشتیم. از خدا یاری می‌طلبیم که یاری او ما را
بس است و او بهترین وکیل است».

سایر آثار فرهنگی منتشره از همین ناشر:

عنوان	نویسنده؛ مترجم	قیمت
۱. دایرةالمعارف موعود آخر الزمان (۷ جلد)	گروه پژوهش	۱۱۰۰۰۰۰
۲. تاریخ پس از ظهور	شهید سید محمد صدر	۶۰۰۰۰
۳. معرفت امام عصر (ع) و تکلیف منتظران	ابراهیم شفیعی سروستانی	۳۵۰۰۰
۴. تحفه امام مهدی (ع)	محمد خادمی شیرازی	۲۵۰۰۰
۵. رهبری بر فراز قرون	شهید صدر مترجم: مصطفی شفیعی	۹۵۰۰
۶. رجعت	محمد رضا ضمیری	۵۰۰۰
۷. نظریه اختیاری بودن ظهور	علیرضا توده‌نی	۸۵۰۰
۸. انتظار، باید‌ها و نباید‌ها	ابراهیم شفیعی سروستانی	۱۴۰۰۰
۹. سیر زمان تا صاحب الزمان (ع)	بیلال نعیم مترجم: سید شاهپور حسینی	۱۳۵۰۰
۱۰. ششماه پایانی	مجتبی الساده مترجم: محمود مطهری‌نیا	۲۳۰۰۰
۱۱. سفیانی و نشانه‌های ظهور	محمد فقیه مترجم: سید شاهپور حسینی	۱۵۵۰۰
۱۲. با دعای ندبه در پگاه جمعه	علی اکبر مهدی‌پور	۱۴۰۰۰
۱۳. در انتظار خورشید مغرب	گروه پژوهش دانشگاه اردبیل	۴۳۰۰۰
۱۴. معجزات امام مهدی (ع)	علامه بحرانی مترجم: ابوذر یاسری	۲۵۰۰۰
۱۵. بشارت به منجی موعود	علی سزایی	۸۰۰۰
۱۶. امام مهدی و بانوان حریم ولایت	واحد پژوهش	۶۵۰۰

امامت حضرت مهدی (عج)

۶۰۰۰	واحد پژوهش	۱۷. مرعود قرآن
۴۵۰۰	واحد پژوهش	۱۸. از حسین (ع) تا مهدی (ع)
۴۲۰۰	واحد پژوهش	۱۹. آخرین نشانه‌های ظهور
۶۰۰۰	حسن جلالیان	۲۰. امام مهدی (ع) و میراث سلف
۷۲۰۰	واحد پژوهش	۲۱. امام علی (ع) و امام مهدی (ع)
۵۰۰۰	واحد پژوهش	۲۲. دو خاتم
۸۰۰۰	واحد پژوهش	۲۳. شیعه در عصر غیبت
۷۰۰۰	احمد سیاح	۲۴. صفات و خصایل امام مهدی (ع)
۵۰۰۰	واحد پژوهش	۲۵. باران امام زمان (ع)
۱۴۰۰۰	واحد پژوهش	۲۶. آخر الزمان در آینه روایات
۷۰۰۰	واحد پژوهش	۲۷. انتظار، منتظر و تکالیف منتظران
۱۵۰۰۰	زهره یزدان پناه	۲۸. زنان عاشورایی
۲۱۰۰۰	یاقر شریف القرشی مترجم: محمد صالحی	۲۹. ماه‌ترین
۲۲۰۰۰	سید علی کاشفی خوانساری	۳۰. حیدرنامه
۱۰۰۰۰	ابراهیم شفیعی سروستانی	۳۱. حقوق مؤمنان
۷۰۰۰	واحد پژوهش	۳۲. برمدار عشق
۵۰۰۰	علی اکبر مهدی پور	۳۳. علی اول
۱۰۰۰۰	اسماعیل شفیعی سروستانی	۳۴. بوی مهربانی
۵۵۰۰	سید محمد حکاک	۳۵. همه‌ی حیات
۶۰۰۰	رضا پایانی	۳۶. ندبه‌های دل‌تنگی

چهل حدیث

۷۰۰۰	جمعی از نویسندگان	۳۷. سوار در برف
۵۵۰۰	مریم ضمانتی یار	۳۸. لایق عشق
۷۵۰۰	مریم ضمانتی یار	۳۹. ماه در آینه
۷۰۰۰	مریم ضمانتی یار	۴۰. آبی ترین دریا
۱۰۰۰۰	مریم ضمانتی یار	۴۱. همسفر با خورشید
۴۰۰۰	سید علی کاشفی خوارنساری	۴۲. به احترام آفتاب
۱۵۰۰۰	اسماعیل شفیعی سروستانی	۴۳. بخت خاک
۴۰۰۰	محمد علی دهقانی	۴۴. خواب صد ساله
۱۰۰۰۰	محمد علی دهقانی	۴۵. شیرین تر از عسل
۱۰۰۰۰	حسین فتاحی	۴۶. ماه مجلس
۲۴۰۰۰	محمد شب‌زنده‌دار	۴۷. شفاخانه اهل بیت
۳۰۰۰	نقطه حمیدرضا جندقی	۴۸. زیارت ناحیه مقدسه